

مصاحبه با آقای دکتر محمد مصدق پیشوای ملت ایران

پس از نه سال که حکومت استبدادی مولود کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تمام حقوق و آزادیهای ملت ایران و پیشوای عالیقدر آن دکتر محمد مصدق را از هر جهت سلب کرده بود و آقای دکتر مصدق را پس از پایان مدت زندانی غیرقانونی با شدت و مراقبت بیشتری در احمدآباد مقید و زندانی نمود و از هرگونه ارتباط و ملاقات ممنوع داشت برای نخستین باره "گورک فون هوننت" مفسر مهم روزنامه آلمانی "دویچه زاتینگ" اجازه داد شد که با ایشان ملاقات و مصاحبه کند. جریان کسب اجازه غیرمنتظره که موجب شگفتی برای محافل داخلی و خارجی شده است بقراری که خود آقای هوننت نقل کرده از این قرار است: آقای هوننت در ضمن مصاحبه با اعلیحضرت شوال میگوید که آیا آقای دکتر مصدق هنوز در حال زندانی بودن هستند یا خیر و هنگامیکه شاه جواب منفی باین پرسش میداد آقای هوننت میگوید در این صورت من مایلیم با آقای دکتر مصدق ملاقات کنم و پس از این مقدمه با ایشان اجازه ملاقات با آقای دکتر مصدق داد همیشه تا بدین وسیله لا اقل بمفسر روزنامه آلمان ثابت کنند که آقای دکتر مصدق حق ملاقات با اشخاص را دارند در صورتیکه هیچکس جز خانواده ایشان حق ملاقات و حق دیدار معظم ندارند. آقای هوننت پس از کسب اجازه از شاه برای ملاقات با آقای دکتر مصدق بمقامات سفارت مراجعه مینماید و این اجازه بقدری برای مقامات سفارت غیرمنتظره است که بواسیله تلفن با آقای علاء وزیر در تماس حاصل میکنند و در این خصوص کسب اطلاع مینمایند آقای وزیر در این جریان بی اطلاع بوده است میگوید صبر کنید تا از اعلیحضرت جریان را استعلام نمائیم و پس از استعلام سفارت آلمان جواب میداد که آقای هوننت اجازه ملاقات آقای دکتر مصدق را دارد. وقتی کار اینجامیرسد و موافقت حاصل شد آقای هوننت با اتفاق مترجم خود با احمدآباد میروند و با آقای دکتر مصدق ملاقات و مصاحبه مینماید و ناچار مهمان پیشوای ملت ایران بودند و در نتیجه ثابت شد که آقای دکتر مصدق از تماس با خبرنگاران امتناع ندارند. آقای هوننت جریان مصاحبه را بواسیله تلگراف بمركز خبرگزاری آلمان مخابره میکند و بلافاصله این گزارش از آلمان بهمهمه خبرگزاریها و از جمله بایرنا مخابره میشود ولی کماکان مأمورین سانسور شدت آنرا سانسور مینمایند و حتی نمیگذارند ملاقات خبرنگار با آقای دکتر مصدق در جریان داخلی منعکس شود و از توزیع روزنامه "دویچه زاتینگ" که حاوی مصاحبه مفصل آقای دکتر مصدق بود جلوگیری نمودند.

برای تهیه روزنامه مزبور اقدامات لازم بعمل آمد تا بزودی ترجمه آنرا در نشریه اخبار جبهه ملی در وجود اختیار ملت شرافتمند ایران قرار دهیم.

فاجعه در ناک زلزله

فاجعه در ناک زلزله اخیر در منطقه قزوین و ساوه چنان مصیبت زا و تازانگیز است که یاد آوری آن تحمل پذیر نیست. جمعی برادران و خواهران عزیز ما که از هر حیث دچار محرومیتهای اجتماعی بودند گرفتار خشم طبیعت شده جان عزیز و هستی خود را از دست دادند و تمام هموطنان خود را قریب در عالم ساختند. جبهه ملی ایران بدین وسیله بملت شرافتمند ایران و بازماندگان مصیبت دیده از صمیم قلب تسلیت میگوید و بهموطنان عزیز سفارش میکند از هرگونه کمک و همراهی بمناطق زلزله دیده کوتاهی ننمایند. شورای مرکزی جبهه ملی هیئتی مرکب از آقایان دکتر عبدالحسین اردلان و حاج حسن قاسمی تحت نظر آقای مهندس حسینی تشکیل و آنان را مأمور جمع آوری اعانه و کمکهای امدادی نمود این هیئت بلافاصله بکاربرد اخته و افعالیات همه جانبه سازمانهای جبهه ملی بجمع آوری اعانه و تهیه مقدمات کمک به مناطق زلزله دیده مشغول شده و این اقدامات ادامه خواهد داشت. روز چهارشنبه آقای مهندس حسینی در راس یک اکیپ کامل و مجهز بوسایل بهداشتی طبیب پرستار و دارو و اعانات جمع آوری شده عبارت از غذا - پوشاک - ظروف و سایر وسایل بسوی مناطق زلزله دیده اعزام شدند و مقدمات اعزام اکیپهای دیگر نیز سرعت فراهم میشود که گزارش تفصیلی آن بعد با اطلاع همه هموطنان خواهد رسید. کسانی که مایل بکمک نقدی و جنسی باشند میتوانند بمنزل آقای اللهیار صالح خانه شماره ۲۹ خیابان فخر رازی مراجعه فرمایند.

جانسون در بازار

دستگاه حاکمه مستبد که میخواهد در برابر معاون رئیس جمهوری ایالات متحدتظار دهد مکررات منشی کند او را با اتفاق علم نخست وزیر جان نثار با مقدمات چینی های قبلی بیازارد ولی در مقابل بازار وجود قوای انتظامی و حتی چتر باز که محوطه را اشغال کرده و خاطر فراموش نشدنی فاجعه دانشگاه را بیاد میآوردند بازار ایران با رعایت نظم برای اینکه آقای جانسون را از عدم رضایت عمومی آگاه سازند و بفهمانند که هیئت حاکمه فاسد و روش استبدادی آن مورد تنفروا نبر طر عمومی است با شعارهای مصدق پیروز است - ما انتخابات آزاد میخواهیم - ما آزاد میخواستیم شروع عتظا هرات کردند و مأمورانتظامی شدت مردم را مورد حمله و ضرب و شتم قرار دادند و با سرنیزه و باتون بمتفرق نمودن جمعیت انبوه پرداختند و حتی در حضور معاون رئیس جمهور آمریکا هم از نشان دادن ماعت استبدادی خود فروگذار نکردند.

مردم زیر بار افزایش کرایه اتوبوس نخواهند رفت

دولت و روشکسته علم که نه فقط بر عواید هنگفت نفت پنجه افکند و بجای افزایش میزان سرمایه گذاری و تلاش برای نجات کشور از رکود و سیرقه قرائی فعلی ۲۵٪ بر بودجه نیروهای انتظامی افزود است اینک با کمال بیشرمی قصد دارد از طریق بالا بردن مالیاتهای غیرمستقیم از قبیل کرایه اتوبوس و ازدیاد بهای نفت و بنزین بار سنگین هزینه زندگی انبوه مردم فقیر ایران را کمر شکن تر نماید. زمزمه های که هم اکنون برای بالا بردن کرایه اتوبوس و گرفتن شمشیر از دست آموزش و انشجویان در جریان است مقدمه و پیشدرآمد این آهنگ ناخوار است. کسانی که سالها مردم بیچاره را گرفته و در اثنای کشور را بر باد داده و اکنون هم حاضر نیستند از جاه طلبی ها و افراط و تفریط های ناروا دست بردارند غافل از آنند که صبر و طاقت مردم ابدی نیست. مردم ایران دیگر حاضر نیستند به مشتی قلد رو فاسد و بی بند و بار مالیات پردازند نایک حکومت خفقان آور و ناپاک با خاطری آسوده تحمیل خود را بر آنها ادامه دهد شکیبائی

آنها تمام شده است و از خشم آنها باید ترسید. هیئت حاکمه ای که حاضر نیست از اغنیای مالیات وصول کند و با صحنه سازنهای مسخره عمل نشان داد که نمیخواهد دزدان و غارتگران را کیفر دهد و حق مردم را از آنان بازستاند و فقط از راه بالا بردن کرایه اتوبوس که تنها وسیله ایاب و ذهاب مردم بخصوص کارگران و پیشه‌وران و کارمندان دولت و دانش‌آموزان و دانشجویان است میخواست و لخر جیبها و جیبها را از آنها عمل خود را جبران کند باید از خشم مردم بترسد زیرا که این وضع یگر برای مردم قابل تحمل نیست و این جاه طلبان بیکفایت بزودی نتایج سیاسی غلط و غیرملی خود را خواهند دید. جبهه ملی ایران بنمایندگی همه مردم تهران اعلام میدارد که شدیداً با افزایش کرایه اتوبوس مخالف است و برای جلوگیری از چنین اجحافی بطبقات کم درآمد شهر از هر کوششی فرود گذار نخواهد کرد.

آزادی !!

روز جمعه در شهر یوریا از ایران بافتخار آزادی زندانیان جبهه ملی که ماهها بر خلاف قانون در زندان استبداد بوده‌اند در منزل آقای دکتر بختیار از جمعی افراد جبهه ملی دعوت کرده بودند - مامورین انتظامی بشدت از ورود مدعوین جلوگیری نمودند که ناگزیر مدعوین بصورت دهن‌سترا سیونز اگر کردند

حکومت استبدادی از مهمانی فامیلی هم جلوگیری کرد

آقای مهندس امیر ابراهیمی بافتخار آقایان دکتر سنجابی و دکتر بختیار از عده‌ای دوستان و خانمهاشان برای عصر جمعه گذشته دعوتی خانوادگی کرده بودند ولی مامورین انتظامی از ورود مدعوین (خانمها و آقایان) جلوگیری بعمل آوردند. معلوم شد ملاقاتها و دعوتهای خصوصی هم در این مملکت که تمام آزادیهارا از مردم سلب کرده‌اند ممنوع شده است. اینست معنی حکومت دموکراسی و آزادی !!!

هزینه کاهش نفقات ارتش !!

از یکطرف گفته شده است که از تعداد نفقات ارتش بمیزان پانزده درصد کاهش خواهد شد و از طرف دیگر بودجه ارتش در حدود دو بیست و پنج میلیون تومان اضافه شده است. آزاد کردن سی هزار نفر سرباز ارتش و بیست و پنج میلیون تومان از بودجه ارتش کم نکند لا اقل نیاید موجب افزایش هزینه نیروهای انتظامی بمیزان ۲۵٪ گردد ولی در کشور ما که همه چیز آن معکوس است حتی تقلیل نفقات ارتش هم هزینه سرسام آوری بدنبال دارد. در همه جای دنیا دولت و لشکر امیکوشند از تشمهای خود را کوچکتر کنند تا سهم بیشتری از منابع مالی خود را در راه رشد اقتصاد و رفاه مردم بکارانند. در ایران نه فقط سی هزار نفر صرفاً نبودند چندین هزار نفری بیکاران افزوده میشود. بلکه سهم بیشتری از بودجه دولت و درآمد ملی صرف خرید اسلحه و مهمات از خارج میشود. بجای وارد کردن کارخانجات که برای مردم تولید کار و درآمد کند کمیسیون پشت کمیسیون مامور خرید تجهیزات از خارج میگردد. زمزمه محاکمه عالی ترین مقام نظامی ایران که آنرا باید مشتی از خروار است اینست این سؤال راحتی برای خود هیئت حاکمه پیش میآورد که تاکی میتوان یک چنین بار سنگینی را بر دوش یک ملت فقیر تحمیل کرد و بنام امنیت ملت را بسیه روزی کشاند و عواید شوم آن را ندیده گرفت. مدرن ترین اسلحه ها و زیاده ترین یونیفورم ها در برابر سیل مردم گرسنه و برهنه و بیکار که سرا سر کشور ما را فرا گرفته است پیشیزی نمیآورد و هر چه زود تر باید دانست که یک ارتش نیرومند ملی فقط از تجهیزات و یونیفورم بوجود نمیآید.

ببودجه ضد ملی

آقای بهنیا وزیرداری در مصاحبه مطبوعاتی خود درباره بودجه سعی کردند بقول خود شان مانند کشورهای مترقی خط مشی و سیاست مالی دولت را برای مردم تشریح کنند. بر طبق قانون اساسی تصمیم درباره دخل و خرج کشور و تصویب بودجه از وظایف اختصاصی مجلس شورای ملی میباشد بنا بر این تصویب بودجه باین ترتیب در غیاب مجلس شورای ملی و اتخاذ تصمیم قطعی در این خصوص اساس و مبنای قانونی ندارد. در این مختصر اغراض هیئت حاکمه و خطاهای فکری و مغلطه های آماری و قیاسهای مع الفارغ وزیرداری و مشاورین او نشان داد خواهد شد تا در غیاب مجلس مردم از نقشه های قهرانی هیئت حاکمه آگاهی یابند. وزیرداری در مصاحبه خود گفت: (امکان صرفه جوئی بمعنی عادی ازین رفته است.....) همانطور که همگان میدانند گشاد بازیه و لخر جیبهای گزاف و حیف و میلهای کلانی که در دستدار استاد اعظم ای لشکری و کشوری از نه سال پیش تا کنون وجود داشته همیشه باعث شده است که دولت با در دست داشتن منبع درآمد سرشاری چون درآمد نفت همیشه و هر ساله کسر بودجه داشته باشد و مقدار زیادی عم از دخل و خارج قرض کند آقای بهنیا مستقد است که هیچگونه صرفه جوئی در این دستگاه امکان پذیر نیست - آیا نمیتوان از تعداد افراد نامرتبی که در روز صد ها هزار ریال از دستگاه ولتی بتصدیق بازرسان کل کشور مزد و حقوق میگیرند و بجای محاکمات مسخره کنونی حق مردم را ازین مشت چپا و لکریس گرفت؟ آقای بهنیا در جای دیگر گفتند: (بودجه مصوبه دارای کسری اهمیت است که ازینج در صد درآمد عمومی تجاوز نمینماید) کسر بودجه که بسیاری اهمیت تلقی شده است و عذر ریز تراز گناه آن افزون بودن کسر بودجه سال گذشته است سی درصد زیاد تراز بودجه ایست که آقای بهنیا به بهد داشت مردم تخصیص داده اند و بهر حال ارقام درآمد های پیش بینی شده در بودجه غالباً ساختگی و کسر بودجه واقعی بمراتب زیاد تراز مبلغی است که ایشان ارائه کرده اند. آقای بهنیا لازم بود مردم توضیح بدند که دولت ایشان و سایر موسسات دولتی تا چه میزان از بانک های مرکزی و ملی و سایر بانکها وام خواهند گرفت و در نتیجه حجم پول را بدون در نظر گرفتن نتایج تورمی آن زیاد تر خواهند کرد. افتخار آقای وزیرداری به حذف یکی دو سفارت خانه و کنسولگری بی مصرف و ادغام یکی دو دستگاه بی ارزش و نالایم نشان داد که هیئت حاکمه و وزیرداری برای حذف و صرفه جوئی در مخارج گزاف و غیر ضروری تا چه حد کوفت فکری و فکری هستند. نوید دیگری که وزیرداری میدهد اینست که: (در سال جاری به بود وضع مادی هیچیک از مستخدمین و تغییر وضع اقتصادی آنها ممکن نیست) - بسبب سیاست اقتصاد غلط و ولتهای نه سال اخیر و سوء اداره امور کشور در ساله هزینه زندگی سریعاً بالا میرود در صورتیکه درآمد کارمندان دولت ثابت بماند نتیجه اینکه روز بروز وضع ماموران دولت بدتر خواهد شد و نویدهایی که درباره بالا رفتن سطح زندگی کارمندان دولت داده بودند نقش بر آب میشود آقای وزیرداری در همین مصاحبه در جواب یکی از سئوال کنندگان اضافه حقوقی که به فرنگیان داده شده بود غلط و بی اساس تلقی کردند آیا آقای بهنیا بیاید دارند که خود ایشان در همان زمان وزیرداری بودند؟ در مورد بودجه سازمان برنامه که قسمتی از آن از درآمد نفت و قسمت دیگر از آن از طریق وامها تامین میشود نذات زیر قابل توجهند:

مردم ایران! برای کمک به زلزله زدگان مصیبت دیده کمکهای نقدی خود را بحساب جاری شماره ۱۲۵۰۰۳ جناب آقای اللهمیار صالح در بانک ملی شعبه دانشکاه و یا بشخص معظم له در خیابان فخر رازی شماره ۷۹ تحویل دهید. کمک شما بهممنوعان محروم نشانه رشد ملی و عواطف بشردوستانه شماست.

نامه شورای جبهه ملی ایرانیان مقیم امریکابه پیشوای ملت ایران و یاسح معظم له

جناب آقای دکتر محمد مصدق پیشوای ملت ایران

بتاریخ ۳۰ تیرماه ۱۳۴۱. شهر نیویورک

نمایندگان ایرانیان وابسته بجبهه ملی ایران مقیم در امریکا که برای تشکیل کنگره جبهه ملی در این کشور در تاریخ ۱۸ و ۱۹ تیرماه ۱۳۴۱ در شهر نیویورک اجتماع نمودند و سازمان جبهه ملی ایران در امریکارابوجود آوردند بدینوسیله آمادگی خود را برای مبارزه در راه تحقق آمال ملی بنحوی که منظور نظریشوا معظم ملت ایران بود معروض داشته امیدوارند هرچه زود تر موفق شوند با کمک سایر هموطنان عزیز حکومت عدل و حق وقانون را در سرزمین نیاکان خود مستقر ساخته از این راه دینی را که ملت محروم خود دارند ادا کنند.

احمد آباد ۱۲ شهریورماه ۱۳۴۱ - توسط جناب آقای دکتر شایگان. شورای جبهه ملی ایران مقیم امریکا

نامه مورخ ۳۰ تیرماه ۴۱ حاکی از تشکیل سازمان جبهه ملی ایران در امریکاعزوصول ارزانی بخشید و موجب کمال خوشوقتی گردید. عقب ماندگی ما ایرانیان بعلمتند داشتن تشکیلات سیاسی واجتماعی است و این نقیصه سبب شده که ایران عزیز آزادی و استقلال خود را از دست دهد و هیچ فرد ایرانی نتواند کوچکترین اعتراضی بکند از اینجانبکه اکنون متجاوز از ۹ سال است در زندان بسر میبرم و حتی از این قلعه نمیتوانم پای بخارج گذارم کاری ساخته نیست مگر اینکه از خدایخواهم امثال این تشکیلات زیاد شود و در سایه اتحاد بتوانند در راه آزادی و استقلال وطن عزیز گامهای بلندتر بردارند. امید و آتیه ایران بسته با اتحاد و مبارزه نسل جوان است.

دکتر محمد مصدق

تکذیب

اخیرا بمضای کمیته انتشارات جبهه ملی ایران نشریه ای پبلی کبی شده تحت عنوان "افسانه جبهه ملی" توزیع گردیده که مطالب آن جعلی است ضمنا مطالبی بهمین سبک تحت عنوان "متن مصاحبه جناب آقای دکتر مصدق با خبرنگار آلمانی" منتشر شده است که یا متن اصلی مصاحبه که در دست چاپ است و قریبا انتشار خواهد یافت بکلی مغایرت دارد. این اعمال که از طرف دشمنان ملت و مخالفین نهضت ملی ایران انجام میشود کسی را فریب نمیدهد

کتک زدن و توقیف کردن مددکاران زلزله زدگان

جمعی از دانشجویان دانشکده پزشکی مشهد و اعضای جبهه ملی خراسان برای کمک بزلزله زدگان در هفته گذشته وارد تهران شده و خود را در اختیار هیئت سه نفری منتخبه شورای مرکزی جبهه ملی مامور کمک بزلزله زدگان گذارند. از طرف هیئت آقایان بکمیته کمک جبهه مقیم قزوین معرفی شدند و کمیته مزبور آنانرا بهمراه عدد دیگری از دانشجویان و اعضای سازمان آمدادی جبهه ملی مامور درمان مجروحین و توزیع کمکهای جنسی نمودند متاسفانه در حین انجام وظیفه که بنحو احسن انجام میشد با مخالفت و کار شکنی مامور انتظامی مواجه شدند که در نتیجه عددی از مضروب و عده ای دیگر زدن آنها گردیدند. هیئت حاکمه ضد ملی با این اقدام ناجوانمردانه و غیرقانونی ثابت کرد از جنبش مردم در کمک بزلزله زدگان وسیله کمیته های ملی که در حقیقت رای عدم اعتماد است نگاههای دولتی میباشد عصبانی است و با توسل باین قبیل اقدامات خلاف قانون میخواهد از فعالیت نمرخشم مردم نوعی پرور ایران جلوگیری بعمل آورد.

در اصفهان هیئت حاکمه از جمع آوری کمک جهت زلزله زدگان جلوگیری میکنند

کمیته جبهه ملی اصفهان گزارش میدهد: بمنظور کمک بزلزله زدگان از طرف کمیته استان اصفهان قبوض اعانه چاپو قرار بود از روز یکشنبه ۱۸/۶/۴۱ در شهر توزیع شود. غروب روز شنبه ۱۷/۶ مامورین سازمان امنیت و پبلیس بد فتر کار آقای سپاهانی متصدی امور مالی کمیته استان اصفهان رفته و ایشان را با سازمان امنیت جلب و تمام قبوض چاپ شده را نیز با خود بردند بعد از یکشب توقیف غیرقانونی ایشان را آزاد و پس دادن قبوض را موکول بآن نمودند که در فروش آنها تظاهری صورت نگیرد. پس از توضیحی که از طرف آقایان برومند و سپاهانی در سازمان امنیت داده شد قبوض اعانه باز پس گرفته شد و از عصر آنروز ابتدا در بازار و فردای آنروز در خیابان چم ارباغ قبوض اعانه بوسیله جمعی از اعضای کمیته اصفهان و دانشجویان در کمال متانت و آرامش بمردم عرضه گردید متاسفانه امروز صبح ساعت ۹ از طرف رئیس سازمان امنیت بوسیله تلفن اطلاع داده شد که از فروش قبوض اعانه بصورت حرکت دسته جمعی بشدت جلوگیری و توزیع کنندگان را توقیف خواهند نمود لذا کمیته استان تصمیم گرفت از اقدام دسته جمعی برای جمع آوری اعانه فعلا خودداری و بصورت کوششهای فردی راینمورد اقدام و مبلغ جمع آوری شده را بوسیله جناب آقای صالح در اختیار هیئت محترم اجراییه بگذارد تا بمصرف لازم برای کمک بزلزله زدگان برسد. حرکتی دستجمعی اعضای کمیته برای فروش قبوض اعانه در افکار عمومی شهر حسن اثر بسیار داشته است - امروز ۲۰/۶ ساعت ۱۲/۵ مامورین سازمان امنیت و شمریانی بمنزل آقای محمد تقی برومند وارد شد همقداری از اوراق موجود و تمام قبوض اعانه که در منزل ایشان بود و جمع آوری و سپس عمین عمل را در مورد آقای محمد سپاهانی نیز انجام و تمام قبوض باقیمانده را ضبط نمودند - مراتب با اطلاع سید که از هر راه ممکنه نسبت باین عمل خلاف قانون از طرف هیئت اجرایی اعتراض بعمل آید

تقاضای دانشجویان دانشگاه تبریز

دانشجویان دانشگاه تبریز کتبا از هیئت اجرایی جبهه ملی ایران تقاضا نمودند که دسته جمعی برای کمک بمنطق زلزله زد عزیمت نمایند. از طرف هیئت اجرایی جواب داده شد که عزیمت آقایان دانشجویان با وجود فعالیت دامنه ارد دانشجویان دانشگاه تهران و بازاریان وابسته بجبهه ملی ضرورتند از در مورد جمع آوری کمکهای نقدی برای کمک ببرنامج خانه سازی جبهه ملی اقدام و بحساب شماره ۱۲۵۰۰۳ بانک ملی شعبه دانشگاه حواله نمایند.

بقیه از شماره قبل

بود جبهه ضد ملی

در مورد بودجه سازمان برنامه که قسمتی از آن از درآمد نفت و قسمت دیگر از آن طریق وام تأمین می شود نکات زیر قابل توجهند :

بودجه عمرانی شش ماه اول برنامه سوم فقط مبلغ شش میلیارد ریال خواهد بود این مبلغ مراتب کمتر از نصف مبلغی است که در برنامه سوم برای شش ماه اول پیش بینی شده بود یگانه دشواری که امضا کنندگان قرارداد ادکسیر میوم مردم میدادند این بود که درآمد نفت کلاً به مصرف عمران و توسعه اقتصاد کشورهای خواهد رسید و ایران در طی ده سال بهشت برین خواهد شد هر دو ولتی که روی کار آمد از این منبع که آنرا بغلط گنج باد آورد های بلند اشتند مبلغی برای گشاد بازیها - و لخرجیهای اداری و روزمره خود گذاشتند - دولت علم نیز تنها چاره را به یون ۵۰ ۴ میلیون دلار از سهم برنامه های عمرانی از درآمد نفت مبادرت کرد و نوید میداد که با استفاده از وام های خارجی کسر بودجه سازمان برنامه را تامین خواهند کرد . آیا این قروض در حقیقت برای تامین بودجه دستگاه های کشوری و لشکری نیست ؟ آیا دیگر کسی در دنیا حاضر خواهد شد که بچنین حکومت های بی آب و هوا بدهد ؟ اگر مخارج ساختمان های وزارت جنگ را از بودجه کارهای باصلاح عمرانی تفریق نمائیم و آنرا ببودجه ارتش و قوای انتظامی بیفزائیم خواهیم دید که بزرگترین رقم هزینه بودجه مخارج قوای انتظامی است . آقای وزیر در این باب دست بمقایسه های زده اند که هم مضحک است و هم مخدوش - ایشان گفته اند : (این رقم بمقایسه به رقم هزینه های دولتی ممالک کوچک مثل سوئیس و سوئد فوق العاده ناچیز است و نسبت سرانه ۱۰ برابر کمتر از آنها میباشد) آقای وزیر در عیج مورد دیگر در مقام مقایسه بر نیامده اند مثلاً گفته اند که حتی در ممالک عقب افتاده ای چون فیلیپین نسبت مالیات مستقیم بر درآمد ملی در حدود دو برابر ایران است و در ممالک مرفقی اروپائی این نسبت به شش یا هفت برابر میرسد فقط در مورد مخارج سوئیس و سوئد که از لحاظ درآمد سرانه ملی در اروپا مقام اول و دوم را حائزند و در هم رنگ از این دو کشور افراد بیش از هزار دلار درآمد سرانه دارند و جمعیت آنها بترتیب در حدود پنج و هفت ملیون نفر است با مملکت ما که درآمد سرانه در حدود یکصد دلار و جمعیت آن در حدود بیست ملیون نفر است مورد مقایسه قرار داده است . خوب بود آقای وزیر در این مورد خود را بجهالت نمیزد و یکی از معیارهای صحیح را برای این مقایسه بکار میبرد تا مشتش بکلی باز می شود و علت همه گرفتاریهای که گریبانگیر بودجه سازمان این کشور در ۹ سال اخیر بوده است آشکار و روشن میشود . اگر آقای به نیامخارج نظامی را براساس درآمد ملی قیاس میکرد آنوقت میدید که در صد هزینه نظامی ایران نسبت بدرآمد ملی ما بیش از یک و نیم برابر عمین رقم برای مردم سوئیس میباشد . و با طووردیگر مطلب را مطرح میگرد و نسبت مخارج نظامی را بمخارجی که برای مردم مفید و لازم است در مملکت سوئد و ایران مقایسه میکرد . در سوئد نسبت مبلغی که برای رفاه اجتماعی - بهداشت و فرهنگ صرف میشود دو برابر هزینه قوای دولتی آن کشور است در صورتیکه در ایران بودجه وزارتخانه های فرهنگ و بهداشت جمعا کمتر از نصف بودجه ارتش و قوای انتظامی است و یا اگر آقای به نیامخارجی که یک فرد هرملت برای قوای نظامی کشور خود مینماید توجه داشته اند که مثلاً کشور هند با وجود اینکه اختلافات شدید مرزی با چین و پاکستان دارد هر نفر در آنجا کمی کمتری از ششصد نفر ایرانی برای قوای نظامی و انتظامی خرج میکند . بودجه فرهنگ نیز بنظر آقای وزیر در این قابل ذکر است و حفظ آب و می کنند ولی بلافاصله ایشان مدعی هستند که مردم باید برای تحصیل فرزند ان خود شهریه بپردازند - خوب بود جناب وزیر در مقام مقایسه با کشورهای که تعینات در آن اتمه ۱۰ سالگی اجباری و رایگان است بر می آیند و توقعند داشته اند که کارگران و دهقانان بی بضاعت ایرانی برای اینکه کودکانشان حداقل خواندن و نوشتن را بیاموزند دست بیکسوخالی خود ببرند . آیا در کشورهای سوئیس و سوئد نیز وضع فرهنگ چنین است ؟ آقای وزیر در این با کمال تاسف ناچیز بودن سایر ارقام بودجه را برای رفح نیاز مند های کشور متذکر میشوند ایشان برای متعادل ساختن بودجه از هزینه بسیار ناچیز وزارت بهداشت کسری کردند ولی ببودجه ارتش افزودند . آیا آقای وزیر میداند که هزینه بهداشت اشتی یک فرد سوئدی ۱۷ برابر مبلغی است که برای یک نفر ایرانی مصرف میشود ؟ آقای به نیامخارجی که مردم بی بضاعت کشورهای نیز در امر بهداشت شرکت دارند شریک دولت شوند . در بسیاری از ممالک سالهاست که بهداشت رایگان و مجانی است اما در ایران بودجه وزارت بهداری باید تقلیل یابد و مردم که وضع آنها روز بروز از نظر اقتصاد بی علل مختلفی که مسئول بوجود آوردن آن علل دولت های مغرض و نالایق ۹ سال اخیر بوده اند باید این فکر را از خاطر دور کنند که احتیاجات فرعی و دیگری و زمانی مردم باید از طرف دولت بطور رایگان مرتفع گردد . از یک طرف دولت بودجه برنامه های عمرانی را تقلیل داد و بر مخارج اداری کشوری و لشکری افزود و از سوی دیگر مقصود است که با کلیه وسایلی که در اختیار دارد ۰۰۰۰۰۰ مردم قدرت کار و فعالیت در چه-اچوب یک اقتصاد سالم بدوعد " وسایلی که دولت در اختیار میتواند داشته باشد همان سرمایه گذاری در صنایع تولیدی و ایجاد کارموند در کشور است اما با گذراندن بودجه ای که ارقام آن اجازه چنین اقدامی را نمیدهد و وسایل موثر دیگری در اختیار دولت نمیباشد یعنی ایجاد کار تعلیق بحال شده است و خطریکاری روز بروز شدیدتر خواهد شد . ادعای وزیر در این باره سلامت ایسن اقتصاد بسیار تعجب آور است ایشان باید بدانند که مملکتی توسعه نیافته مانند ایران برای جلوگیری از سیر فقرانی حد اقل باید نزدیک به ۱۰ درصد از درآمد ملی خود را پس انداز سرمایه گذاری کند تا بتواند افزایش نفوس را جبران نماید . آیا با سیاست اقتصادی مالی که ایشان پیش گرفته اند امکان چنین پس اندازی برای سرمایه گذاری در مورد صنایع و صنعتی کردن کشاورزی باقی مانده است ؟ آیا اخذ وام های غیر قانونی - اگر میسر باشد - در سرمایه گذاری را بنظر ایشان درخواهد کرد و اقتصاد ما را به سلامت باز خواهد کرد ؟ همانطور که در بالا ذکر شد در ایران افراد کمتری تقریباً همه جای دنیا مالیات مستقیم میپردازند علت این امر غلط بودن قوانین مالیاتی - عدم اعتماد مردم به دولت های غیر قانونی و عدم لیاقت و سودجویی مسئولین و گردانندگان دستگاه میباشد . در همه جای جهان هر که با مش بیشتر است بر فرس هم زیاد تراست . مالیات مستقیم بطور تصاعدی بنسبت ثروت و درآمد اشخاص بالا میرود . در مملکت ما مبلغی که از این راه بدست می آید بسیار ناچیز است زیرا قوانین مالیاتی مابدست کسانی وضع شده و اکنون حفظ میشود که خود بیش از هر کس از بالا رفتن مالیات بر اساس درآمد فرد میترسند . علت دیگر ناچیز بودن رقم مالیات مستقیم عدم اعتماد مردم بدولت های تحمیلی و متکی بزور است . مالیات غیر مستقیم که بر توانگر و گدا یکسان تحمیل میشود مورد پسند مسئولین کشور است چه بنظر ایشان همه کس باید بیک اندازه پرداخت بخرانه کشور شریک و سهیم باشد . تنها اجائی که عدالت و برابری در این کشور مفهم پیدا میکند و فقیر و غنی بیک چوب راند میشوند موضوع اخذ مالیات غیر مستقیم است . چه بسا قانونگذاران و بودجه سازان آیند به طرخی تهیه کنند که اغنیاء از پرداخت مالیات غیر مستقیم نیز بیعائی یابند . این بود خلاصه ای از بودجه غیر مرفقی و عقب افتاده آقای وزیر در این که بسبب ممالک مرفقی در یک مصاحبه رادیوئی بسمع مردم رسانند و این بود اعتراضی چند بر بعضی نکات بودجه غیر قانونی سال ۱۳۴۱ که در نیمه سال بتصویب دولت رسید .

پیام اولین کنگره سازمانهای جبهه ملی در اروپا

بجناب آقای دکتر محمد مصدق پیشوای عالیقدر مردم ایران

د رودی است بتوسرد ارقهرمان از آنانکه هرگز از راه مقدس تو باز نمانند و نمانند . از مبارزینی که پیکار بیشتر دید شان را با خاطر رهائی ملت خویش جز پیروزی سرانجامی نیست زیرا که در رس پیکار جوئی - راستی پاکبازی - سرسختی و پایداری در راه خلق را در مکتب مقدس تو آموخته اند . بتو آموزگار خردمند که به برق هر اندیشه ات چراغی بر راه انسله های امروز فردا بر افروختی و نگار هر ساعت زندگی ات ورقی زرین بر تاریخ ملی ما افزودی . تو پرچم ارداد خواهی محرومان و بیداد کشیدگان ایران که در غش خشم و طغیان خلق را بپا زوی توانای کارد انیت در راهت از آوردی و در تاریکترین روزهای تاریخ ملت روشنگر راه او شدی . تونگهبان د لیری که زندگانی بر حراست مشروطیت ایران گذاردی و در این راه استوار و بی ترزلی همچون کوه طوفانهار از سرگذراندی . تو راهنمای روشن بین و بیباک مآه در برابر دستاخی بیداندان که حرم مقدس میهن ما را ببنگ فرمانروائی خویش آلوده بودند قامت مردانگی بر افراختی در کوتا گردن دست پلید شان از ننجینه های ملی بی امان کوشیدی و صدای داد خواهی و نامجوئی ما را در افتقهای دوردست و در گوش انسانهای زنده و بیدار قرن روشنی طنین افکن ساختی . تو که نام بزرگ و عزیزت بسان رشته ای سحر آمیز قلبیه - معجزه او با زوان بینایک افراد ملت را پیوند داد و همچون عالیترین مظهر و غامن وحدت خد متگزاران خلق شناخته شده است . نامی که بر پیشانی تاریخ سرشار از بهمانی ملت ما جاودانه خواهد درخشید و نینش در در ترین دهلیزهای یاد ملت را از خود خواهد آگند . ما گرد آمدگان بگرد پرچم ایران و نام تو بار دیکر پیمان خود را با ملت خود و تو پیشوای بزرگش تازه کرده - سوئند یاد میکنیم که تا باز نرد اندن کامل استقلال و حیثیت ملی از یاد آوردن زور نویان و دژخیمان و برانداختن بنیاد ستم و فقر و محرومیت از سر زمین توازیای ننشینیم و در یک کلام تازنده ایم هرگز از راه تو باز نمانیم - گرمترین و صادقانه ترین سپاسها و سلامهای فرزندان تو را بپذیر .

نامه جناب آقای آقا سالی اللہیاری صالح بجناب آقای دکتر محمد مصدق

حضور مبارک جناب آقای دکتر محمد مصدق پیشوای عالیقدر

۱۶ شهریور ماه ۱۳۴۱

فرصت رامغتم شمرده ضمن تقدیم نسخه ای از پیام کنگره جبهه ملی ایران که در اروپا تشکیل یافته و مبین زنده ترین احساسات سرشار و آرایش ملت ایران است گرم ترین درود و شایسته ترین احساسات و احترامات قلبی افراد و سازمانهای جبهه ملی را بآن پیشوای عالیقدر تقدیم میدارد . سازمان او افراد جبهه ملی ایران از اینک رهبر عالیقدر ملت ایران در زندان و محرومیت غیر قانونی می بینند و از برکت ارشاد و زرعبری محرومند نمیتوانند تا سف و تاثر عمیق خود را پوشیده دارند و شاهد بارزان عمانا تا نیر نام بر افتخار آن پیشوای بزرگ است که در افراد و اجتماعات همواره شور و هیجان وصف ناپذیر بوجود می آورد چنانکه عرض شد هر چند از فیض ارشاد آن حضرت محرومیم و این خود غیبی جبران ناپذیر است ولی سعی کرده و میکنیم که بقدر وسع و امکان در راه و رسم مصدق بزرگ قدم برداشته و از خد اوند متعال و همت راد مردان ایوان مددی طلبیم تا شاید اینهمه مشکلات و موانع بیشمار را از پیش پای ملت ایران برداریم .

رئیس هیئت اجرائی جبهه ملی ایران - اللہیاری صالح

احمد آباد - ۲۲ شهریور ماه ۱۳۴۱

خدمت جناب آقای اللہیاری صالح ریاست محترم هیئت اجرائی جبهه ملی ایران

مرقومه محترمه مورخ ۱۶ جاری عز و وصول ارزانی بخشید و موجب نه ایت امتنان گردید . اینجانب هر قدر فکر میکنم خدمت قابل که شایان اینهمه تقدیر باشد ننموده ام و چنانچه خدمتی هم بوطن عزیز شده نتیجه همکاری شمارجال خیرخواه و وطنپرست بوده است و از اینک که رمدت قریب ده سال سرد و گرم روزگار کوچکترین اثری در معتقدات آقایان معظام و هموطنان عزیزند داشته است و هر کس در هر محلی بوده اند حافظ کرده و ثابت در آن مانده است نهایت افتخار د ارم و تردیدند ارم با ایمان را سخنی که نسبت با استقلال ایران و آزادی هموطنان د ارید د پریا زود بمقصومیر سید و چون از این حقیر با وضعیت فعلی کاری ساخته نیست فقط موفقیت آقایان محترم و همکاران عزیز را از خد اوند میخراهم جواب پیام سر تا پایم را میزنم کنگره جبهه ملی ایران د اروپا را عرض نمودم تقدیم میکنم و از سال آنرا بمقصد از گرم عمیم آن جناب خواهانم در خاتمه تشکرات خود را از توجهی که باین حقیر د ارید تقدیم مینمایم . دکتر محمد مصدق

کنگروه وسیع جبهه ملی ایران در اروپا

احمد آباد - ۲۲ شهریور ماه ۱۳۴۱

پیام پراز شور و سرارت آن کنگره محترم را آنقدر متاثر ننمودم که بتوانم تاثرات خود را عرض نمایم . قبول بفرمائید نه یکبار بلکه چند بار که آنرا خواندم اشک از چشمهایم درآمد و چه خوش گفته آنکه رمد معنادار شده . بردل نشینند هر آنچه از دل د ارید . این پیام که از حلقوم یکمده رجال و وطنپرست برای یکی از خدمت گزاران پست تهیه شده آنقدر پرمعنا و دلپذیر بود که نممن بلکه در سنگدلی را متاثر میکرد و این است معنای بلاغت و فصاحت کلام . من در این زندان اول امیدم بخدا بعد بشمانسل جوان است و هیچ تردیدند ارم با اتحادی که نموده اید بر مشکلات غلبه میکنید و یکی رابعه از دیگری از بین میبرید صبر و حوصله را پیشه قرار د ارید و باور کنید آنچه بر ما گذشته است بیش از ساعتی از عمر ملت نیست . پیش از این تصدیع نمیدهم و از خدای منان اتحاد و توفیق شما را در مبارزه با دشمنان ایران خواهانم .

دکتر محمد مصدق

اولین کنگره سازمانهای جبهه ملی ایران در اروپا

اولین کنگره سازمانهای جبهه ملی در اروپا در روز ۲۴ مرداد برابر با ۱۵ اوت با شرکت نمایندگان سازمانهای جبهه ملی آلمان - فرانسه - انگلیس - اتریش - سوئیس و ترکیه و ۳۳ کمیته شمهرهای مختلف اروپا در یکی از تالارهای شهرویسبادن آلمان غربی با شکوه و جلال نیروبخشی تشکیل گردید . کنگره در مدت پنج روز کارمد اوم متجاوز از ۲۴ ساعت کار نمربخش و ارزنده انجام داد که گزارش آن در جزوه ای چاپ و منتشر گردید و خلاصه بعضی قسمتهای آن در زیر نقل میشود : تالار وسیع مجل جلسات کنگره بنحو جالبی تزیین شده بود . در قسمت بالائی تالار عکس بزرگی از پیشوای عالیقدر مردم ایران دکتر محمد مصدق

که بر روی پارچه نقاشی شده بود قرار داشت در طرف آن پرچمهای ایران و آلمان قرار گرفته بود در اطراف سالن پرچمهای سه رنگ ایران و چند عکس بزرگ دیگر در صدر نصب گردیده بود. شعارهای: استقرار حکومت قانونی، جبهه ملی ایران است - پیروزی جبهه ملی ایران پیروزی ملت ایران است - دانشجو! جبهه ملی سند مبارزات ملی است در سه طرف، مائس چشم میخورد. اولین جلسه پیر سکو کندر به با حضور نمایندگان خبرگزارها و مطبوعات در ساعت ۴۰ دقیقه بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۵ اوت زیر نظر هیئت رئیسه موقت که کمیته جبهه ملی شهر مهماندان (مانیس - ویسباد) بود رسمیت یافت. رئیس جلسه پس از عرض شاد باش با شعارهای زیر آغاز سخن کرد: بنام ملت ایران - بنام پیشوای خرد مند مردم ایران دکتر محمد مصدق - بنام شوراهای مرکزی جبهه ملی ایران. زمانیکه نام مصدق بر زبان راند شد غریب و شاد و گفت: زدن ممتد نمایندگان و ناظرین و فریاد شادمانی در ایران وطن و زمیندگان راه مصدق با آسمان برخاست. همچنین نمایندگان کنکره و ناظران با نشان دادن احساسات صمیمانه و شور نسبت بشورای مرکزی جبهه ملی ایران یکبار دیگر وفاداری خود را بر هبران ارجمند خویش ابراز داشته و راه آنها - اورا ببری آگاهانه و دسته جمعی آنان را در مبارزات گنونی ستودند نشان دادند که صمیمانه بفرمانها شورا مرکزی وفادار خواهند ماند. پس از ایراد چند نطق از جمله سخنرانی افتتاحیه آقای خسرو قشقائی اعتبارنامه دامطرح شد - اعتبارنامه سه نفر از نمایندگان که از قانون اساسی و اساسنامه جبهه ملی پیروی نمیکنند رد شد. سپس هیئت رئیسه پیش از آنکه آب درید: آقای دکتر علی راسخ افشار رئیس - آقایان عسکری وزیرین کفش نواب رئیس - آقایان ماسالی - مجلسی - البرز و بشر منشی. هیئت رئیسه با قدرت و مهارت تشکیلاتی اولین کنکره جبهه ملی را در اروپا ابراهور عبیری کرد. کنکره گزارش مالی و برنامه و اوطرحهای تشکیلاتی و تبلیغاتی آیند را تصویب نمود و تصمیمات زیر را اتخاذ کرد:

- ۱- از این تاریخ هیچگونه شورایی و مقام سازمانی دیگر جز آنچه این کنکره انتخاب میکند در اروپا وجود نخواهد داشت.
- ۲- جبهه ملی در اروپا دارای سه نشریه: سیاسی - تئوریک و تعلیماتی خواهد بود ۳ - روزنامه باختر امروز ارگان سیاسی جبهه ملی خان از کشور خواهد بود که باید تحت نظر هیئت تحریریه منتخب هیئت اجرای جبهه ملی ایران در اروپا و آمریکا اداره شود. ۴- در طرح سازمانی تعداد اعضای شورای جبهه ملی در اروپا ۱۵ نفر پیش بینی شده که بترتیب زیرین سازمانهای جبهه در ممالک اروپائی تقسیم میشوند: آلمان ۵ نفر - فرانسه ۲ نفر - انگلیس ۲ نفر - اتریش ۲ نفر - سویس یک نفر - ترکیه یک نفر و از هیئت اجرای جبهه ملی در اروپا ۲ نفر - ضمنا شورا حق دارد در موقع صلاح بسداند شخصیتهای جبهه ملی مقیم اروپا را با عضویت انتخاب نماید که اینک شورا در ابتدا ای کار خود آقای ناصر قشقائی را با عضویت انتخاب کرد. سایر اعضای شورا که از طرف کنکره انتخاب شده اند عبارتند از آقایان دکتر راسخ افشار - مهندس گرامی منس - دکتر امین - عسکری - فرجاد - پرویز امین - دکتر ورجاوند - دکتر تقی زاده - خسرو شاکری - علی گوشه - قرائی - علی شاکری - قاجار - رواسانی. از طرف شورا کمیته پاریس بعنوان هیئت اجرای جبهه ملی در اروپا تعیین گردید. در پایان کار کنکره قطعنامه و پیامهای کنکره خطاب به: ملت ایران - جناب آقای دکتر محمد مصدق - شورای مرکزی جبهه ملی ایران - دانشجویان و دانش آموزان ایران تصویب گردید که قطعنامه خطاب بجناب آقای دکتر مصدق در همین شماره چاپ شده و بقیه بتدریج در این نشریه درج خواهد شد. جناب آقای پروفیسور سیف پور فاطمی که خبر تشکیل کنکره را در روز پنجشنبه بودند با تفاق خانمشان در سومین روز کار کنکره (۱۷ اوت) خودشان را بکنکره رسانیدند و موجب خوشحالی و دلبری نمایندگان شدند. کنکره مقدم ایشان را گرامی داشت و نمایندگان با کف زدنهای ممتد از مشارالیه استقبال کردند - سخنرانیهای آموزنده - موثر و مهیج معظم له که خوانندگان اجرای کامل قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر و اجرای انتخابات آزاد در ایران بودند در کنکره و جلسه مربوط به روز ششم ۲۸ مرداد و در جلسات شورا در موفقیت کنکره و ترغیب نمایندگان بقدار اکازی و فعالیت شدید تردد راه گسترش تشکیلات جبهه ملی تاثیر فراوان داشت.

برای اطلاع از میزان موفقیت کنکره و عظمت روح و رشد اجتماعی قریب صد نفر نمایندگان اولین کنکره سازمانهای جبهه ملی اروپا کافی است که خواننده بقسمتی از نامه مفصل یکی از نمایندگان که در زیر درج میشود توجه نماید:

((..... پیش از آنکه بتشریح جریانات بعد از کنکره بپردازم اجازه فرمائید چند کلمه درباره کنکره عرض کنم: پس از رد سه اعتبارنامه و قطع نظر از مباحثات مربوطه در تمام مدت کنکره یک روح وحدت و همکاری و یگانگی حکمفرما بود همه میدانستند که حزب توده و سازمان امنیت در برابر آنها ایستاده است - همه میدانستند که در مقابل سیاستهای شرق و غرب قرار گرفته اند - همه میدانستند که شرط موفقیت تشکل و تجمع قوامی باشد - در خارج از کنکره هنگام صرف ناهار و شام و در راه و گاه در یک محیط صمیمی و احسن نیت تانیمه های شب بحث ادامه داشت - نمایندگان شهرهای نزدیک ویسباد نعدهای از نمایندگان دیگر را بدیدند و آنکه آنها را بشناسند بمنازل خود برای خواب میبردند - در بسیاری از اطاقها از روی تخت و کاناپه گرفته تا روی زمین دوستان گوشا گوش خوابیده بودند - کلمه خستگی مفهوم نداشت - من در مدت یازده سالی که در اینجا هستم و با آشنائی که با اخلاق تکروری ایرانی دارم این عمبستگی و عمفکری و عمقدمی برای من بی سابقه بود. کوئی رشته ای از مصدق - از فکر و روح و شخصیت مصدق این دانه ها را بهم وصل کرد و روزنجیری محکم بوجود آورد بود - این ضرب المثل که " ایرانی مفردش خوب است ولی مرده شوی ترکیب آنرا ببرد" در مورد کنکره جبهه ملی اروپا صدق نمیکرد - عمین روح صداقت و همکاری در میان اعضای شورا عم حکمفرما بود ما میدانستیم که همه ما با دستهای خود سنگ بزرگی را برداشته و بر روی سر خود بلند کرده ایم اگر یکی دست خود را از زیر آن بکشد این سنگ او و سایرین را خرد خواهد کرد - در تمام جلسات شورا یک ناراحتی و یک و کوئی پیدانشد ما بین خود بحث میکردیم - عصبانی میشدیم فقط برای اینکه یک راه صحیح و عاقلانه پیدا کنیم.....))

این کنکره پیرسکو و امید بخش در ساعت یکشنبه شب ۱۹ اوت پس از پنج روز کار مداوم و سازنده در محیطی پر شور و بیایان رسید و کنکره آیند به سال ۱۹۶۳ موکول گردید. ما پیروزی در رخشان کنکره را در اجرای برنامه خود بکلیه سازمانهای جبهه ملی اروپا و نمایندگان کنکره تبریک میگوئیم.

حقوق کارگران محروم بیت سازی را بایمال نکند

اخیرا رئیس خارجی کارخانه چیت سازی برای دریافت حقوق بیشتر و خوش خدمتی و با اصطلاح مفید نشان دادن خود به هیئت حاکمه کارگران زحمتکش و محروم چیت سازی را تحت فشار قرار داده برخلاف قانون کار و قانون بیمه های اجتماعی خود سرانه تصمیم گرفت در ستمزد کارگران را بعنوان " کارمزد با راندمان " ببرد از " کارمزد با راندمان " یعنی اگر کارگران محصول کارشان کمتر از ظرفیت تولیدی کارخانه باشد بهمان نسبت از ستمزد ناچیزشان کسر خواهد شد - با توجه باینکه ستمزد کارگران چیت سازی از ستمزد سایر کارخانجات کمتر است ظلم فاحشی که بآنها تحمیل میشود آشکار میگردد. اگر تصمیم غیرقانونی و مندر آوردی رئیس امریکائی کارخانه چیت سازی عملی شود حق بیمه و سایر مزایای قانونی کارگران که بموجب قانون کار با آنان تعلق میگیرد از بین خواهد رفت. جبهه ملی شدید اباین ظلم و تصمیم خلاف قانون معترض است و پشتیبانی خود را از کارگران مزبور اعلام میدارد.

پیام اولین کنگره سازمانهای جبهه ملی ایران در اروپا بشورای مرکزی جبهه ملی ایران در چنین روزهای بزرگی که بنای آینده ایران بنام ملت و تحت رهبری جبهه ملی ایران بدست و اراده ما و الهام گیری و پشتیبانی ملت محروم و ستمکشیده ایران بنیاد مییابد ما سران جبهه ملی یکجا و متحد باشور انگیزترین فریادها - بزرگترین عشقها و تهنیتهایمان را بسرداران دلیر - بدلاوران شورای مرکزی جبهه ملی ایران بآنها تیکه دست از جان کشیده اند و چهره بچهره و سینه بسینه باد شمعان ملت میجنگند و در اراده های قویشان فتوری راه نیافته نثار میکنیم . نخستین کنگره وسیع اروپائی جبهه ملی ایران در راه پایگاه گذاری انقلاب فردای وطن ما بر رهبری سرداران شجاع شورای مرکزی جبهه ملی ایران در قبال لحظات پرشوری را برای غلبه بر ضحاکانی غد اربار مغان خواهد آورد . ما با دلهای پر شور و ستیهای بهم زنجیر شده بگرد هم آمده ایم تا بوجد آنها پاک و بارواح شهد اعزیزانی که در راه شرف و آزاد می ملت خود قیام کردند جان باختند قسم یاد کنیم که ما نیز دست از جان شسته بر رهبری دلاوران شورای مرکزی جبهه ملی ایران براه ایشان ادامه خواهیم داد . ما با کرامی داشت خاطر و آنروزی که پرچم پیروزی را بروی لاشه هیئت حاکمه باهتر از در آفریم و با فریاد عای سرور و شادی آزاد یوبرابری ملت را جشن بگیریم دستها و قلبها را در چه بیشتر و مستحکمتر بمانند زنجیر هم خواهیم پیوست . ما افتخار میکنیم که در راه استقرار حکومت قانونی و در ساختن ملتمان از بوغ اسارت تدابیر و لایحه های شجاعان شورای مرکزی جبهه ملی ایران را چراغ راهنمای قلبها و مغزهای خود قرار دهیم . با پیروی از تصمیمات مردان شورای مرکزی جبهه ملی ایران یکبار دیگر عهد و میثاق خود را تجدید میکنیم تا آخرین لحظه از شرف و آزادی ملت خود دفاع نمائیم و در راه تحقق خواستها و آمال ملت عزیز و قهرمانان از هیچ جانبازی دریغ ننمائیم . ما بامدادان دغدغی که فرزندان دلیرشان را در راه آزادی ملت از دست داده اند اعلام میکنیم که تا انتقام خون جگرگوشگانشان را از دشمنان دست صفت هیئت حاکمه نگیریم از بای نخواهیم نشست . درود بملت ایران . درود ب همه سران دلیری که با تجمع خود در سنگر جبهه ملی ایران بخاطر آزاد ساختن ملت ایران مبارزه میکنند . درود ب مصدق رهبر و پیشوای عالیقدر ملت ایران . درود بدلاوران شورای مرکزی جبهه ملی ایران .

ساخت شورای مرکزی جبهه ملی ایران به پیام کنگره

پیام کنگره سازمانهای جبهه ملی در اروپا در جلسه مورخ ۲۷ / ۶ / ۴۱ شورای مرکزی قرائت شد و با تحسین و تقدیر عمومی مواجه گردید و مقرر شد پاسخ آن بشرح زیر وسیله کمیته مربوط بامور ایرانیان مقیم خارجه وابسته بجبهه ملی بشورای جبهه ملی اروپا ابلاغ گردد

کمیته مربوط بامور ایرانیان مقیم خارجه وابسته بجبهه ملی ایران شورای مرکزی جبهه ملی ایران از موفقیت سازمانهای جبهه ملی در اروپا در تشکیل و برگذاری کنگره وسیع و بسیار کمال مسرت و خوشنودی را حاصل کرد مخصوصاً انضباط سازمانهای مذکور و متانت و وحدت نظر افراد آنها امور دستاویز خاص است هم آهنگی جوانان دانشمند ایران در اتحاد و پیوستگی روزافزونشان بجبهه ملی نشاندهنده رشد اجتماعی کامل آنان و تصمیم قاطعشان در باب برآورد شدن خواستههای ملت ایران و عملی گردیدن هدف جبهه ملی با اجرای درست قانون اساسی و استقرار حکومت حق و قانون وعدل است چنانکه پیشوای عالیقدر دکترو مصدق فرموده است ((امید و آتیه ایران بسته به اتحاد و مبارزه نسل جوان است)) یقین است که کارشکنی و ارضیفات هیئت حاکمه فاسد و دسائیس استعمار استبداد پرور هیچوجه تزلزلی در ارکان اراده و تصمیم قاطع جوانان دانشمند ایران در باب تحصیل آزادی ایجاد نخواهد کرد . قطعنامه مصوب کنگره تحت مطالعه و بررسی است . مستدعی است ببارد یگرشاد باش و خوشوقتی شورار بسازمانهای مربوط ابلاغ فرمایند . از طرف شورای مرکزی جبهه ملی ایران - غلامحسین صدیقی

سازشکار و فرصت طلب کیست ؟

چندی بود پاره ای عناصر مشکوک در ایران و بخصوص در خارج از کشور جبهه ملی و سران آنرا به سازشکاری و فرصت طلبی متهم میکردند و از اینکه جبهه ملی حاضر نبود با عناصر شناخته شده ای که ضدیت خود را بانهاضت مقدس ملت ایران در جریان ملی شدن نفت بارها اثبات رسانیده اند جبهه واحد تشکیل دادند شکوه و شکایت میکردند . عده ای از جوانان وطنخواه ولی کم تجربه در لابل عدم همکاری جبهه ملی را با این عناصر قانع کنندند انستخواه استدلال میکردند که هدف در مرحله اول مبارزه باید غلبه برد شمن باشد و برای تحقق آن باید تمام نیروها استفاده کرد هر چند هدف او خواسته های نیروها در مراحل بعدی مبارزه تفاوت باشد . اکنون ببارد یگر حسن تشخیص و صحت عمل جبهه ملی بثبوت میرسد . کسانی که در ظاهر ادعای آزادی و راهی دارند و سنگ حفظ منافع کارگران و کشاورزان و سایر طبقات زحمتکش را به سینه میزنند اکنون با هیئت حاکمه مرتجع و ضد ملی ایران از در سازش و همکاری درآمده اند . خوشبختانه گروه زیادی از جوانان ایران که در زمان از کشور مشغول تحصیل هستند بسرعت متوجه این جریان شده و دریافته اند که کلید بسته های سیاسی غیردموکراتیک هم از چپ یا راست هرگز بانهاضت های ملی و دموکراتیک سرآشتی نداشته و برعکس آنها را بزرگترین و خطرناکترین رقیب خود میدانند . بیشتر کسانی که عدم همکاری جبهه ملی با عناصر مشکوک و وابسته بنیرو عای خارجی را دلیلی برای سازشکاری و یا فرصت طلبی جبهه ملی در برابر هیئت حاکمه ایران میدانند اکنون به وبی دریافته اند که فرصت طلبان واقعی و سازشکاران حرفه ای چه کسانی هستند .

ترجمه مقاله ای از روزنامه فاینانشال

روزنامه فاینانشال تایمز چاپ لندن که یکی از بهترین جراید اقتصادی جهان است در شماره مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۶۲ مقاله ای راجع باوضاع ایران نگاشته است که بععلت اهمیت موضوع اقدام بدرج قسمتهائی از آن مینمائیم و متذکر میشویم که در آن دلیل موافقت این نشریه با مطالب آن نیست .

((..... آقای جانسون توضیح داد که ایالات متحد به برای کمک بایران آماده است . (کمک فوری آنان بزلزله زدگان نشانه همینظر است) وی گفت که کمک انی بمنظور توسعه فرهنگ و بهداشت و ارتباطات خواهد شد و بخصوص وقت کرد که بدولت ایران که در مورد قطع کمکهای نظامی امریکادراین سال

مشور شده است اطمینان دهد که ایالات متحد خیال ندارند که احتیاجات "مشروع" دفاعی ایران را فراموش کند. ولی این گفتگومشرا بطی بدنبال آمد اشاره مکرر آقای جانسن به "از خود گذشتگی" مالیات دهندگان امریکائی برای کمک بایران برای این بود که یاد آوری نماید که ایالات متحد همایل است که ایرانیان که فعلا فقط باند از ۹۰ درصد از درآمد ملی کشورشان مالیات مستقیم تاصین میشود نیز از خود گذشتگی نمائند. آقای علم هم فعلا تعهد کرد که یک برنامه "اصلاحاتی واقعی" را انجام دهد - حال باید دید که آیا وی کاملاً متوجه جدی بودن شرایط امریکامیباشد و نیز آیا میتواند آنها را انجام دهد آقای علم قول داده است که برنامه اصلاحات ارضی را انجام دهد و برنامه سوم را کاملاً اجرا نماید و برای تشکیل مجلس انتخابات آزاد کند.

..... پولهاییکه قرار بود خرج برنامه سوم میشود بمیزان زیاد تحلیل رفته و بمصرف مخارج روزمره دولت رسیده است - این خود یک ضربه جبران ناپذیر است. بانک بین المللی که نمایندگانش فعلاً در تهران مشغول بررسی نهائی برنامه سوم هستند از نسبت مخارج غیرعمرانی بمخارج عمرانی پیش بینی شده در این برنامه کاملاً ناراضی است و شانس اینکه بانک مزبور بایران برای تامین هشتصد ملیون دلار از خارجی مورد احتیاج دولت ایران برای جبران کسری مخارج برنامه اعتباری بدو عدد در این زمان از همیشه کمتر است.

..... نظر امریکادرمورد ارتش که بوسیله جانسن نیز تکرار شد همیشه این بوده است که ارتش دو بیست هزار نفری برای ایران پیش از انداز بزرگ و بیجا است. و بدین ترتیب عنون اصلاحاتی باید با تقلیل نفقات ارتش شروع شود (.....)

قطعه نامه اولین گنگره سازمانهای جبهه ملی ایران در اروپا

گنگره پس از مقدمه ای شیوا و تجزیه و تحلیل عمیقی از اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور و ترسیم نابسامانیهای بعدالتهامی ناشی از حکومت استبدادی و فساد ثرواندگان مملکت در دوران خفقان و رژیم وحشت و ترورنه ساله پس از کودتای ۲۸ مرداد چنین اظهار نظر کرده است:

..... امروز بدنبال مبارزات دلیران ملت ایران در طی چند سال گذشته بویژه دانشجویان قهرمان دانشگاههای ایران و از بس کوششهای شبانه روزی ایرانیان مقیم خارج بریاداشتن جبهه ای که محل تمرکز وسیعترین قشرهای ملت ایران باشد و بجز صورت یک آرزو و بامد هویک واقعیت مسلم مبدل گردیده است. از بس کنگره اشتوتگارت کنگره قاره ای جبهه ملی در امریکا تشکیل گردید و بالاخره نخستین کنگره وسیع جبهه ملی ایران در اروپا پس از ماهها کوشش و فدکاری خستگی ناپذیر کمیته های شهری و کشوری بررغم مشکلات فراوانی که تشکیل آنرا مجوق ساخته بود با شرکت نمایندگانی برگزیده سیاسی و سه سازمان شهری باشکوه و جلالی تمام و در محیطی صمیمانه و پرشور در روزهای ۵ تا ۲۰ ماه اوت در شهر روستیادان (آلمان باختری) برگزار گردید و بدین ترتیب گام موثر دیگری در راه فشرده تر کردن و متشکل تر ساختن صفوف جبهه ملی و نزدیک ساختن روزهای فردا برداشته شد. شرکت کنندگان در کنگره پس از کنکاشها و مباحثات عمیق و برررسیهای کلی مسائل سیاسی موجود و جستجوی افروان در تعیین طرق باز ستاندن حقوق از دست رفته ملت ایران و از هم گسستن زنجیرهای استعمار و استثمار خارجی و داخلی باد نظر گرفتن اینکه: جبهه ملی ایران مظهر اراده تزلزل ناپذیر ملت، تنها وارث سنتهای آزاد یخواهانه نهضت مشروطیت، ادامه دهنده جنبشهای مردم در نیم قرن گذشته و یگانه سازمان سیاسی دموکراتیک و پیشرو کشور، راهگشا و الهام بخش رستاخیز ضد استعماری ملت ایران و زنجیر دهنده است و اینکه: جبهه ملی ایران تنها امید و منبع صیقلی است برای احیای ملت ایران و بازگشت آنرا به حقوق اجتماعی و سیاسی طبقات زحمتکش ایران بود و در راه تحقق خواستههای مشروع این طبقات سرسختانه و صادقانه مبارزه میکند اعلام داشتند که:

- ۱- جبهه ملی ایران مرکز تجمع کلیه طبقات و قشرهای ضد استعمار است و عنوان بورژوازی ملی تنها از جانب دشمنان ملت ایران بدان اطلاق میشود.
- ۲- استقرار حکومت قانونی را در ایران نصب العین خود ساخته نیل بدین هدف را تنها از طریق تجهیز صحیح و وسیع کامل نیروهای ملت ممکن میدانند و هرگونه نرمش و سیاست فرصت طلبانه را در زمین محکوم میکنند ۳- تعطیل مشروطیت و دادن اجازه وضع قوانین بدولت از طرف شاهراکه بر طبق نص صریح قانون اساسی از اختیارات نمایندگان ملت است محکوم کرده انجام فوری انتخابات آزاد را خواستارند ۴- مصوبات مجالس فرمایشی پس از کودتای ۲۸ مرداد را غیرقانونی شمرد و مجریان آنرا بعنوان ناقضین قانون اساسی محکوم میکنند ۵- اجرای صحیح و کامل قانون ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور را بد نظر گرفتن و مراعات تام و تمام قانون مربوطه به طرز اجرای آن از وظایف و در صلاحیت یک دولت قانونی و ملی می شمردند ۶- استفاده از وامهای خارجی را که از تصویب مجلس شورای ملی نگذشته و تاکنون جز در راه تثبیت وضع حاکمه و ارضای خواستههای غارتگران آن بمصرف نرسیده است غیر قانونی دانسته و هرگونه تضمین ملت ایران را در برابر اوامد دهندگان نفی میکنند ۷- خفقان مطبوعات و عدم آزادی فعالیت احزاب ملی را بشدت محکوم میکنند ۸- آزادی فوری سران جبهه ملی ایران و رفع هرگونه مزاحمت و تضییق را در باره ایشان مطالبه میکنند ۹- آزادی زندانیان سیاسی را که محکوم نیست آنان در دادگاههای فرمایشی برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصول آئین داری و بدوین برخورد اری از حقوق دفاع صورت گرفته است خواستارند ۱۰- مصمم به برافکندن بنیاد فقر و بیکاری در ایران از طریق تدوین و اجرای برنامه های عمرانی صنعتی و کشاورزی میباشند ۱۱- مصمم به ریشه کن کردن نظام منسوخ ارباب رعیتی در ایران و واگذاری زمین بدو قانانند ۱۲- معتقد بلزوم توسعه سریع بهداشت عمومی و تعمیر فرهنگ از طریق تعلیمات اجباری هستند ۱۳- معتقد بلزوم اصلاح و اجرای کامل قوانین کار و بیمه های اجتماعی میباشند ۱۴- پیشنهاد های مکرر و تبلیغات پرمیاهوی پاره ای نشریات رامبتنی بر تشکیل جبهه باصطلاح واحد ملی بعنوان یک خدعه سیاسی توطئه کرد و نقش اخلاک گرانه ناشربن آنرا که از حمله ائتلافی خود قصدی جز تفرقه افکندن در صفوف ملت ندارند بریکایک و وطنپرستان افشامینمایند ۱۵- وحدت کلیه نیروهای ملی را در تمام مراحل مبارزه بزرگترین و اساسی ترین شرط پیروزی دانسته مخالفت شدید خود را با هر نوع اقدامی که در جهت ایجاد تشتت و تزلزل مرکزیت سازمانی بعمل آید صریحاً بیان میدارند ۱۶- عوادار جدی سیاست خارجی مستقل از دویلوک و برکنار از جنگ سرد بر مبنای اصل همزیستی مسالمت آمیز مصوب کنفرانسهای باند ونک و بلژاد و معتقد بلزوم خروج فوری ایران از بیمانه ای نظامینند ۱۷- از جنبشهای استقلال طلبانه و آزاد یخواهانه ملت های اسیر صمیمانه پشتیبانی میکنند و دست دوستی این ملت ها را برمی میفشارند ۱۸- معتقد بلزوم پشتیبانی از سازمان ملل متحد در جهت سوق دادن این سازمان بسوی هدف های منشور ملل متحد میباشند ۱۹- ادامه آزمایش سلاح های هسته ای را از عرصه سوکه باشد محکوم کرده خلع سلاح عمومی و حل مسالمت آمیز مسئله برلن را خواستارند ۲۰- پیروزی ملت دلاور الجزایر را که از بس هشت سال نبرد بیکبر و خستگی ناپذیر کف آمده است بدان ملت شاد باش گفته استقامت و سرسختی اورا الهام بخش خویش در ریدار حق طلبانه ملت ایران می شمارند ۲۱- فد انکارها - ابتکارات و نوآوریهای درخشان دانشجویان قهرمان دانشگاه تهران و وابسته جبهه ملی را در جوادیه صمیمانه می ستایند ۲۲- آزادی فوری دکتر محمد مصدق پیشوای فرزانه و آزاد ه ملت ایران را قویا خواستارند.

اخبار جمهوری ایران

استقرار حکومت قانونی هدف جبهه ملی ایران است

نشریه داخلی

کمیسیون انتشارات

بخوانید و بدیگران هم بدهید تا بخوانند

شماره ۳۷

سه شنبه ۸ آبانماه ۱۳۴۱

بها ۲ ریال

نیرنگ تازه هیئت حاکمه در دانشگاه

—————

مراکز قدرت مطلقه چون موقعیت استبدادی خود را در معرض خطر میبینند و عامل موثر این تزلزل را نسل جوان و بخصوص دانشجویان دلیبر و طنخواه دانشگاه تشخیص دادهاند و دریافتهاند که این نیروی زنده و لایزال را نمیتوان با تطمیع و تهدید غلام جان نثار و چاکر خانزاد کرد. لاجرم تمام وسایل ناجوانمردانه برای محو کردن این نیرو که سرمایه واقعی هر کشوری است توسط جسته نخست گروه گروه دانشجویان هنگام انتخابات ننگین تابستانی و زمستانی بگناه خواستن انتخابات آزاد و منظور ممانعت از تبلیغات انتخاباتی مضروب و مجروح و زندانی کردند و سپس با یورش مسلحانه بدانشگاه بوسیله هزاران چتر باز و کماندو و بیخاک و خون کشیدن دانشجویان و طنخواه و فرستادن گروه گروه از آنان بزندانهای قرون وسطائی و تعطیل عمومی دانشگاه و تلف کردن اوقات گرانبهای تحصیلی دانشجویان وقتی دیدند در جهان کنونی نمیشود کانون علم و دانش را برای همیشه در حال تعطیل نگاه داشت و دریافتهاند که ممکن نیست دانشجویان زنده و فرزندان رشید وطن را با اخافه و ارباب از راه و رسم حق طلبی و آزاد منشی که در همین دانشگاه اصول و مبانی آنرا فرا گرفتهاند بازداشت ناچار دانشگاه را باز کردند و دانشجویان بکاخ آرزو و سعادتشان راه یافتند و آشکار شد که علیرغم تبلیغات ننگین مزدور آن دستگاه استبدادی یعنی بر اینکه دانشجویان در فکر تحصیل نیستند دانشجویان مبارز و حق طلبانه تنها با نمرات خوب قبول شدند بلکه شاگردان اول و دوم از میان آنان برگزیده شد. هیئت حاکمه حاضر نیست بهیچوجه از دشمنی با نسل جوان چشم پوشی کند و با اوضاع و احوالی که اجمالا بدان اشاره شد مواجه بود بفرگه بهانه و نیرنگ تازه ای برای کشتن شخصیت دانشجویان برآمد یعنی استادان دانشگاه را دانسته و ندانسته با تهمید بگرفتن استقلال دانشگاه بجنگ دانشجویان فرستادند - یكروز بی خبر و بدین مقدمه با ستا بر روی شورای دانشگاه تشکیل شد و چهار نفر از بهترین دانشجویان بدون تحقیق و حتی خواستن دفاع بجرم توهمین به علاوه حکم قضایی باخراج دائم آنان که محرومیت ابد از مهمترین حقوق اجتماعی است دادند. اگر مؤسسه دیگری غیر از دانشگاه که مرکز تعلیم جمیع علوم و اصول است چنین تصمیم غیر منطقی و مخالف قانونی میگرفت شاید جای تعجب نبود ولی بی شک از دانشگاه و استادان دانشمند آن بهیچ نحو این پشت پا زدن باصول و بی اعتدالی قابل تحمل نیست - استقلال را برای دانشگاه از این جهت لازم میسرند که استادان آن از بیم قوه مجریه تحت تاثیر قرار نگیرند و اسفادان آن از بیم قوه مجریه تحت تاثیر قرار نگیرند و اسباب دست نشوند والا اگر بنا باشد از ترس گرفتن استقلال دانشگاه استادان آزادی عمل و استقلال واقعی خود را از دست بدهند این استقلال چه فایده ای دارد - اگر شورای دانشگاه بدون تمایل دستگاه دولت و بصرف حفظ انتظامات قصد رسیدگی بپاتهام دانشجویان را در این قبیل موارد دارد چرا دانشجویان متهم به توهمین بدکتر اقبال که استاد دانشگاه هم بود بداد سرای شهرستان احاله کرده و شورای دانشگاه در آن خصوص تصمیم اتخاذ نکرد مگر یک بام و دو هواست ؟

رئیس دانشکده فنی در موقعی که دانشجویان راجع بامور صنفی خود اجتماعی کرده و یکی از آنان در خصوص عدم استطاعت پاره ای از دانشجویان در پرداخت شهریه صحبت میکرده است بدون مقدمه با خشونت حمله میکند و دانشجویی که صحبت میکرده و بیرون بیندازد و بجهت آنکه دانشجویان باین رفتار خشن نامناسب ایراد میکنند آنها را تهدید باخراج میکند و در برابر عذر خواهی بدون گناه آنان پس از چند روز دو نفر از دانشجویان را محکوم بیکسال اخراج از دانشکده میکند و نمیداند چنین روش و تصمیمی آنهم از طرف استاد نسبت بدانشجو چه اثر سوئی دارد. ما تصور نمیکنیم این قبیل اقدامات عادی و طبیعی باشد در هر حال چنین تصمیمات بر خلاف عدل و منطقی علیه دانشجویان چه مستحق از جانب دستگاه انتظامی اتخاذ شود و چه متأسفانه غیر مستقیم بوسیله شورای دانشگاه اجرا شود بی شک دانشجویان دانشگاه را نصیرانند مغرب و تسلیم هیئت حاکمه فاسد سازد. استادان دانشگاه باید شخصیت دانشجویان را تقویت کنند نه آنکه خدای نخواستہ بفکر آن باشند که عالمانی بی عمل و مردگانی متحرک بار آورند.

"ایران اتحادیه های کارگری را محدود میکند"

در بیست و نهم سپتامبر ۱۹۶۲ مقاله ای تحت عنوان فوق بقلم آرنولد بایشمن در روزنامه معروف کریستین سانس مونیتور چاپ آمریکا درج گردید که اینک ترجمه آن از نظر خوانندگان میگردد. در ایران همه کس از شاه گرفته تا پلیس مخفی بظاهر طرفدار اتحادیه های کارگری هستند. منابع دولتی از دفتر نخست وزیر گرفته تا وزارت کار بطرفداری از اتحادیه های کارگری تظاهر میکنند ولی اگر انسان وضع کارگری این کشور بیست میلیون نفری را بدقت بررسی کند بزودی در خواهد یافت که فقط چند اتحادیه کارگری انگشت شمار که توانستند از دولت اجازه بگیرند وجود قانونی دارند. و این اجازه عملاً به وساطت و دلخواه ساواک یا پلیس مخفی داده میشود. تصمیمات ساواک نیابتی و غیر قابل تجدید

نظر است آن اتحادیه‌هایی هم که وجود دارند - و طبق يك بر آورد موثق فقط شش اتحادیه از ۵۸ اتحادیه‌ایکه رسماً به ثبت رسیده است معنی و مفهومی دارند مضموع از آنند که مانند اتحادیه‌های سایر ممالک گرد هم جمع شده و يك فدراسیون ملی تشکیل دهند .

آخرین بررسی : در آخرین بررسی عمر بکو دبیر کل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه‌های کارگری آزاد چنین اظهار نظر شده است " اینطور بنظر میرسد که فعلاً نمیتوان به تجدید حیات يك مرکز ملی و واقعی اتحادیه‌های کارگری در ایران امید داشت ."

کمکهای نظامی و اقتصادی امریکا نقش بزرگی در موجودیت (حیثت حاکمه) ایران بازی میکند . از سال ۱۹۴۵ باینطرف ایران بیش از يك میلیارد و سیصد میلیون دلار بصورت وام و کمک و غیره دریافت داشته تا به توسعه اقتصادی و حفظ استقلال کشور کمک شود . میسیون فعلی کمک امریکا به ایران از آنجهت قدری خارق العاده است که دارای يك قسمت امور کارگری است که توسط دو نفر اتحادیه چینی سرشناس امریکائی سرپرستی میشود .

مشاورین نگرانند : رئیس قسمت امور کارگری میسیون کمک امریکا به ایران امیل لیندال و معاونش برنارد ریفکین که هر دو از صاحب منصبان اتحادیه‌های مهم کارگری در امریکا هستند بترتیب سه سال و نیم و هشت ماه در ایران بودند . بررسی مشکلات کار این دو نفر انسان را به این نتیجه رمیرساند که سرخورده تر و دل مرده تر از این دو نفر مشاور امور کارگری وجود ندارد . کار آنها عبارت از اینست که به کارگران و مدیران ایرانی کمک کنند تا کارآنی و تولید را بالا ببرند و در بازه برنامه فرهنگی و سیمینارهای کارگران با وزارت کار همکاری کنند . نویسنده در یکی از کلاسهای پرورش کارگران کارخانه شیشه سازی با آقایان لیندال و ریفکین در يك سالن مطو از کارگر در حالیکه حرارت سالن نزدیک چهل درجه بود شرکت جست . معلم و گوینده کلاس که يك کارمند وزارت کار بود بفارسی مشغول شرح دادن تاریخ نهضت کارگری بود . يك کارگر سبیلوی ایرانی که آستینهای پیرامنش را بالا زده بود رو به نویسنده کرد و بکمک مترجم گفت : " ما از این تاریخچه ما خیلی شنیده‌ایم . چرا زاجع باونماع و احوال ایران حرفی نمیزند ؟"

سئوال از امریکائیهها : دبیر اتحادیه حرف گوینده جوان را که با امریکا هم مسافرت کرده قطع کرد و گفت میخواهم از آقای ریفکین سئوالی بکنم . " کارگران امریکائی چگونه نهضت کارگری خود را بنا کردند ؟" جواب این سئوال برای اتحادیه سازی مانند ریفکین آسان بود و او داستان شروع نهضت کارگران اتومبیل سازی را در تروییت برای آنها شرح داد بدون آنکه نتایج داستان را علناً برای آنها مطرح کرده باشد . سئوالات مشابهی از لیندال پرسیده شد .

کارگران شیشه سازی - کارمندان دولت - کارمندان بانکها - کارگران نفت - و رفتگران شهر تهران از جمله اتحادیه‌های قانونی هستند که دبیران و اعضای آنها بصورت اتحادیه کار میکنند . اما حتی این اتحادیه‌های قانونی هم حق شرکت در پیمانهای دسته جمعی را ندارند و در حقیقت در تمام ایران يك پیمان دسته جمعی بین کارفرما و کارگران وجود ندارد . و حتی يك اتحادیه با اصطلاح قوی مانند اتحادیه رفتگران خیابانهای تهران که از ۶۵۰۰ رفتگر ۶۰۰۰ عضو اتحادیه هستند برای شهرداری تهران بین ۱۲ تا ۱۶ ساعت در روز و هفت روز در هفته کار میکنند و دستفروشان چیزی در حدود يك دلار در روزیش نیست .

جبهه ملی و دادگستری

در این هفته عده کثیری از دانشجویان بنمایندگی از طرف سازمان دانشجویان دانشگاه تهران وابسته بجبهه ملی ایران در بانک صادرات و معاون شعبه کاخ دادگستری حاضر شده بمنظور تأیید قضات شرافتضدی که برخلاف قانون اساسی استقلال آنها مورد تجاوز واقع شده است مبالغی به صندوق تعاون قضات سپردند . باید خاطر نشان ساخت که اقدامات دانشجویان در این باره و اعتراضات مکرر جبهه ملی ایران بوسیله مقاله در این نشریه و اسلامیه صرف بمنظور همدردی با قضات شجاع و شرافتضدی و حفظ استقلال قوه قضائیه و جلوگیری از تعرض بقانون اساسی بوده است و امر مشتبه نشود که بهیچوجه منظور حمایت و تأیید عمال دولت سابق که خود از متجاوزان بحقوق ملت و قانون اساسی میباشند در کار نبوده است .

شرط مهم و معنی دار

وزیر داری دولت غیر قانونی در مسافرت اخیر خود به امریکا کوشید تا بانک بین المللی را مقصد سازد در جمع آوری و اعطای کمک به ایران پیش قدم شده و کنسرسیوم وام دهندگان به ایران را تشکیل دهند . از قرار معلوم بانک بین المللی از قبول هرگونه تعهدی خود داری کرده و علناً اعلام داشته است که بان بودن مجلس در ایران اعطای هرگونه وام جنبه قانونی نداشته و بانک از دست زدن به يك امر امر غیر قانونی معذور است موقوف کردن هرگونه وام از طرف بانک بین المللی به باز شدن مجلس در سایر محافل بین المللی و مالی جهان بدون تأثیر نخواهد بود و یقیناً " بانکهای دیگر هم از رویه بانک بین المللی که همیشه مرجع تقلید سرمایه داران بزرگ دنیا است پیروی خواهند کرد . بیداری محافل بین المللی قابل تقدیر است و چنین بنظر میرسد که اعلامیه‌های جبهه ملی راجع به غیر قانونی بودن وامهاییکه بتصویب مجلس نرسیده تأثیرات زیادی در خارج داشته است . کوشش و زحمات دایمی دانشجویان خارج از کشور که سخنگویان جبهه ملی در دنیا هستند نیز سهم قابل ملاحظه‌ای در روشن کردن افکار عمومی دنیا داشته است . این شرط مهمی که محافل بین المللی برای دادن وام به ایران مطرح کرده‌اند هیئت حاکمه ایران را به سرد و راهی سهمگینی که تمام بحران سیاسی کشور را بخوبی مجسم میکند قرار میدهند . دستگاه حاکمه یا باید اذعان کند که قانون اساسی را دیگر برسمیت نمیشناسد و در نتیجه از هرگونه تظاهر بقانونی بودن چشم پوشد و یا آنکه باید بقانون اساسی تن بدد و انتخابات را آغاز کند . همیک از این دو راه برای هیئت حاکمه مخاطراً و ادامه وضع بلا تکلیف کنونی هم دیگر میسر نیست . عمال هیئت حاکمه باید راه خود را معین کنند و تصمیم بگیرند که در چه جهت میخواهند کلم بردارند در جهت خواسته مردم و شروع انتخابات آزاد یا در جهت ادامه تعطیل مشروطیت و قیام علنی بر ضد قانون اساسی و ملت ایران ؟ در جهت استقرار حکومت قانونی یا استمرار تسلط غیر قانونی ؟

د رود به ملت قهرمان الجزایر

در این هفته ملت شجاع الجزایر سالروز انقلاب بیروزمندان خود را علیه استعمار جشن گرفت . روز اول نوامبر ۱۹۵۴ مطابق با ۱۰ آبان ماه بود که محمد بن بلا و هشت نفر دیگر از زندای ملیون الجزایر قیام مردانه خود را شروع کردند و پس از پیروزی نهائی و بدست آوردن استقلال کامل این روز را جشن ملی اعلام نمودند . جبهه ملی از طرف ملت ایران فرارسیدن این روز سعادت را به ملت الجزایر تبریک گفته و خود را در شادی آنان سهیم میداند .

چرا دنیا نگران وضع ایران است

در در بحران حوادث کوبا ترجمه مفسرین سیاسی به چند نقطه دیگر جهان معطوف شد و آشکارا ابراز نگرانی گردید که مبادا در برابر شدت عمل ایالات متحده آمریکا در کوبا دولت اتحاد جماهیر شوروی در آن مناطق دست به عملیات متقابل بزند . برلین و ترکیه و ایران و لائوس و ویتنام جنوبی از جمله مناطق خطرناک شمرانند . هر چند که اخبار مربوط به ایران از طرف دولت شدیداً سانسور شد و بخيال هیات حاکمه مردم در یک حالت "التلیف و ثبات" دروغین باقی ماندند . چون وضع برلین بهر حال وخیم و از مدتها قبل خطرات احتمالی پیش بینی گردیده و راه مقابله با آنها نیز در نظر گرفته شده است و در ترکیه نیز چون دولت مقتدر متکی به آراء و افکار عمومی مصدر امور است و جز از راه تجاوز علنی روسیه نمی تواند در امور کشور ترکیه اخلاقی کند بنا بر این مفسرین سیاسی بیشتر متوجه مناطقی هستند که کمونیستها براحتی میتوانند بطور غیر مستقیم دست به تخریب و برپا کردن آشوب بزنند . هیات حاکمه فاسد ایران بجای توجه به خطرات مهیب بین المللی هنوز مست قدرت بظاهر فرعونى خود میباشد و در رویاهای قرون وسطی تعبیر میبرد غافل از اینکه تمام این بساط پوشالی بر اثر کوچکترین حادثه بین المللی فرو خواهد ریخت و آن را در مدانی که راه خروج از کشور را در پیش نمیگیرند و بالاخره باید وظیفه دفاع از استقلال کشور را عهده دار شوند همانهایی هستند که اکنون در قید دستگاه پلیسی حکومت باید سکوت اختیار کنند و در برابر خطری که کشور را تهدید میکند بدون هیچگونه وسیله و حربه فقط افسوس بخورند . هیات حاکمه غافل و کوتاه بین ایران که سنگ را بسته و سنگ را رها کرده است حتی باندازه بیگانگان در فکر و اندیشه استقلال مملکت و وضع و حال ملت نیست بسیاری از خارجیان روشن بین در مجلات و رادیوهای جهان خطاری را که مترجم ایران است پیش بینی و گوشزد کرده اند و حتی پاره ای دول خارجی در پایتخت های خود راجع به امر ایران کنفرانسها و جلسات بحثی برپا کرده اند . اما حکومت غافل ما بجای آزاد گذاردن نیروهای ملی برای تجهیز و برابر هر نیروی که ممکن است استقلال کشور را بخطر اندازد هنوز دم از قدرت و قدرت نمائی مینزد و باتکاء دستگاه پلیسی خود که به پیشیزی در مقابله با خطر ارزش ندارد چنان سرگرم غنا و غرور ورزی با مردم و رهبران ملت ایران است که بزرگترین خطرهای را نمیبیند و کورکورانه کشور را بطرف سقوط میبرد . دنیا نگران ایران است و هیات حاکمه ایران نگران حفظ بساط فاسد و غیر قانونی خویش . وقت تنگ است و ملت ایران دیگر تاب تحمل عوامفریبی ها شعبده بازیها و دلقا گریهای هیات حاکمه را ندارد . هنگام آن رسیده است که غلامان و روسپیان و چپاولگران به حرفه خود بازگردند و امور مملکت بدست نمایندگان دلسوز مملکت سپرده شود تا نیروی سهمگین ملت در برابر هرگونه تجاوز به استقلال مملکت بسیج گردد .

بحران کوبا و لزوم خلع سلاح عمومی

در جریانات اخیر مربوط به کوبا موضوعی که همه چیز را تحت الشعاع قرار داد خطر تصادم و برخورد و نیروی بزرگ جهانی در یک کارزار اتمی بود . مردم دنیا چهل و هشت ساعت در آستانه آینده ای هولناک و مرگبار بسر بردند . چه بسا کسانی که تا کنون مجاهدات فیلسوف نود ساله انگلیسی برتراند راسل را برای خلع سلاح عمومی به شوخی میگرفتند برای اولین بار متوجه شدند خطری که بشخصیت و نسل های آینده انسان را تهدید میکند تا چه درجه واقعی و وحشتناک است . تردید نباید کرد که زرادخانه های اتمی دول بزرگ

اگر جنگ جهانی دیگری درگیرد برای پایان دادن به عمر کره زمین یا لااقل برای برانداختن نسل انسانی بصورتیکه ما آنرا می‌شناسیم و برچیدن هرگونه ظواهر تمدن کافی خواهد بود در این واقعیت تلخ نیز نباید شاک کرد که شروع جنگ جهانی سوم در نتیجه یا اشتباه یا یک دیوانگی یا حتی سستی اعصاب نیز غیر ممکن نیست. اگر بحران کوبا بدون خطر گذشت دلیل آن نیست که بحران دیگر بدون نتایج ترسناک تری بیایان خواهد رسید. در تصادفات بزرگ سیاسی توسل به حربه نیرومندی و تمایل به فشار دادن دکمه‌ای که هزاران موشک‌ها و بمبهای مرگ بار را در جهت دشمن رها می‌کند وسوسه انگیز است. مقاومت در برابر این وسوسه حتی برای پخته‌ترین و مسئول‌ترین سیاستمداران جهان کار آسانی نیست و از عیب بشری نمیتوان توقع داشت که در مواقع دشواری و یا در آستانه ناامیدی و شکست از آزمایش بزرگترین حربه خویش خود داری کند. و تنها خطر سهمگین این سلاح‌ها نیست که بدان جهت ترک آنها را باید خواستار بود. هزینه تولید این سلاحها در زمانیکه سه چهارم افراد بشر در چنگال فقر و بیماری و گرسنگی و برهنگی و بیخانمانی بسر می‌برند به همانقدر وحشت‌آور است. کشورهای بزرگ جهان هر سال در حدود ده درصد از درآمد ملی خود را با خیالی آسوده صرف ایجاد سلاحها و تقویت نیروهای نظامی خود میکنند و حال آنکه از پرداخت کمتر از یک درصد از درآمد ملی خود در سال برای کما به مردم نواحی عقب مانده و بدبخت جهان ابا دارند. بشر امروزی باید در ارزشها و اولویت‌های زندگانش تجدید نظر کند و در عصری که بیرونیهای شگرف فضائی در انتظار کره زمین است از اختلافات و تصادفات احمقانه و جنون آمیز دست بردارد و در عوض برای تحقق بخشیدن به آرزوهای مشروع تمام افراد بشر از هر قوم و ملتی که باشند بکوشد.

آیا آمریکا در ایران پایگاه نظامی دارد؟

اخیرا جیمز رستون مفسر سیاسی معروف روزنامه نیویورک، تایمز آمریکا در مقاله‌ای که تحت عنوان "جواب به ابزرور" راجع به مساله پایگاههای نظامی و قضیه کوبا نوشته چنین اظهار داشته است: "البته این صحیح است که افکار عمومی آمریکا که کاملا بر توفیق اخلاقی خود مؤمن میباشد توقع دارد که آمریکا پایگاههای نظامی در ترکیه و ایران درست در برابر مرز شوروی داشته باشد بدون آنکه روسها چنین امتیازاتی را در کوبا بدست آورند." (ترجمه از ابزرور چاپ لندن مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۶۲) آنچه از نظر ملت ایران حائز اهمیت است اشاره این مفسر معروف به پایگاههای نظامی آمریکا در ایران است. جیمز رستون که مقالات خود را در نیویورک تایمز مینویسد مقیم شهر واشنگتن است و کسی است که با مقامات دولتی آمریکا تماس بسیار نزدیکی دارد. نزدیکی

سپاه دانش یا تخصیص بودجه فرهنگ به ارتش

این روزها صحبت از سپاه دانش، بمیان آمده که قرار است طرح آن بدست اداره نظام وظیفه تنظیم و بوسیله ارتش اجرا شود و تنها وزارت فرهنگ بودجه آنرا تامین میکند. بطوریکه قبلا در این نشریه به اطلاع خوانندگان رسید طرحهای بنام "گردان های آبادانی" و "سپاه دانش" و غیره برای بلعیدن عواید نفت و بودجه فرهنگ و بهداشتی و راه سازی کشور تهیه شده است تا بنام افراد ارتش، ظاهرا مشغول انجام کارهای عمرانی هستند بودجه سازمان برنامه و سایر وزارتخانه‌ها را از دست آنها خارج کنند و در اختیار ارتش قرار دهند بدین ترتیب دیری نخواهد پاید که نه فقط چیزی بر فعالتهای عمرانی افزوده نخواهد شد بلکه سال بسال از بودجه عمرانی کشور کسر و بعزلترین مختلف در اختیار ارتش گذارده خواهد شد. نتیجه این کار هر چه باشد بطور یقین با سواد کردن مردم و عمران و آبادی نیست زیرا راه عمران و باسواد کردن مردم غیر از اینست و اگر منظور دیگری نداشتید راه مستقیم را نمیگذاشتند و کوره راه را انتخاب نمیکردند. افکار عمومی در داخل و خارج ایران دیگر برای تحمل یل ارتش، دوست هزار نفری که بهیچ وجه با وضع سیاسی و اقتصادی ایران تناسب ندارد حاضر نیست و کوششهای مذبحانه فعلی برای "قابل همضم کردن ارتش جز شکست نتیجه‌ای نخواهد داشت."

آزادی

آقای محسن جلیلی کارگر بافنده که بجرم ابراز احساسات بنفع مقدسات ملت ایران زبیر ۲۸ مرداد گذشته در میدان مخبریلد و لسه توقیف و در نتیجه ضربات ماموران پلیس چه در هنگام توقیف و چه در حین بازجوئی در شهر پانی پای وی در چند نقطه دچار شکستگی و صدمات سخت گردیده است روز سوم آبانماه پس از دو ماه زندان غیر قانونی آزاد گردید.

اولین گره ما مظهر وحدت ناگسسته تنی جبهه ملی خواهد بود

درد بروان پاک شهید راه آزادی دکتر حسین فاطمی

نوزدهم آبان نهمین سال شهادت شهید راه آزادی دکتر سید حسین فاطمی بود. در سکوت تاثر انگیز ابن بابویه نزدیک آرامگاه شهید ای دگریسی ام تیر که در کنار خود شهید راه آزادی دکتر فاطمی را در برگرفته است تاج گل میخک قرمز رنگی دیده میشد. این نشانه‌ی حق شناسی مردمی بود نه از شهید وطن یاد کرده بودند. عکسهای زیادی از مرحوم دکتر فاطمی با نامهای که پیشوای عالیقدر ملت ایران دکتر مصدق در باره ملی شدن صنعت نفت و همکاری و فداکاری او نوشته بود منتشر گردید. ملت ایران روز غم انگیز ۱۹ آبان را سرگز از یاد نخواهد برد و بروان پاک آن سید شهید که در حال بیماری شربت شهادت نوشید درود میفرستد. جبهه ملی ایران از صمیم قلب ببازمندگان آن شهید آرزو مخصوص بفرزند خردسالش که در زمان شهادت آن شادروان بیش از یک سال نداشته تسلیم میگوید. قداره بندی موقوف

حادثه قتل غم انگیز شادروان مهندس ملک عابدی در فارس عموم هموطنان و بخصوص طبقه تحصیل کرده و ترقیخواه را متأثر ساخت و هیچکس در لزوم تسریع در تعقیب و مجازات مرتکبین بر طبق قانون شک و تردیدی ندارد و باید قطعا "مرتکبین بکیفر اعمال وحشیانه خود برسند اما نباید ارتکاب این جنایت سبب شود که استانداری فارس مردم آن سرزمین را که بدون تردید کمتر از آقای استانداری باصنیت و آرامش فارس علاقه ندارند مورد تهدید و اخافه آنهم بزننده ترین الفاظ قرار دهد. ما از آقای استانداری که فارسیها را تهدید بقدره بندی و پوشیدن لباس نظامی و بمیدان کشیدن توپ و تانک کرده اند سؤال میکنیم که: آیا مردم فارس مسئول پیدا شدن راهزن و آدمکش هستند یا ما مؤران ژاند ارمی که آقای استانداری با خطاب عام بفارسیها تشر میزند و گستاخانه اشتلم میکند. آیا وظیفه استانداری یک ایالت آنستکه اگر راهزن یا متجاسری عابری را وحشیانه کشت یا کاروانی را زده همه مردم آن ایالت را که با دادن مالیات از زیان راهزن ایمن نیستند بقدره بندی تهدید کند و بگوید بترسید از روزی که لباس نظامی بپوشم و قدره را روی آن ببندم - مگر لباس سربازی که حقا "باید افتخار و محبوبیت داشته باشد برای اخافه و تهدید خلق دوخته اند و مگر در عصر ام که قانونا "باید استانداری سر مشق ما مؤران دیگر در مقانت و حفظ قانون باشد و خود را خدمتگزار مردم آن استان بدانند باز سزاوار است که بیاد دوران قدره بندی بیفتند. آیا وظیفه استانداری آنستکه اگر راهزنی کسی را کشت استانداری آن استان را با تانک و توپ تهدید کند و وظیفه پانزده و سته ژاند ارمی را باید شخصا "عهده دار شود. از توپ و تانک برای حفاظت مرزهای کشور و حفظ استقلال مملکت استفاده میکنند نه برای چهار نفر یاغی که بقول روزنامه نویسیها با تفنگ شکاری راه را بر مردم می بندند - اگر استانداری باید قدره بندی و وظیفه پاسگاه ژاند ارمی را انجام دهد دیگر تشکیلات ژاند ارمی باین وسعت و با آن بودجه کلان چه کاره است - مگر در تگزاس یا شیکاگو برای تعقیب و کيفر دادن به کاندیدترها استانداری لباس افسری میپوشد و قدره میبندد. اگر آقای استانداری پس از بازنشستگی بیاد ایام افسری باز لباس پوشیدن لباس افسری و بستن قدره را دارد امری است جداگانه و با وظیفه استانداری مملکت مشروطه سازگار نیست. اگر مملکت حساب داشته باشد باید از چنین استانداری که از مقام محترم خود سوءاستفاده مکرر موصی خواهد قدره بندی شود مواخذه کنند. بهر حال قدره بندی بعد از دوران لیاخوف موقوف شده و باید موقوف باشد.

ملت خواهان انتخابات فوری و آزاد است

وعدۀ رئیس دولت غیر قانونی در مصاحبه مطبوعاتی مبنی بر صدور فرمان انتخابات در اسفند ماه و شروع آن در خرداد ماه ۱۳۴۲ اگر صادقانه باشد به زمره تفسیر رژیم و برقراری دموکراسی از پائین (یا عذر بدتر از گناه برای دیکتاتوری فردی) پایان میدهد. در هراس و تشویش ناشی از درماندگی در کار حکومت و ورشکستگی اقتصادی هیئت حاکمه شتابزده به کلیه راههای گریز روی آورد ولی سر خوردن و مایوس بازگشت. کمک غرب قطع شد. از شرق جز تعارفات چیزی نرسید. عواید نفت به ته کشید از هیاهوی صرفه جوئی چیزی عاید نگردید. مبارزه با فساد فقط به بی آبرویی بیشتر انجامید. از اصلاحات اداری چیزی جز یک شورای عالی اداری نیمه جان و پرخرج بر جای نماند. مبارزه با بیسوادی از حرف تجاوز نکرد. رکود اقتصادی و شیوع بیکاری زندگی را بر مردم سخت تر کرد و در همه حال بی اعتنائی و بی اعتمادی مردم به دولت بیشتر و بیشتر شد. تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی با استفاده از آرا کشاورزان تنها امید هیئت حاکمه برای یافتن یک منبع پشتیبانی در داخل کشور بود. اما این امید نیز بیری نیافتید و از میان رفت استفاده از نیروی سیاسی کشاورزان مستلزم متشکل کردن آنان

در يك سازمان سیاسی است . اگر اجازه تشکیل حزب کشاورزان واقعی بر اساس اصول آزادی داده میشد آن نیز مانند سایر احزاب واقعی و ملی به جبهه ملی میپیوست و برای استقرار حکومت قانونی در برابر هیئت حاکمه جهت میگرفت و اگر باز بایجاد يك حزب فرمایشی و ساختگی مانند "حزبین" مردم و ملیون دست میزدند تجربه گذشته به آنها آموخته بود که چنین احزابی جز آبرو ریزی حاصل دیگری ندارند .

اوضاع آشفته بین الطلی و یکپارچگی مخالفتهای مردم در شهرستانها و تهران هیئت حاکمه را متوجه ساخت که زمان برای آزمایشهای جنون آمیز سیاسی مناسب نیست و زیر پا گذاشتن قانون اساسی با توسل به خونریزی که نتیجه اش نا معلوم است دیگر میسر نخواهد بود . اما وعده شروع انتخابات به تنهایی هیچ يك از مشکلات سیاسی مملکت را حل نمیکند . درست است که هیئت حاکمه پس از يك سال و نیم یاغیگری و استفاده از فریب شش ماهی معروف به منشور استبداد ناگزیر شده است ظاهر "به قانون اساسی تن در دهد اما دو سؤال مهم پیش میآید که هر گونه خوشبینی اولیه را خنثی مینماید نخست باید پرسید علت عقب انداختن انتخابات برای مدت هفت ماه و موکول کردن آن به بهار آینده چیست ؟ آیا این وعده دولت فقط نیرنگی برای تخفیف دادن به خشم عمومی نیست ؟ اگر دولت واقعا " قصد دارد انتخابات را انجام دهد چه چیز مانع آنست که هم اکنون دست بکار آن شود ؟ اگر تا بهار آینده دولت فعلی رفت و دولت دیگری آمد آیا باز باید به صخره بازی مسئولیت جداگانه اینگونه دولتهای فرمایشی تن داد و یکبار دیگر خدعه هیئت حاکمه را تحمل کرد ؟ هم اکنون یکسال و نیم از موعد قانونی شروع انتخابات گذشته است و ملت دیگر حاضر نیست بیش از این در انتظار وعده های پیچ دولت بنشیند . اگر انتخابات در برنامه دولت هست گاه باید بیدرنگ شروع شود و اگر نیست مردم باید بدانند تا تکلیف خود را با دولت روشن کنند مگر نه آنکه اصل ۴۸ قانون اساسی مقام سلطنت را "م مینماید که فوراً" پس از انحلال پارلمان فرمان انتخابات را صادر نماید . مگر این اصل جایی باقی میگذارد که رئیس دولت برخلاف قانون اساسی بدخواه خود تازه در اسفند ماه درخواست صدور فرمانی را که ماهها پیش ملزم به صدور آن بود ماند بنماید . سؤال دیگر مربوط به چگونگی انتخابات است . آیا پس از اینهمه آشفتگیها کشور ما يك قدم به جلو میروید یا چند قدم به عقب ؟ آیا انتخابات آینده آزاد خواهد بود و نمایندگان واقعی مردم به مجلس راه خواهند یافت یا باز مانند زمان دکتراقبال احزاب ساختگی و کلای فرمایشی را از صندوق بیرون خواهند آورد ؟ آیا هیئت حاکمه فقط روپوش دموکراسی از پائین را رها کرده است یا اصل حکومت فردی و استبدادی را ؟ آیا منظور از شروع انتخابات رجعت به قانون اساسی و رعایت اصول حکومت مشروطه است یا برگشت به ظواهر آن ؟ و بالاخره چون مسئولیت واقعی اونها نامسا من کنونی در يك نقطه متمرکز است باید پرسید آیا اعلیحضرت شاه قصد دارند بر طبق قانون اساسی سلطنت کنند و یا میخواهند به حکومت کردن ادامه دهند ؟ آنچه بحران فعلی مملکت را پدید آورده است عدم رعایت اصول قانون اساسی است و بمنظور استقرار قانون اساسی و حکومت مشروطه ملت ایران خواستار انتخابات آزاد است . انتخابات آزاد برای آنکه نمایندگان واقعی مملکت بتوانند سرنوشت مملکت را بدست کسانی که دارای کفایت لازم و مورد اعتماد مردم هستند بسپارند و از آنها مسئولیت بخواهند . در چنین طرحی هیچگونه دخالتی در امور حکومتی برای هیچ مقامی باقی نمیماند .

هیئت حاکمه ایران نمونه چیست ؟

لطماتی که در ۹ سال گذشته بر شعون اخلاقی و اجتماعی ما وارد آمد هولناک و شاید برای سالها جبران پذیر نباشد . میهن ما در طول این سالها جولانگاه مستی شیان و کیسه برداخلی و خارجی گشت . آنها ثروت و سرطایدی را که باید صرف تأمین سعادت مردم میشد صرف تجملات و تفریحات خود کردند . سطح اخلاق رو به تنزل گذاشت و فساد و انحطاط از بالا در شعون مختلف زندگی ملت بسط پیدا کرد . خانواده های شریف از تأمین زندگی خود عاجز ماندند و از اینرو شیرازه خانوادها که مهمترین واحدهای ملت ما هستند از هم کسبخت . میزان طلاق و خودکشی و جرائم به نحو سرسام آوری بالا رفت . دلگان را در اوراق سیاه مطبوعات سانسور شده تحت کنترل چهره قهرمانی دادند و قهرمانان واقعی در برده خاموشی از نظر پوشید همانند . اینک ملت ما در حالیکه روبرو با خطر ورشکستگی است در چاره رصده بیسوا دی مرگ و میر هراس انگیز کودکان یکی از پائین ترین متوسطهای عمر در دنیا و بیماریهای گوناگون و کشنده نیز هست . پولهاییکه این ۹ سال به کشور ما سرازیر شد در همه تاریخ معاصر ایران مانند داشت . اما نفع آنها را به مردم دادند و در تحمل مسائل حیاتی ایران صرف نکردند آنقدر بر هزینه های تجملی و غیر ضروری و اداری و نظامی اغزورند که در سالهای آینده نیز نیروی برای حمله باین مشکلات نماند است . ما ببرکت حکومتهای فاسد استبدادی ۹ سال گذشته بسیاری از رکورد های منفی جهانی را در دست داریم . نسبت مالیات مستقیم مابعد رآمد ملی از اکثریت بزرگ کشورهای جهان کمتر است متوسط سنی مردم ما به همین ترتیب و میزان باسوادان مانیز بر همین قرار . در عوس مرگ و میر کودکان میزان فساد دستگاه حکومتی و نسبت بودجه اداری و نظامی به رآمد ملی ما از اغلب جاهای دیگر بیشتر است . کیست که بتواند از اندیشیدن درباره این گذشته های که ما را به سرحد نکبت و ورشکستگی رسانده است احساس خرسند و کنند ؟ در سال پیش ملت ما سربلند و آبرومند بود به آینده خود به امید واری مینگیست . قیام ملی کردن نفت که پس از انقلاب مشروطه برجسته ترین افتخارات ملت ما در قرون اخیر است ایران را پیش از آنکه ملل آسیا و آفریقا کرد بود . نام مصدق رهبر این رستاخیر مظهر ملت ما شد . در چهار گوشه دنیا از ایران به ستایش یاد میکردند آنچه از استقلال طلبی و استعمار شکنی در سالهای پس از آن بروز و تجلی کرد کم و بیش نشان نبخت ملی ما را داشت . کشور ما در سیاست بین المللی با سرسختی و مردانگی خود سیما قهرمانی یافت . کشور ما نمونه بود نمونه ملت هایی که از خواب قرنها برخاسته اند و زنجیرهای استعمار و عقب ماندگی و استبداد را غرور میزنند و در راه ترقی پیش میروند . اما امروز نیز نمونه است نمونه دست نشاندهی و بی شخصیتی و بی آبرویی . کشوری که مانند رژیم چیلانکایشک در پیوسیدگی زبانزد همه جهانیان است . هر جا میخواهند از رژیم فاسد و راستانده سقوطی یاد کنند نام ایران را بر زبان میآورند . ما در قیام ملی نمونه پهلوانی بودیم در قیام ضد ملی نمونه زبونی . در قیام ملی سر مشق ملل پیشرو در قیام ضد ملی دشمنان ملل عقب ماند . هر چه از انحطاط طرفه اینکه هر سال با افتخار چنین قیامی با این نتایج ننگین رجز خوانی هم میکنند . بر ملت غیرتمند ایران است که هر چه زود تر ننگ این دوران را بزداید و خاطره قهرمانیها را دوباره زند کند .

روز شانزدهم آذر دانشجوین دانشگاه تهران با شهیدان خویش تجدید عهد میکنند

برگشت بسوی ملت یا نیرنگ و دفع الوقت؟

دستگاهی که در سال گذشته بدون کمترین توجهی بآمال ملی بازور سرنیزه حکومت کرده و هرگز درصد برنیامد است نظر اکثریت مردم را جلب کند و فرصت دستمگزاری به شایسته ترین عناصر ملت بدهد در طی چند ماه اخیر به زبانهای مختلف از جلب اعتماد مردم سخن میراند و از رهبران ملت توقع همکاری دارد و حاضر است گذشته ها را نیز فراموش کند و شروع انتخابات را بمردم نوید میدهد. برای مردم آگاه و بیدار ما که در گذشته شاهد خلف وعده و زورگویی و قانون شکنی بیسابقه دستگاه حاکمه بود هاند این تغییر لحن و رویه حقا "سئوالات و تردیدهای بسیار پیش میآورد. آیا در این اظهارات مصیبتی وجود دارد و این آشتی جوئی و تظاهر به جلب افکار عمومی از درك واقعی مسائل برخاسته است یا مانند سایر سخنان و وعده های سالهای اخیر تنها از مقوله تبلیغات عوامفریبانه و مانورهای سیاسی است؟ آیا فشارهای داخلی و خارجی ضرورت بعضی ظاهرسازیهای فریبنده را پیش آورده یا به حقیقت به اشتباهات هولناک گذشته پی برده هاند و در فکر تعدیل رفتار خود برآمد هاند؟ آیا این دست آشتی که بسوی ملت و پیشآهنگان مبارزه ملی ایران دراز کرد هاند فریبی نیست و آیا این سخنان مسالمت آمیز و وعده انتخابات مانسند همه گفته های گذشته برای دفع الوقت و به عقب انداختن لحظه بر خورد با واقعیات اجتناب ناپذیر ایراد نشد هاست؟

اگر نه اینست و در دعوی خود صادق هستند و به "حقوق اشخاص و دستجات" احترام میگذارند و به گفته علم "در تحمیل عقاید مخالف آنقدر بردباری نشان میدهند" که مایه شگفتی همگان خواهد شد "چرا دکتر مصدق پیشوای ملت را در زندان نگهداشته اند و حتی اجازه دیدار به او نمیدهند؟ چرا با جبهه ملی که تنها سازمان سیاسی مورد اعتماد ملت ایران و مظهر آرزوهای آنست مانند یک جمعیت غیر قانونی رفتار میکنند و حتی اجازه بردن نام آن را در جراید نمیدهند؟ چرا رهبران جبهه ملی را به زندان می اندازند؟ چرا همه حقوق اولیه را از ملت ایران سلب کرده اند جلوی تجمعات را گرفته اند مطبوعات را دچار سخت ترین و شرم آور ترین سانسورها و آزاد یخواهین را گرفتار اختناق کرد هاند و از انتخابات باز برای هفت ماه دیگر طفره رفته اند؟

اگر ناق و سهای خطر در گوشهای ناشناسرانجام به صد آمد هاست و قویاد تهدید آمیز آنها مجالی برای ادامه غفلت نگذاشته است و اگر میبینند که بیش از این نمیتوانند به کمک عوامل ظلم و فشار خود را در برابر خشم ملت نگهدارند چرا در ادامه شیوه های گذشته اصرار میورزند؟ چرا حتی در این مرحله نیز هیئت حاکمه به جای پوزشخواهی از گذشته به جای آنکه در پیشگاه ملت ایران به اشتباهات و سوء جریانات ۹ ساله پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اعتراف کنند و از فراموش کردن و بخشودن گذشته میزنند آنکه باید فراموش کند و آنچه باید فراموش شود مورد سوء تفاهم قرار گرفته است. هنوز این حقیقت بدرستی شناخته نشده است که ملت ایران خود را از بابت گذشته دچار غبن و زیان عظیم میدانند و این ملت ایران است که حق دارد اگر صلاح بداند گذشته ها را فراموش کند آنها که توطئه غد ملی مرداد را برپا کردند و آنها که در طول ۹ سال حق شکنی و آزادی کشی ضربتهای جبران ناپذیر بر حیثیت ملی خزانهمملکتی و اخلاق و روحیه اجتماعی ایران زدند چنان عائی در مورد فراموشی گذشته دارند؟

هیئت حاکمه در مقام فراموشی کدام گذشته است؟ دوران سیاه بعد از ۲۸ مرداد یا روزهای درخشان مبارزه ملت ایران بر ضد استعمار خارجی و عوامل و نوکران داخلی آنها؟ روزیائی که در رینگ بیگانمفارت منابع ملت و زیر پانهان حقوق افراد ایرانی گذشته یا دورانی که ایرانیان برای نخستین بار مزه آزادی و افتخار را چشیدند و دماغ امپریالیسم را به خاک مالیدند؟ آیا آنها میخواهند ملت ایران را از مردانگی ها و دلیری ها کفشان داد هاست ببخشند یا ملت ایران باید ایشان را به خاطر ۹ سال تیره روزی و سرشکستگی خود ببخشد؟ جبهه ملی صرف نظر از اینکه گذشته را فراموش کند یا نکند آماده خدمت به ملت قدر شناس ایران هست. در گذشته جز خدمت به میهن هیچ چیز عرضه نکرده است. خدمات آن بی وقفه بوده است. مردان آن چه در میدان مبارزه و چه در کنج زندان پاسبان مصالح ملت بودند و در هر حال مجال خدمت تنگ نیست اگر چه شکل آن متفاوت است. در حکومت ملی شکلی و در مقابله با حکومتهای غد ملی شکلی دیگر دارد. اما گذشته ای که هیئت حاکمه باید آرزو فراموشی آن را داشته باشند تاریخ و ننگ بار است. فراموشی این دوره نه در اختیار هیئت حاکمه است و نه هیچ مرجع دیگر. ملت ایران است که باید با تظاهر آزادانه اراده خود آنرا ارزیابی کند و نسبت به آن تصمیم بگیرد. کوفتای ۲۸ مرداد که بمناسبت آن دستگاه حکومتی از طرفی به رهبران ملی و قهرمانان آزادی میتازند و از طرف دیگر از همانها دعوت به استفاده از فرصت دستمگزاری میکنند آغاز دوره سیاهی از تاریخ ایران است که شمردن نتایج آن خون به چشمان هم ایرانی غیرتصند میآورد. و نتیجما این کودتا آن شد که حکومت کردن از دولت قانونی با مسئولیت سلب و بسطنت بی مسئولیت اعلیحضرت ضمیمه شد و عمر مشروطه عملا "در این کشور پایان یافت. اراده شخص اعلیحضرت علیرغم قانون اساسی حاکم بر جز و کل امور گردید مجلس تبدیل به دستمگزار قوه مجریه شد و قوه مجریه به نوبه خود از چاکران و خانه زادان و مباشران و نه حافظان منافع مردم ترکیب یافت. در این دوره بود که حق هر گونه اظهار نظر از مردم

ایران سلب شد زندانها را از آزاد یخواهان انباشتند و بانگ اعتراض وطنخواهان را به ضرب سر نیزه خاموش ساختند . عناصر غیر ملی زمام امور را بدست گرفتند و خد متگزاران خانمشین شدند . فرزندان برومند ملت در محیط مدرسه و دانشگاه با شلاق پلیس و چماق چتر بازان مجروح و مصدوم و مقتول گردیدند اسلحه سربازان که باید پاسدار میهن باشد به سینه جوانان پر شور وطن دوست حواله شد . جای سازمانهای سیاسی ملی احزاب فرمایشی بی آبرو تحمیل بریت المال عمومی اجازه فعالیت یافتند . در همین دوره بود که استقلال و حاکمیت ملی مأمور سخت ترین لطامات قرار گرفت . اکنون اگر هیئت حاکمه صاد قانه قصد دارد از خواسته های اکثریت مردم تبعیت کند و بسوی ملت بازگردد لازمه آن ارزیابی صحیح واقعیات تلخ گذشته است تنها از راه درک این اشتباهات است که میتوان از تکرار آنها در آینده جلوگیری کرد باید دید که هیئت حاکمه صمیمانه خواستار جلوگیری از تکرار خطاها است یا فقط در مقام پیروی از سیاست اعطاء کمترین امتیاز ملت در برابر بزرگترین فشارها است و میکوشد که در مقابل خشم مردم به ارزانترین وسائل دفع الوقت کند . مردم ایران در سالهای اخیر شاهد آنچنان وعده های دروغین شرم آور در دستگاه بود هاند که دیگر حاضر بقبول حرف عمل هیئت حاکمه نیستند . فقط از طریق اقدامات و روشن در راه بازگرداندن آزادیهای فردی و اجتماعی است که مرته رفته میتوان اعتماد مردم را بدست آورد و از شدت بحران کنونی کاست . بکار بستن هرگونه نیرنگهای کم ارزش سیاسی نظیر آنچه در گذشته دیده شده است جز افزایش خشم عمومی در مردم اثر دیگری نخواهد داشت .

بستوانه اسکناس کشور در سر خطر است ؟

در شماره ۳۹ اخبار جبهه ملی قسمتهای از مقاله آقای بهنیا وزیر ارای دولت غیر قانونی که در شماره ۳ و ۴ مجله تحقیقات اقتصادی چاپ شده است منتشر گردید و نتیجه مآلهایشان در باره وخامت اوضاع مملکت و مسئولیت گردانندگان وضع بشرح زیر باطلاع عموم رسید . " بدون شك سال جاری از نظر مالی از مراحل سخت تاریخ مملکت است و اگر وضع ادامه یابد نتیجه آن ورشکستگی است و این ورشکستگی یقیناً بتقصیر محسوب میشود " اینک باید دید آقای وزیر ارای که خود مسئولیت عمده وضع مالی و اقتصادی را بعهده دارند چه تدبیری برای رفع مشکلات اندیشید هاند و چه نقشهای طرح کرده اند تا از این ورشکستگی بتقصیر جلوگیری کنند . پس از اعتراف صریح به اینکه در گذشته بانکهای ملی و مرکزی نتوانستند ارزش ریال را در داخل و خارج از کشور حفظ کنند آقای وزیر ارای اضافه میکنند . " دستگاه با عظمت بانک ناشر اسکناس در گذشته مجهز برای تعیین سیاست و تشخیص روش مالی و اقتصادی نبود و بهمین جهت اراجیفی از قبیل تورم دلار شایع شد و اشتباهات بزرگی از قبیل تصویب قانون استفاده از مازاد پشتوانه برای صنعت

و فلاحت روی داد و اکثر اوقات بانک مشوق نظریات غلط واقع میشد و بدین ترتیب سیاست دولتهای قبلی را که در نتیجه تغییر ارزش دلار توانسته بود در مقداری از پشتوانه طلا و ارز اسکناس را بصورت وامهای با اصطلاح تولیدی در اختیار نورچشمی های دستگاه قرار دهند محکوم میکنند . " تورم دلار " یعنی داشتن دلار اضافی که مورد استفاده قرار نمیگیرد جز " اراجیف " و استفاده از مازاد پشتوانه اسکناس حتی برای صنعت و فلاحت از جمله " اشتباهات بزرگ " است . اما طرحی که آقای بهنیا برای ملت ایران تدارک دید هاند چیزی جز تکرار همین " اراجیف " و ادامه همان " اشتباهات بزرگ " بنظر نمیرسد زیرا منظور و مقصود ایشان از نوشتن یک مقاله بسیار متوسط و پر از نداشتگیهای اقتصادی فقط ابراز دو نظریه ذیل است .

۱- که مبلغ نه میلیارد و چهارصد و سی هفت میلیون ریال ارزش طلا و ارزی که بمنظور حفظ ارزش پول در خزانه های بانک نگهداری میشود " غیر قابل استفاده " مانده است و در حقیقت باید در اختیار دولت یا ایشان گذاشته شود تا بمصرف برسد .

۲- که در برابر نشر اسکناس حتی سپردن چهل درصد طلا یا ارز بعنوان پشتوانه که قانون معین کرده است بیفایده است و دست دولت را باید بدون هیچگونه محدودیتها در نشر اسکناس آزاد گذارد .

بنا بعقیده آقای بهنیا " مفهوم پشتوانه در ایران مفهومی است کهنه " زیرا از نظر ایشان " گذشته از بیفایده بودن ذخیره موجود برای حفظ ارزش پول به نکتتهای اساسی تر باید توجه داشت که اجرای این ترتیب قانونی عملاً " غیر مقدر است ضمن ارتکاب یک اشتباه بسیار ابتدائی اقتصادی میگویند . " پول از وسایل تشکیل سرمایه است با پول سرمایه پیشرفت مادی عملی میگردد و با پیشرفت مادی پیشرفت معنوی ممکن خواهد بود " و بدینوسیله میخواهند نتیجه بگیرند که هر چه بر میزان پول افزوده شود بر میزان سرمایه گذاری و در نتیجه بر درآمدها افزوده خواهد شد و لذا نباید در راه افزایش پول موانعی ایجاد کرد ایشان صریحاً اظهار میدارند که . " بامقررات موجود که انتشار اسکناس مستلزم ذخیره ۴۰٪ ارزش طلا است ما در مقابل این وضع ناپسند و غیر معقول قرار گرفتیم که با هر عمل تولیدی یا غیر تولیدی که نتیجه آن بهبود وضع و بنابراین افزایش پول در گردش است مقداری از قدرت مالی بانک مرکزی را کسر کرده و سرمایه های که در جریان بودن آن برای ما حیاتی است بسرطایه راگد تبدیل میکنیم واضح است که ایشان هنوز مفهوم پول در گردش را درک نکرده و متوجه نشده هاند که اسکناس و پیشیز قسمت کوچکی از حجم پول در گردش را تشکیل میدهند و بهر حال افزایش میزان اسکناس و پیشیز برای رفع حوائج مردم يك امر فنی است که حجم آن در سالهای اخیر چندان قابل ملاحظه نبوده است . مثلاً از پایان سال ۱۳۳۵ تا آخر مرداد ۱۳۴۱ فقط در حدود ۲ میلیارد ریال بر میزان اسکناس منتشره افزوده شد که از نظر تامین پشتوانه فقط معادل چهل درصد آن یعنی برابر ۲/۸ میلیارد ریال به طلا و ارز احتیاج بود و نمیتوان ادعا کرد که این مبلغ در طی پنج سال و نیم تحمیل بزرگی بر منابع ارزی کشور بوده است . بهر حال آقای وزیر ارای در نظر نگرفتند که در عرف بین المللی هر مملکتی لااقل باید همیشه معادل ۲۵ الی ۳۳ درصد از حجم واردات سالیانه خود را بصورت ذخیره ارزی در دست داشته باشد تا در مقابل هرگونه مشکلات احتمالی و غیر قابل پیش بینی معاملات بازرگانی خارجیش دچار وقفه نگردد . در حالیکه واردات ایران نزدیک به ۶۰۰ دلار در سال است بدیهی است که نگهداری مبلغی در حدود ۲۰۰ میلیون دلار ذخیره ارزی بهیچ عنوان زیاده از حد نیست . و چون مجموع طلا و ارزی که در اختیار دولت ایران است (اعم از پشتوانه اسکناس و یا طلا و ارز آزاد یک قانوناً قابل استفاده است) پس از در نظر گرفتن بدیهی ایران به صندوق بین المللی پول از میزانیکه در عرف بین المللی برای حجم واردات ایران ضروری است بیشتر نصیاشد هر گونه دست درازی به ذخایر ارزی کشور و برداشت از پشتوانه پول بشهر کشور و موجب تشدید عدم اطمینان منابع بانکی و مالی در بناسبت به پول و وضع اقتصادی کشور است . اگر در قانون پیش بینی شده است که در برابر نشر اسکناس باید چهل درصد طلا یا ارز بعنوان پشتوانه به بانک مرکزی سپرد نه از آنجهت است که قانونگذاران مطالب پیش یا اقتضای بهنیا را نمیدانستند بلکه منظور از گنجاندن این شرط این بوده است که در برابر دولتهای غیر مسئول و مسرف که هیچ منظوری جز تفریط و حیف و میل منابع کشور را ندارند مانده بی ایجاد کرده باشند تا هر وزیر ارای بیگفایتی که نمیتواند بودجه کشور را از طریق حذف هزینه های غیر ضروری و تجملی اداری و نظامی و یا اخذ مالیات های بیشتر از طبقات پردرآمد متعادل کند موفق نشود طبق دلخواه خود ماشینهای چاپ اسکناس را بکار اندازد و از راه تورم پول مصالح کشور را در معرض خطر قرار دهد اگر در راهای ممالک دیده میشود که نشر اسکناس احتیاج به پشتوانه ندارد نباید تصور کرد که آن ممالک فاقد ذخیره ارزی بوده و یا دولتهای آنها آزاد اند بدلخواه خود تمام مشکلات مالی خود را از طریق چاپ اسکناس حل کنند . حسن مسئولیت مقامات مالی و بانکی این کشورها بجای است که عملاً " کار خلاق مصلحت بندرت انجام میگردد و بهر حال وجود پارلمان و مطبوعات و آزادی مردم در انتخاب دولت مورد اعتماد خود بهترین ضمانت آنست که منافع عمومی از هر حیث رعایت گردد .

افتخار به شریعت رضوی - قند چینی - بزرگ نیایا مردانیکه در راه میهن و برای استقلال و آزادی ایرانی شهید شدند

استقرار حکومت قانونی هدف جبهه ملی ایران است
نشریه داخلی
کمیسیون انتشارات
بخوانید و بدیگران هم بدهید تا بخوانند

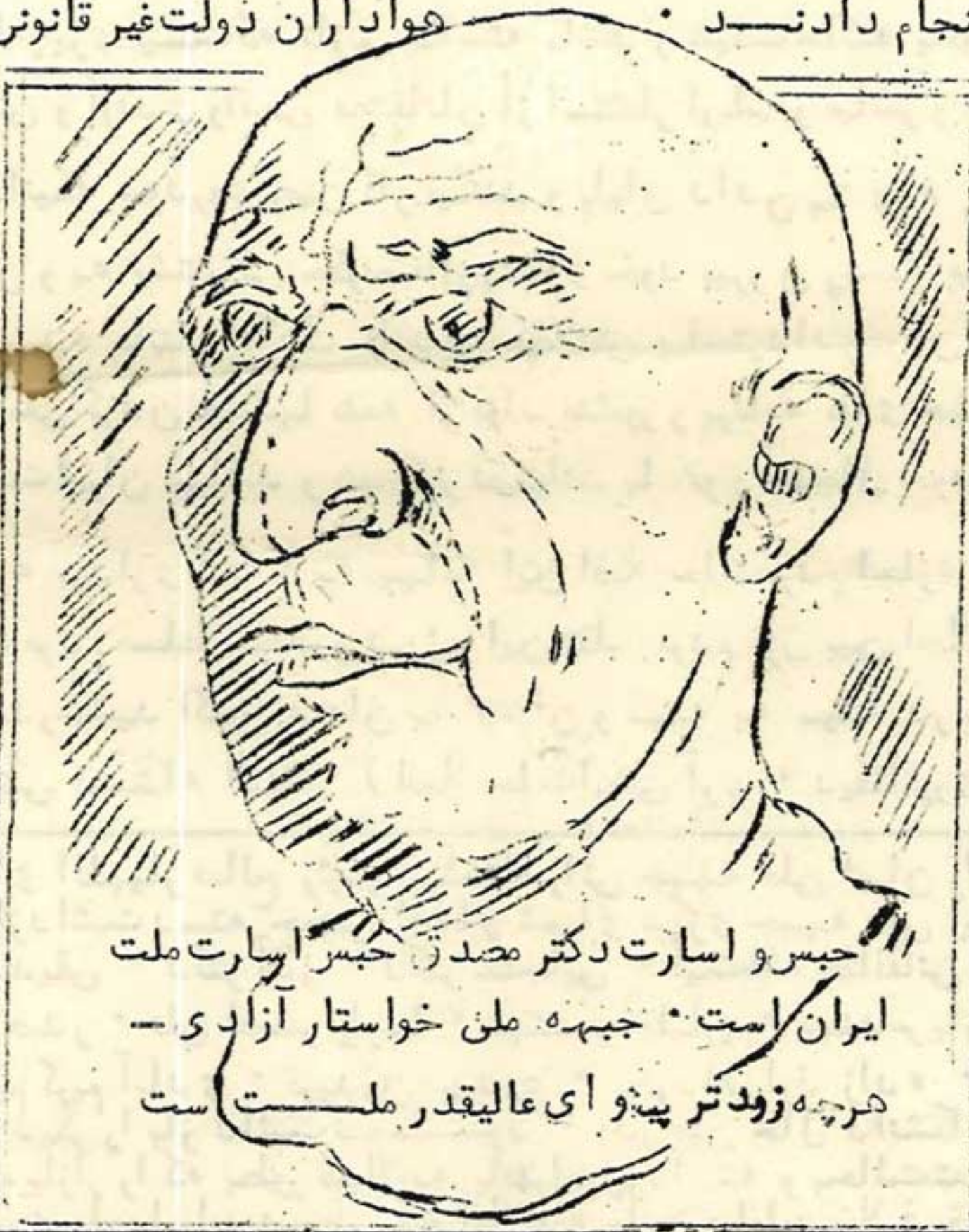
یک هفته از مبارزه مردم تهران

رفراندوم قلابی رسوا شد
روز شنبه ۲۱ دیماه هیئت اجرائی جبهه ملی ایران
راجم بفراندم پیشنهادی اظهار نظر کرد و بملت ایران -
اعلام خطر کرد (که امروز کشور مادر آستانه تبدیل رسمی
رژیم مشروطیت و دموکراسی به سیستم استبداد و ارتجاع
است) و شامگاه همان روز شورای مرکزی جبهه ملی ایران
برای اظهار نظر بیشتر تصمیم بایجاد یک اجتماع وسیع گرفت

مردم دیکتاتوری (نه) گفتند
(تصویب ملی) روز ششم بهمن همانگونه که انتظار میرفت
مطابق نقشه انجام گرفت. حتی از ناصی که برای این -
خیمه شب بازی در نظر گرفته بودند معلوم بود که قصد
بکرسی نشاندن نظر حکومت است و نه پرسیدن رای واقعی
مردم. این فریب کاران حرفه ای حتی جرات نداشتند -
که نام (رفراندوم) را بر زبان آورند مبادا مخاطرات دوران
حکومت ملی تجدید شود.

و روز یکشنبه ۳۰ دیماه هیئت اجرائی از مردم تهران دعوت
نمود تا در میتنگی که ساعت ۱ - ۲ بعد از ظهر روز جمعه
۵ بهمن ماه در میدان جلالیه تشکیل میشود شرکت کنند
و مراتب را به پلیس اطلاع داد ولی پلیس که تا آنروز به
هواداران دولت غیر قانونی اجازه همه گونه تظاهر و میتنگ

سیاست دولت باید بهر قیمت (تصویب) میشد و این همان
کاری است که بکمک سازمان امنیت و شهربانی و دارو -
دسته های پاتوکشان اجتماعی و پوماق داران و -
سندیکاها و قلابی آلت دست و متخصیصین براه انداختن
اجتماعات و تظاهرات مصنوعی انجام دادند.



حسرو اسارت دکتر مصدق خیر ايسارت ملت
ایران است. جبهه ملی خواستار آزادی -
هر چه زودتر پیشوای عالیقدر ملت است

تدارکات برای رفراندوم از چند
روز پیش آغاز شد. -
مامورین سازمان امنیت از
مسئولین ادارات و -
کارگاهها قول گرفتند کارمندان
و کارگران را یکجا بپای -
صندوقها ببرند. کار بجائی
رسید که وزیر خارجه مملکت
در برابر روسای وزارت خانه
خود گفت من تعهد دارم که
رای مثبت اعضای وزارت خارجه
را درست برای شاه بپیروم
در کارخانه ها کارگران را با
کامیونها و اتوبوسها دولتی از
این حوزه رای بآن حوزه -
بقیه در صفحه (۲)

داده بود در بامداد دوشنبه
یکم بهمن برقراری هر گونه اجتماع
را در میدانها و معابر عمومی -
ممنوع کرد.
جبهه ملی برای آنکه راه بهانه
جوئی را بر روی دستگاها -
پلیسی هیئت حاکمه ببندد اعلام
نمود که حاضر است میتنگ خود را
در محلها و محصور مانند مسجد
شاه و سالن ورزشی پارک شهر برز
برگزار کند ولی دولت غیر قانونی
که مدعی وجود آزادی و حق -
اظهار نزار برای مخالفین بود بر شد
شدت عمل خود افزود و بدون هیچ
هیچ مجوز قانونی در شامگاه -
روز سه شنبه دوم بهمن ماه -
بقیه در صفحه (۲)

دانشگاه چگونه با رفراندوم قلابی روبرو شد

از صبح روز یکشنبه که دستور شورای مرکزی جبهه ملی ایران جهت برگزاری میتنگ روز جمعه ۵ بهمن بدانشگاه ابلاغ
شد دانشجویان سربازان آماده بفرمان جبهه ملی کوشش خود را برای برگزاری هر چه باشه با شوهرتر آن آغاز کردند.
شورای منتخبین دانشکده ها (کمیته دانشجویان جبهه ملی ایران) با تشکیل جلسات کارها را بطور منظم جهت
بسیج دانشگاه تهران برای تحرك بخشیدن سایر گروههای اجتماعی را هدایت نمود.

دستجات دانشجویان از صبح روز سه شنبه به بخش تراکت های دعوت میتنگ پرداختند و دسته دسته در خیابانها
و وزارتخانه ها و سایر محل های پر جمعیت مردم را بمیتنگ روز جمعه جهت شنیدن نظرات جبهه ملی ایران و -
پیرامون رفراندوم پیشنهاد شاه دعوت نمودند. پلیس و سازمان امنیت در نهایت رذالت اقدام بدستگیری و ضرب و شتم
دانشجویان نمود.
(بقیه در صفحه ۳)



بسیاری از این رای دهندگان اسیر باندازه از ما تصد بودند که پانزده شانزده بار رای دادند . دوباره مردم تهران خود را با همان تظاهرات (قیام) ساختگی ۲۸ مرداد و انتخابات قلابی فصل به فصل این چند ساله رو می دیدند و اعتماد آنها به عدم صمیمیت هیئت حاکمه باز هم بیشتر میشد . همه از خود می پرسیدند اگر دستگاه حاکمه راست میگوید و اگر پشتیبانی اکثریت افراد ملت ایران اطمینان دارد چرا جلوی اظهار عقیده مردم را میگیرد . این چه فراندمی است که در آن فقط دشنه های چاقو کشان و چماق داران دستگاه —

و سخنگویان رادیوی دولتی آزادی عمل دارند این به مراجعه به آراء عمومی است که در آن فقط عده ای پلیس به لباس دهقان حق دارند با چوب و چماق بدستور صریح وزیر کشاورزی از مردم پایتخت (شکر) کنند . این اتفاحات نشان داد که قصد از فراندم جز سوء استفاده سیاسی بنفیک دستگاه حاکمه ورشکسته و متزلزل نیست و اینبار همان دستهای قدیمی در کارنه تا از این ستون بآن ستون فرجی حاصل کنند . دستهای که بزرگترین شاهکارش کاخ سنا و امروز هتل سلطنتی هیلتون است چگونه نمیتواند امروز ادعای ترقی خواهی و اصلاح طلبی کند مگر این همان دستگاه نیست که از نان و داروی مردم — از اسفالت راهها — از بلیطهای بخت آزمائی — از تسطیح خیابانها — از هدف قتل و پلای روستائیان سالها دزدیده است . و امروز ۷۰۰ میلیون دلار وام به گردن این ملت گذاشته است و باز هم وام و کمک میخواهد تا همراه درآمد نفت به پناه و پل مافی خود سر ازیب کند . چنین دستگاهی با سوابق سیاه — دهساله با چه روئی امروز به مردم مراجعه میکند و رای آنها را میخواهد . آیا اشغال نظامی شهرها که با پیش آمدن زمزمه فراندم شروع شد و خفه کردن تظاهرات ملت و انباشتن زندانها از آزادی خواهان و مجروح کردن مردم و یورش بدانشگاه از طرف گروهبانیان و چتربازان که پلیس شخصی در آمده بودند و چاقو کشان و مآقداران حکومت دلیل کافی بر این نیست که تفسیر واقعی روی نداده و فقط الفاظی فریبنده تر بجای دروغ پردازیهای گذشته عنوان کرده اند مساله اصلاحات در کشور ما بیزی نیست که تازگی داشته باشد و هیئت حاکمه بخواهد ادعای ابتکار آنرا بکند اصلاح ارضی و پایان رژیم ارباب رعیتی و آزادی واقعی دهقانان از استثمار ارباب و مباشر و ژاندارم و مأمور دولت و تعیین میزان مناسب مالکیت ارضی برای کسانی که خودروی زمین کار میکنند و پایان دادن به تیره روزی خوش نشین ها و اجاره دادن و روستائینی که توسط مالکین و به پشتیبانی حکومت از زمینهای خود بیرون رانده میشوند و همچنین خلع ید از املاکی که از مرهات نامشروع تحصیل شده مانند املاک خاندان سلطنتی و استرداد و جرحی که بابت این گونه املاک از کشاورزان گرفته اند بخزانة ملت و نیز ملی کردن جنگلها همه از مواد منشور و برنامه های جبهه ملی است این گونه املاک — که مورد پشتیبانی قاطبه ملت ایران میباشد و هیچکس نمیتواند با هو و جنجال خود را تنها مدافع آن بشمار آورد و بنف دیکتاتوری و فساد از آن بهره برداری کند . به بهانه این اصلاحات مردم اجازه نخواهند داد که همان عناصر فاسد ده سال گذشته بر سرنوشت مردم مسلط شوند و در زیر این نقاب مردم فرزند بین اصلاحات و دیکتاتوری را خوب دریافته اند شعاری که بر سر دانشگاه میدرخشید اکنون به دهان و سینه به سینه در سراسر ایران میگردد و این خود بهترین پاسخ مردم به فراندم ساختگی دستگاه است . (اصلاحات ارضی آری . دیکتاتوری شاه نه)

بقیه يك هفته آقای اللهیار صالح رئیس هیئت اجرائی جبهه ملی ایران را دستگیر نمود و سپس برای ایجاد محیطی آرام و وحشت شرم بپا داشت دسته جمعی اعضای شورای مرکزی جبهه ملی ایران و سایر پیشگامان مبارزه نمود و آقایان باقر کاظمی . دکتر صدیقی . دکتر آذر . دکتر سنجابی . آیت الله طالقانی . مهندس زریک زاده . دکتر بختیار مهندس حرسناس . کشاورز صدر . علی اصغر پارسا . مهندس زحیلی . مهندس بازرگان . حاج حسن قاسمیه . حاج محمود مانیان . ابراهیم کریم آبادی . فریدون مهدوی . سرداد ارف زاده . قاسم لباسچی . خسرو سیف . نادر صالح . و دهها مبارز دیگر را بازداشت نمود . در همین حال دانشگاه را که مانند همیشه پیشاپیش صف مبارزان قرار گرفته بود میآزار را که بطور فتنالانه با اعتراض پرداخته و بحالت تعطیل در آمده بود مورد هجوم وحشیانه قرار داد باوجود براین جبهه ملی ایران در طی دو اعلامیه باین عطیان خلاف قانون اعتراض کرد و اعلام داشت با همه قدمت در تدارک برگزاری میتنگ — ۲ بعد از ظهر روز ۵ بهمن در میدان جلالیه میباشد . در اینجا بود که دستگاههای پلیسی بردامنه هجوم وحشیانه خود افزودند و چند هزار پلیس و سرباز مسلح را بجان مردم انداختند و گروهی اجامر و اوباش را بهمراه عده ای ترنواز و گرهیان بلبلس دهقان و کارگر در آورده و باقداره و چاقو مأمور سرکوبی دانشجویان و بازاریان کردند و صد هاتن از مردم بی دفاع را که فقط قصد اظهار نظر کردند و صد هاتن از مردم بی دفاع را که فقط قصد اظهار نظر در باره فراندم داشتند با درنده خروش مورد ضرب و جرح قرار دادند . جمعه ۵ بهمن شهر تهران بصورت اشغال نظامی درآمد در میدان جلالیه و تمام مرکز اصلی شهر با قوای موتوریزه انباشته و از طرف دیگر دهقان نمایان مآقداد و هفت تیر بند خود را در اتوبوسهای شرکت واحد سوار کرده در اطراف شهر بتظاهر و داشتند . با اینهمه مردم تهران با شور بی مانند خود را برای شرکت در میتنگ آماده میکردند و هنوز ساعت ۲ بعد از ظهر نرسیده بود که سیل جمعیت از گذرگاههای بین خیابان بسوی و امیر آباد بسوی بلوار سرازیر شد و چون به جلوگیری شدید قوای دولتی برخورد بایه شعار (اصلاحات ارضی بله . دیکتاتوری شاه نه) و مصدق دهقان . کارگر . پیروز است است و نابود باد استبداد برقرار باد آزادی دست بتظاهر زد و تا نزدیک چهار بعد از ظهر تظاهر خود را ادامه داده و سپس انبوه چند ده هزار نفری جمعیت بسوی مرکز شهر سرازیر شد و در چهار راه پهلوی چهارراه شاه و محور خیابان شاه . نادر . اسلامبول . شاه آباد بتظاهر پرداخته و میدان بهارستان عتفر شدند . (بقیه در صفحه ۳)

بقیه يك هفته از مبارزه مردم تهران

در این تظاهر صدها تن زخمی و صدها تن بازداشت شدند که آمار دقیق آن بزودی منتشر خواهد شد .
این بود جریان يك هفته مبارزه و کوشش برای رسوا کردن رفراندوم قلا بی مردم تهران نشان دادند که نمیگذارند —
اصلا حات سرپوشی برای ادامه دیکتاتوری سیاه باشد .

زنان و مردان شرافتمند تهران . . .

شور هیجانی که شما برای شرکت در میتنگ روز جمعه پنجم بهمن هزار و سیصد و چهل و يك میدان جلا لیه از خود نشان دادید همچون مهر باطله ای بر روی نقشه خدعه آیزبیه " تصویر ملی " گذاردن لوایح ششگانه که سرپوشی برای —
ادامه دیکتاتوری بود خود .

با اینکه هیئت حاکمه از چند روز پیش محیط ارباب و وحشت ایجاد کرده و همه نیروهای اهریمنی خود را ب میدان آورده بود شمانه از سرنیزه باتوم ارتش و پلیس و نه از رجاله بازی دهقان زبان قداره بند هفت تیرکش نهراسیدید و برای ابراز نفرت از دیکتاتوری سیاه و اذلهار نظر درباره رفراندوم پیشنهاد پشاه اجتماع کرده دلیرانه بتظاهر پرداختید .
جبهه ملی ایران لازم میدانند اینهمه پایداری و کوشش را در راه انجام وظایف ملی که موجب دلگرمی مبارزان است ستایش کرده اعلام نماید که این نبرد خستگی ناپذیر تا محو و نابودی دیکتاتوری و استقرار حکومت قانونی ادامه خواهد یافت .

بقیه دانشگاه چگونه با رفراندوم قلا بی روبرو شد

از عصر روز سه شنبه دانشجویان پلاکتها را که با این شعارها " اصلاحات ارضی بله — دیکتاتوری شاه نه " " اصلاحات ارضی ارضی نباید سرپوشی برای دیکتاتوری شاه باشد " دستگاه سازمان امنیت لانه جاسوسی تفتیش عقاید و آزادی کشی باید منحل شود بر سر در دانشگاه تهران و جلوی خیابانهای اصلی دانشگاه آویختند .
از همان ساعات اول یورش وحشیانه مامورین سازمان امنیت آغاز شد و پلاکتهای دانشجویان را پاره کرده پائین آوردند دانشجویان نیز بهیجان آمده با خشم هر چه تمامتر بلافاصله پلاکات دیگری با همان شعار " اصلاحات ارضی نباید سرپوشی برای دیکتاتوری شاه باشد بالا بردند و در زیر آن پاسبانری پرداختند . روز چهارشنبه نیز شعارهای درخشان دانشجویان دانشگاه بصورت پلاکات با کف زدنهای پر هیجان دانشجویان که در زیر پراکتها جمع میشدند بالا رفت در این شعارها اعلام شده بود که دانشجویان با اصلاحات ارضی موافق هستند اما حکومت دیکتاتوری برایشان قابل تحمل نیست . روز پنجشنبه صبح پس از آنکه این پراکتها دوباره در دانشگاه نصب شده بودی چاقو کش حرفه ای — در حالیکه معاون سرتیپ حکیمی " مسئول انتظامات دانشگاه تهران " در جلو آنان شعار جاوید شاه میداد بدانشگاه حمله کردند و بعد از آنکه پلاکتهای دانشجویان را پائین کشیدند و آتش زدند بدانشگاهها حمله کرده و وسایل علمی آزمایشگاهها را در هم ریختند و شکستند و دانشجویانی را که در کلاسها بودند بچوب بستند و مضروری و مجروح نمودند تمام سرسراها را دانشکده پزشکی — فنی — علوم از خون پر شده بود یکی از این ارازل که سرش را بفرم المانی از اطراف سفید کرده بود و پوتینی بپا داشت باند دیگری میگفت جناب سروان حالا باید کجا رفت و جناب سروان فرمان شکستن و پتین و دانشکده ها را صادر کرد . این ارازل که مست بودند و سر از پا نمیشناختند سپس بفارت دانشجویان دست زده و کیفهای دختران دانشجو را از دستشان ربودند . نکته جالب آنکه در روزهای قبل همه درهای دانشگاه را بسته بودند و دانشجویان باید فقط از در بزرگ دانشگاه رفت و آمد میکردند اما در اثر آواز همه درهای اطراف دانشگاه باز بود تا این اوباش بتوانند براحتی برای فارت و خونریزی بدانشگاه وارد شوند .
این اوباش که از نام شریف گارگر سوء استفاده میکردند در حقیقت عده ای چاقو کش حرفه ای و عده ای چتر باز و گروهبان بودند که لباس شخصی بتن داشتند . ساعت دوازده در حالیکه يك مکر بزرگ شاه را در جلوی خود حمل میکردند دانشگاه را ترك نمودند البته در همان مدت مامورین انتظامی کورترین دخالتی در این مورد نکردند .

بدینسان بخوبی میشد درك کرد که چه کسی از دانشجو و دانشگاه تهران کینه بدل دارد و چگونه کوشش میکند این سنگر دانش و آزادی تنها پایگاه تردید ناپذیر نهضت ملی را در هم بشکنند .

کمیته دانشجویان جبهه ملی ایران در طی اعلامیه ای که بعد از ظهر همان روز منتشر کرده خشم و نفرت عمیق خود را نسبت به برپا کننده این جریانان نکین اعلام داشت و مردم ایران و همه آزاد خواهان جهان آگاهی داد که در چه

محیطی میخواهند رفراندوم بعمل آورند و بقدرد آزادی برای بیان عقاید در مورد این رفراندوم وجود دارد .
روز جمعه نیز عموم دانشجویان دانشگاه تهران فعالانه در تظاهرات خیابانی جبهه ملی ایران شرکت نمودند و نظر خود و جبهه ملی را پیرامون رفراندوم پیشنهادی شاه با شعار اصلاحات ارضی بله — دیکتاتوری شاه نه اعلام داشته اند روز شنبه یعنی روز رفراندوم دانشجویان برای آنکه ارازل و اوباش باریک دانشگاه را صحنه هجوم رزبلا نه خود نسازند دانشگاه را تعطیل نموده و ترك کردند .

کمیته دانشجویان دانشگاه تهران هر چه زودتر نظر و برنامه خود را پیرامون عمل ننگین پنجشنبه اعلام خواهد داشت و دستورات لازم را جهت عمل در مقابل این اعمال رزبلا نه را بدانشجویان خواهد داد .

چرا رفراندم کم کردند ؟

پس از آنکه رفراندم ششم بهمن با مبارزه آگاهانه جبهه ملی ایران بروسوائی کشید و بتصدیق دوست و دشمن بضرر هیئت حاکمه تمام شد برای عده ای این پوسر پیش آمده است که چه لزومی داشت هیئت حاکمه بچنین کار افتضاح آمیزی - دست بزند ؟

اگر منظور اصلاً حاکم ارضی بود مگر نه آنست که بگفته خودشان این اصلاً حاکم در سراسر کشور با سرعت بجلو میرود و نزدیک بپایان است و اگر منظور دیگری وجود داشته آن منظور چیست ؟

در پاسخ باید گفت که هدف دستگاه استبداد از توسل بفراندم استفاده تبلیغاتی و اعاده حیثیت خود در داخل و خارج کشور بود . پس از دهسال دیکتاتوری شخصی و تفریط اموال عمومی و بهره کشی از مردم بسود استعمار خارجی و مسلط ساختن عناصر فاسد و قلدر برسرنوشت کشور اکنون که ورشکستگی سیاسی و اقتصادی هیئت حاکمه جای تردید برای کسی باقی نگذاشته است در صد برآمدند با استفاده از غوغای اصلاً حاکم ارضی بحکومت خود وجهه اصلاح طلبی بدهند و روحیه موافقی را که در همه مردم نسبت بالغاً لاجرم رژیم ارباب و رعیتی و واگذاری زمین و آب به دهقان وجود دارد به حساب محبوبیت شخصی قلمداد کنند . دستگاه استبداد قصد داشت با یک نقشه خدعه آمیز بنام ضرورت انجام اصلاً حاکم اجتماعی لزوم وجود آزادیهای فردی و اجتماعی را در ایران لوذ کند . رفراندم وسیله ای بود برای آنکه مقامات انتظامی و مآقداران و پادگانها و کشتیهای دستگاه تعدادی آراء غیر واقعی و تحمیلی در صندوقها بریزند و بعد هم ماشینهای تبلیغاتی حکومت ادعا کند که مردم ایران پشتیبان وضع موجود هستند . اینک شاه برخلاف قانون اساسی بطور مستقیم و رسمی در امور کشور مداخله میکند نشانه بن بست است که پدید آمده زیرا دیگر نمیتوان مجالسی فرمایشی تشکیل داد و از کشور های خارجی کمک و وام دریافت داشت و خرج سازمان امنیت و نیروهای انتظامی که تنها ارزش وجود شان حفظ پایه های حکومت دیکتاتوری است کرد . اگر درآمدهای نفت و سایر منابع داخلی و مالیاتهای گزاف غیر مستقیم برای تامین و لخرجهای دستگاه حاکمه کافی بود یکباره تعطیل مشروطیت را برای همیشه اعلام میکردند و همانگونه که در بیست ماه گذشته نشان دادند قانون اساسی را بطلان میسپردند ولی چپاول اموال عمومی و مصارف تجملی و هزینه کمزور شدن دستگاه های انتظامی و پلیسی از حدود درآمدهای عادی کشور گذشته است و از طرف دیگر رکورد فعالیتهای اقتصادی و افزایش سرسام آوری بیکاری کشور را با خطرات مهیبی روبرو ساخته و مسئله دریافت کمک از خارج را برای هیئت حاکمه ضروری کرده است . اما هیچ کشوری هر اندازه بقای وضع موجود را با منافع استعماری با نظرات سیاسی خود سازگار بداند حاضر نیست بدستگاه کثیف و پوسیده ای که هیچگونه پایانه در میان مردم ندارد و قانون اساسی یعنی میثاق حاکمیت خود را زیر پا گذارده است بدون حساب وام و کمک دهد زیرا خود پیدا است که چنین وام و کمکی بازگرفتنی نیست و ملت ایران همزمان که بارها اعلام کرده تعهدی برای پرداخت آن ندارد . موجودیت دستگاه استبداد و جلب رضایت قدرتمند خارجی برای انجام برنامه های بعدی بسته باین بود که نشان دهند اقدامات اصلاح طلبانه ؟ مفید افتاده و مورد پشتیبانی عمومی قرار گرفته است هیئت حاکمه از رفراندم روز ششم بهمن انتظارات زیادی داشت و میخواست در پناه آن بر همه جنایتها و زشت کاریهای گذشته خود رنگ قانونی زند و راهی برای ادامه دیکتاتوری سیاه باز کند اما با نمان مقاومت غیر منطقی ای از جانب ملت روبرو گردید که بر همه نقشه های پلیدش خط بطلان کشیده شد و ناگزیر رسواتر و هراسان تر از همیشه دست بجملیاتی زد که فقط میتوانست از یک ضعف درونی عمیق سرچشمه گرفته باشد . دستگاه دیکتاتوری موفق نشد در پرتو اصلاً حاکم ارضی که هیچ روشن بینی در ایران مخالف آن نیست حکومت فردی را بمردم بقبولاند و مردم برعکس توانستند با هوشیاری کامل مسئله اصلاً حاکم را از مسئله عدم وجود آزادی تفکیک کنند و به دیکتاتوری نه بنویسند و اکنون با وجود جمله وحشیانه دستگاههای پلیسی بمردم امکان آنکه بتوانند با حربه های ضعیف تر در آینده نقشه های شکست خورده را عملی کنند روز بروز کمتر میشود . رسوائی و شکست رفراندم رسوائی و شکست نقشه های مذبوحاته برای ابقای دیکتاتوری در ایران بود .

جریان میتنگ روز یکشنبه ۱۴ بهمن دانشجویان دانشگاه تهران

بدنبال دعوتیکه از طرف کمیته دانشجویان جبهه ملی ایران برای روز یکشنبه چهارده بهمن از دانشجویان بعمل آمد که در این روز ساعت ۱ صبح برای استماع نتایج مذاکرات با دکتر فرهاد جلوی دانشکده حقوق اجتماع کند از صبح روز یکشنبه ۱۴ بهمن دسته دسته دانشجویان جلوی دانشکده حقوق گرد آمدند بامداد امروز آقای رئیس دانشگاه اغلامیه ای داده بود که طی آن دانشجویان را از شرکت در تظاهرات مندم نموده بود ولی دانشجویان بدون توجه باین نصایح و تحدیدها در محل مینمود جمع شدند ساعت ۱ عده دانشجویان به چندین هزار نفر میرسید ابتدا یکی از دانشجویان چند شمار داد و طی آن اعلام کرد که دانشجویان بدون هیچ بیم و هراسی وبدون توجه بنقش نفاذ افکنانه دستگاه حاکمه راه خطیر خود را همراه با کاروان نهضت ملی دنبال خواهند کرد سخنان این دوست دانشجو و با کف زدنهای شور بسیار استقبال شد آنگاه دانشجوی دیگری از دانشکده حقوق گزارش کارهای انجام شده توسط کمیته دانشجویان جبهه ملی ایران را قرائت کرد او در ابتدای سخن خود گفت که دانشجویان نهایت علاقه را بحفظ نفس و استقلال دانشگاه دارند و تجربه نشان داده است که اگر پلیس و مامورین سازمان امنیت اخلاً نظام نمایند نظام دانشگاه همیشه محفوظ خواهد ماند .

بقیه جریان میتنگ ۰۰۰ آنگاه به مذاکرات نماینده کمیته دانشجویان جنبه ملی ایران با دکتر فرهاد اشاره کرد و سپس نامه نوشته شده از طرف کمیته دانشجویان را خطاب به آقای اوتانت دبیر کل سازمان ملل متحد قرائت کرد سپس بنامه همین کمیته با تحدیه بین المللی دانشجویان اشاره نمود پس از پایان این سخنرانی متن قطعنامه که در هفت ماده تنظیم شده بود قرائت شد دانشجویان با بلند کردن دست و سپر هورا و کف زدنهای پر شور آنرا تصویب نمودند دانشجویان در ساعت ۱۰ در کمال نظم و آرامش محوطه اجتماع خود را ترک گفتند و بگای سبهای در سرباز گشتند .

باز داشتهای غیر قانونی ادامه دارد

در هفته گذشته و پس از پایان فراندوم قلابی باز هم دستگاہهای پلیسی دولتی که ادعا میکرد " یک زندانی سیاسی ندارد " باز داشتهای غیر قانونی خود ادامه دادند و آقایان حسن میر محمد صادقی . اصغر گیتی بین . علی اردلان . ابوالفضل قاسمی . حبیب ذوالقدر . حسن لقلئی . ادیب برومند . ثنائی و عده ای دیگر از دانشجویان و مبارزان جنبه ملی ایران را بازداشت نمود .

در شهرستانها نیز دولت غیر قانونی به بازداشت مبارزان جنبه ملی پرداخته است

بدنبال محیط وحشت و تروری که عوامل پلیس حکومت غیر قانونی جریان فراندوم و بعد از آن در شهرستانها برپا کرده بودند اکنون خبر میرسد که در اصفهان آقایان دکتر دبیری . احمد قیصری . سلیمان انصاری . اثنی عشری و گروهی از دانشجویان مبارز زندانی شده اند .

اضطراب عمومی در تهران قبل از فراندوم

روزنامه مصروف و نیمه رسمی " لوموند " در شماره ۶۶ ژانویه خود زیر عنوان فوز بنین خبر داده است . تهران ۲۵ ژانویه (گزارش فرانس پرس . اسوشید پرس . یونیتد پرس و روتیر) امروز جمعه بیست و چهار ساعت قبل از فراندوم پیشنهادی شاه در باره قوانین اجتماعی یک اضطراب عمومی خارق العاده در شهر حکم فرماست . نظامیان با تفنگ سر نیزه و تانکها و زره پوشها از روز پنجشنبه در اطراف میدان اسب دوانی تهران که در آن میتنگ وسیع جنبه ملی دکتر مصدق باید انجام گیرد موضو گرفته اند . دولت این تظاهرات را ممنوع اعلام کرده است . اعتصاب بازار که سه روز دوام آورده هنوز ادامه دارد . جیبهای پلیس و نظامیان دائما در محله های بلزاری که مخالفت خود را با سیاست شاه نشان داده اند گشت میزنند . روز پنج شنبه چندین صد دانشجو در محوطه بزرگ ورودی دانشگاه اجتماع کردند در روی پلاکتهای که داشتند شعار های زیر خوانده میشد " فراندوم غیر قانونی است " " اصلاحات ارضی بله " " دیکتاتوری شاه نه " " کمی بعد یک گروه نفری گماندو که بر ضد دانشجویان شعار میدادند در دانشگاه بلوایا کرده شعارها را پاره نموده و بدانشجویان حمله کردند و در نتیجه زد و خورد ده ها دانشجو زخمی برجا مانده اند بنا بگفته دانشجو یان مهاجمین از اوپاس خود دستگاه بودند مقامات دولتی در برابر مدعی هستند که اینها کارگران طرفدار شاه میباشد این تظاهر کنندگان مسلح به باز در اقی در حالیکه بحریم دانشگاه تجاوز میکردند فریاد میزدند زنده باد شاه . (متن بر خائنین) از منابع رسمی کسب خبر شده که در حدود شصت نفر از شخصیتهای مخالف (که سی نفر از جنبه ملی هستند) در پریل و شصت ساعت اخیر بازداشت شدند آنها در یک دادگاه نظامی پس از پایان جریان فراندوم محاکمه خواهند شد .

تظاهرات وسیع دانشجویان ایرانی در آلمان

هامبورگ ۶ ژانویه . گزارش خبرگزاری آلمان حاکیست بیش از ۳۰۰ نفر دانشجوی ایرانی بعنوان اعتراض با قمار خلاف قانون دولت در سرکنسولگری ایران در انشهر متحصن شدند خبرگزاری مزبور اضافه میکند که اینکار بدنبال درخواست فدراسیون دانشجویان ایرانی که از تمان دانشجویان ایرانی در سراسر جهان خواستار اعتراض شده بود انجام رفت سرکنسول ایران در هامبورگ اظهار داشت که رهبری این امر توسط طرفداران نخست وزیر سابق ایران محمد مصدق انجام گرفت دنباله گزارش مزبور حاکی از آنست که دانشجویان ایرانی در هانور و برانسویک نیز دست با اقدامات مشابهی زدند و دوستان دانشجویان آنان در دوسلدورف آخن و بن و کلن اقدام بخواندن قطعنامه برای مردم کردند خبرگزاری آلمان از هامبورگ در گزارش بعدی خود مینویسد ۳۰۰ دانشجو که امروز در ساختمان سرکنسول گری ایران در انشهر متحصن شده بودند تلگرافی بعنوان اوتانت دبیر کل ملل متحد ارسال و در آن دیکتاتوری ظالمانه ایران را محکوم و خواستار ایجاد آزادی در ایران شدند . گزارش تظاهرات چند روزه دانشجویان ایرانی در آمریکا

گزارش خبرگزاری یوتاتید پرس مورخ ۳ ژانویه از واشنگتن حاکی است که گروهی از دانشجویان ایرانی بعنوان اعتراض باعمال خلاف قانون دولت در سفارت ایران متحصن شدند و شب را در آنجا گذراندند . خبرگزاری مزبور اضافه مینماید که (این دانشجویان همه اعضاء کنفدراسیون دانشجویان ایرانی هستند و امروز در این شروع با عتصاب غذا نمودند مقامات سفارت از پلیس واشنگتن در خواست کردند که سفارت آمده آنان را خارج کنند) در گزارش قوز اشاره شده است که (اولین دانشجو دانشجویی را که از سفارت خارج کردند علی قاضی رهبر کنفدراسیون که دارای ۱۰۰۰ عضو در آمریکا و اروپا میباشد بود) عین گزارش اضافه میکند که سفارت ایران از دانشجویانیکه پلیس بدستور مقامات سفارت از انطن محل بعنف خارج کرد بعنوان " تجاوز و حریم سفارت " بدادستان واشنگتن شکایت کرده است . اسوشید پرس در تأیید خبرهای قوز از واشنگتن طی گزارش مفصلی خبر میدهد که ایرادات دانشجویان به فراندوم ۶ ژانویه از این قرار بود که شاه هر نوع مخالفت را خفه نموده و در و در ایران دیکتاتوری برقرار کرده است . برخی از شمار هائی که بنا بقول اسوشید پرس دانشجویان با خود حمل میکردند عبارت بود از (شاه باید سلطنت کند نه حکومت) و (زنده باد مصدق) و (ما انتخابات آزاد میخواستیم) اسوشید پرس اضافه میکند که یکی از سخنویان سفارت اظهار داشته است که (جائزه تاسف و تشر است که هر گاری را که شاه انجام می دهد مورد پسند مردم واق نمیدرد) و نیز از قول یکی از دانشجویان مینویسد که (اطمینان داریم که فراندوم ۶ ژانویه همانقدر ساختگی و قلابی است که انتخاباتهای گذشته بوده . شاه مطابق قانون اساسی باید سلطنت کند نه حکومت یوناتید پرس در گزارشی دیگر از واشنگتن میگوید که گروهی از دانشجویان ایرانی بدنبال تحصن خود از روز ۳ ژانویه دست بظواهرات مداوم بمدت ۴ روز در مقابل سفارت زدند . روزنامه ایونینگ استار با واشنگتن در شماره ۶۶ ژانویه خود در بالای صفحه اول با چاپ عکس بزرگی از تحصن دانشجویان با حروف درشت این خبر را اعلام و متن گزارش مفصل اسوشید پرس را درج نموده است . روزنامه واشنگتن دیلی نیوز نیز در شماره مورخ ۶ ژانویه طی گزارش مربوط بتحصن در سفارت عکس بزرگی از تظاهرات چاپ نموده است .

ملت ایران آزادی فوری رهبران جنبه ملی را خواستار است

اعلام خطر

استقرا حکومت قانه نه هدف

جبهه ملی ایران است

برخلاف وعده های صریح و مکرر نخست وزیر فرمایشی علم که گفته بود : فرمان انتخابات در اسفند ماه ۱۳۴۱ صادر خواهد شد ، اینک وزیر کشور غیر قانونی در فروردین ماه ۱۳۴۲ اعلام میداد که دیگر احتیاج به فرمان نیست و انتخابات از هم اکنون شروع شده است و سپس از تعیین تاریخ انتخابات طفره میرود . اگر قصد انتخابات در میان است و آنطور که ادعای کنند انتخابات شروع شده است پس سران ارجمند جبهه ملی و

اعضاء مبارز آن در زندانها چه میکنند؟ و آیا چنین انتخاباتی بدون آزادی رهبران جبهه ملی انجام پذیر است و از نظر ملت ایران و افکار عمومی بین المللی ارج و اعتباری خواهد داشت؟ و اگر انتخابات شروع نشده است مردم ایران می خواهند صراحتاً بدانند انتخابات در چه موقع و در چه شرایطی انجام می گیرد؟

آیا حکومت اعلی حضرت شاه پی با شقیهات گذشته نژده و حاضر گردیده است برای سر و سامان دادن با وضع دردناک کشور ملت را در تعیین سر نوشت خویش و اقرار آزادی گذارد یا آنکه با تکرار صحنه سازیمهای سابق همچنان می خواهد بیکتاتوری فردی را با ظواهر دموکراسی پارلمانی مشروع و قانونی جلوه دهد و مردم و مملکت را در بن بست خطرناک فعلی باقی گذارد؟

آیا منظور برگشت بطرف ملت و قانون اساسی است یا سرگرم کردن مردم و دفع آنوقت؟

امروز که بیش از سالهای گذشته زندانهای استبداد از رهبران و افراد فداکار و مبارزه جبهه ملی مملو گشته است و بحران اقتصادی و بیکاری و در ماندگی اداری چنان سراسر اجتماع ما را فرا گرفته که اهالی بیشتر شهرستانها در حال تشنج و وضع غیر عادی بسر می برند و سوء رفتار و وحشیگریهای حکومت نسبت بملت ایران ، دانشجویان و بازاریان ، خاصه روحانیون و دهقانان مردم را عصبانی و عاصی کرده است اینک که علیرغم تمام آشفته گی های داخلی و انفجارهایی که در خارج از مرزهای ایران رخ داده ، هیئتها حاکمه بر خلاف موازین اخلاقی و بشری و بر خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی و قوانین کشوری ایران در ضرب و زجر و حبس و تبعید آزادیخواهان و وطن پرستان و ندیده گرفتن تمام راههای مسالمت آمیز حل مسائل سیاسی پافشاری می کند . و در نتیجه مصالح مملکت و ملت را برای حفظ بساط متنزل خود زیر پامی گذارد و از توسل به هیچ حربه ناسیونالیسم و مزورانه خودداری نمی کند و کار را به جعل اعلامیه از طرف سازمانهای جبهه ملی و تبدیل لباس افراد تشر و واداشتن آنان به آشوبگری و اعمال تروریستی در راه حفظ منافع فردی میرساند و عملاً بلوا و چاقو کشی را در مملکت مرسوم و رایج میسازد .

جبهه ملی ایران وظیفه خود می داند که روشن تر و صریح از هر موقع دیگر اعلام خطر کند و بکسانیکه بادعا و اعتراف خود مسئول مستقیم اوضاع اسف آور کنونی مملکت هستند گوشزد نماید که ادامه سیاستهای ضد ملی و خانمان بر انداز ده سال گذشته آنان و عدم توجه با فکار عمومی دیگر نمیتواند زمان دور شدن با واقعیات و علاج قطعی دردهای مملکت را بتأخیر اندازد . **جبهه ملی ایران** بشهادت اعلامیه ها و انتشارات متعدد از هنگام شروع فعالیت مجدد خود نزدیک سه سال پیش اوضاع اسف آور کنونی کشور را پیش بینی و همواره به مسوولان امور اعلام خطر کرده است اما دستگاه حکومتی در طی این مدت امیدوار بوده که با تظاهر به اصلاح طلبی خواهند توانست مجالس فرمایشی ده سال گذشته و نمایندگان قلابی را که خود دست چین و بملت تحمیل کرده مسئول تبه کاریها قرار دهد و با برقراری رژیم خود کامگی بدون مجالس و بکار بستن برنامه های تبلیغاتی وسیع و عوام فریب دوباره از پشتیبانان خارجی خود وام و کمک بگیرد و حکومت استبدادی خود را زیر حمایت نیروهای استثماری حفظ کند ولی کار فساد هیات حاکمه ایران چنان بالا گرفته است که حتی کسانی که کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را بمردم ایران تحمیل کردند باین نتیجه رسیده اند که ادامه کمک بچنین حکومتی در حکم تلف کردن منابع مالی آنهاست . بنا بر این صحنه سازیهای دستگاه هیچکس را در داخل و خارج ایران فریب نداده است و عملاً با اتلاف بیشتر وقت و ثروت ملت مسائل مملکتی را پیچیده تر و حل آنها را مشکل تر ساخته است .

مردم ایران همه تشنه اصلاحاتند بشرطیکه این اصلاحات از روی خلوص نیت و در چهارچوب یک نقشه جامع و ملی و بدست مردمانی پاک و کاردان و مورد اعتماد ملت انجام گیرد . وقفی جبهه ملی اعلام میدارد اصلاحات آری ، دیکتاتوری نه ، این بدان معنی است که اصلاح مردم و جامعه هدف بزرگ و مقدسی است که نمی تواند با فشار و اشاعه فساد و ترویج روح بردگی همراه باشد یک جامعه را نمی توان از هر حس استقلال طلبی و احترام شخص و سر امرازی محروم ساخت و در عین حال به اصلاح آن پرداخت . اصلاح جامعه در مرتبه اول بالا بردن مرتبت بشری افراد آن جامعه است و این حاصل نمیشود مگر آنکه مردم فاصله ای با حکومت احساس نکنند و از صورت تابعین محکوم بصورت اتباع صاحب حق در آیند . گماردن ژاندارم و نظامی بجای مالکان و حبس و تبعید هزاران دهقان اصلاحات ارضی نیست بلکه تبدیل یک نظام تحمیلی غیر مستقیم به یک دیکتاتوری مستقیم است . اگر انجام اصلاحات و سایر خواسته های ملت فقط با حرف زدن و شعار دادن میسر بود . هیات حاکمه میتواندست با تقلید و اقتباس از تمام شعارهای نیروهای ملی همه مسائل مملکت را حل کند . بجای این تبلیغات بی پایه که هیچکس را فریب نمیدهد هیات حاکمه بهتر است اصلاحات را از مسائل مهمتری که در حیطه اختیار اوست و ملت نیز قویا خواستار آنست شروع کند ، یعنی قانون اساسی را کاملاً رعایت و انتخابات آزاد را آغاز نماید و بیش از هر چیز از مداخله مقام سلطنت در امور کشوری و لشگری جلوگیری بعمل آورد امروز کار مبهن بزرگ ما به چنان مرحله ای از وخامت رسیده است و چنان خطرات مهیبی موجودیت کشور ما را تهدید می کند که دیگر همه کارهای مذبحخانه گذشته دستگاه بیفایده و در حفظ وضع موجود بی نتیجه است . غفلت ها و سیه کاریهای ده سال گذشته . ضربه های سهمگین بر بیکر اقتصاد و اخلاق اجتماعی وارد کرده و هر گونه پیوند دولت و ملت را از میان برداشته و بدبینی و بغض و عصبانیت شدیدی نسبت بتمام دستگاهها و مقامات هیات حاکمه در اذهان مردم پدید آورده است . بی اعتنائی مصادر امور به وضع مملکت و خواسته های مردم علاقمندان باستقلال کشور را نگران و آنان را که در کمین تمامیت ارضی این مرز و بوم نشسته اند امیدوار ساخته است .

جبهه ملی ایران با توجه به موقعیت حساس کنونی و با توجه بمخاطره ای که موجودیت کشور عزیز ما را تهدید می کند معتقد است که دیگر وقت کارهای نمایی گذشته است و هنگام آن رسیده که تمام نیروها و افراد علاقمند بوطن بر گرد شعار استقرار حکومت قانونی متمرکز شوند و برای روی کار آمدن یک حکومت ملی و بایان دادن به بن بست خطرناک اقدام کنند . بر خلاف بعضی مقامات مسئول و غیر مسئول که کینه ها و غرض ها و توهمها و پندارهای مشخص و خصوصاً با مصالح مملکتی اشتباه می کنند و یا فوق آن قرار می دهند جبهه ملی بیش از آنکه

در فکر نجات ملت و دو قصد بنای آینده کشور بنظر جبهه ملی مصلحت مملکت در این لحظات حساس آنست که سران و رهبران قدم و رجال برگزیده واقعی ملت هر چه زودتر در مجلس شورای ملی گرد هم آیند و برای نجات کشور چاره جویی کنند و از نیر و ست که جبهه ملی مصرأ می خواهد و به هیأت حاکمه گوشزد می کند که دست از بازیگریهای خطرناک گذشته بکشد و تسلیم اراده ملت شود ولی اگر عناصر جابر و خودخواه بخواهند در برابر تمایلات ملی بازم لجاجت ورزند و با صحنه سازی و کارهای نمایشی بوضع ناهنجار کنونی ادامه دهند و ملت را از ابراز اراده خود در یک انتخابات آزاد بازدارند و زندانها را از آزاد بخواهند مملوک کنند و جاسوس بر خانه میهن پرستان بگمارند و با ترور و وحشت و بضر و چاقو و چماق مردم را از پای در آورند و ارکان مملکتی را انحصار مشتی شاید و چپاولگر و آلت دست قرار دهند، ناچار با خشم ملت رو برو خواهند شد و خشم ملت تنها يك تعبیر ادبی نیست ، مردم ایران حقیقه بجان آمده اند و لارضائی و بیزاری بی حد خود را از اوضاع بهر وسیله ابراز میدارند . طبقات مردم در گفتگوهای خصوصی دائماً لزوم اقدام شدید بر ضد دستگاه حکومتی را بیکدیگر بازگو می کنند در هر کوی و برزن و هر کلاس و کارخانه و بازار و در هر مزرعه و اداره و مسجد همواره از دزدی و فساد و قلدری و وحشیگری مصادر امور مهم مملکتی سخن می رود و ملت ایران چون اقیانوسی برهیب در قعر سینه خود حروشی دشمن شکن را تدارك می بیند .

جبهه ملی ایران با توجه بموقعیت جغرافیایی حساس کشور همیشه کوشیده است از مجاری قانونی بر آرزوهای ملی جامعه عمل بپوشاند و از تشنج و آشوب جلوگیری کند و اصلاح امور مملکتی را بر اساس قانون اساسی عملی گرداند ولی وقتی يك دیکتاتور قانون نشناس هر فعالیت علمی و مسالمت آمیز را بی رحمانه با چماق و چاقو و سر نیزه و مسلسل پاسخ میدهد دیگر نباید انتظار داشت که بتوان چشم ملت به جان رسیده را تاملت نامحدود در مجرای راه حل های مسالمت آمیز هدایت کرد . اگر دستگاه حکومت خالی از پر وای آینده کشور باز در ادامه سیاهکاری و زور گوئی و ادامه روشهای پلیسی و تروریستی خود اصرار ورزد و ضرورت های زمان داراده ملت را به هیچ انگارد ملت بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر «بعنوان آخرین علاج» بقیام بر ضد ظلم و فشار مجبور می گردد و چنان هنگامه گرمی پدید خواهد آورد که هر خشک و تر را خواهد سوخت . شك نیست که وطنخواهان ایران غم سرنوشت تیره و تار دشمنان ملت و میهن را ندارند اما بخاطر درك موقعیت حساس ایران و شناسائی خطرات سازمانهای متشکل و مجهزی که در کمین موجودیت کشور عزیز ما نشسته اند . بوده است که تا کنون مردم بجان رسیده ایران بر ای سر نگون سر نگون دستگاه حکومت فاسد و مستمگر از توسل با آخرین علاج خود داری کرده اند . و گرنه ملت ایران معتقد است وقتی حکومتی حقوق اساسی مردم را نقض کرد مردم نیز حق و وظیفه دارند متجاوزان را بهر وسیله سر نگون سازند و امور آنرا منتخبا خود را برای اداره کشور بگمارند . ملت ایران مانند سایر مردم آزاده جهان بارها این حق را بموقع اجرا گذاشته است ملت ما بهمان اندازه که در احترام به قانون و نظامات اجتماعی تجربه دارد در واژگون کردن حاکم ظالم و غاصب نیز آزموده است . **سابقه مبارزه تاریخی ملت ایران با پیدادگران تابدوران قیام امیدبخس کاوه آهنگر و وطن پرست بر ضد ضحاک بر میگردد در روزگار ما بزیر کشیدن قوام از مسند حکومت و ادر گذشته دور تر تادیب شاه قاجار محمدعلی که از حدود خود قدم فراتر گذاشته بود صفحیات درخشانی از تاریخ ایران را تشکیل میدهد** این نیروی پهلوانی که شاه پیمان شکن را وادار به تحصن در سفارتخانه بیگانه کرد و او را به سزای نقض سوگند خود و هتك حرمت مجلس شورای ملی رساند هنوز از بازوان ملت ما بیرون نرفته است و در عضلات نیر و مندمش می جوید و روسیاهان و دلقکان و مزدوران بیگانه که با مردم بی دفاع چون غالب با مغلوب رفتار می کنند باید بدانند که سر زمین مردم خیز ایران گورستان نیست و در هر گونه این آب و خاک مردان دلیر وطن در انتظار اجازه رهبران زندانی ملتند تا صحنه کشور را از وجود عناصر ضد ملی پاک کنند . ملت ایران از آنکه انقلاب مشروطیت را اگر لازم شد صد بار تکرار کند بیم ندارد اما قبل از آنکه درماندگی اقتصادی و مالی حکومت و فقر و تنگدستی و شیوع بیکاری در میان انبوه مردم منجر به سقوط کامل اقتصاد کشور از يك طرف و طغیان مردم از طرف دیگر شود مسوولان امور باید بی درنگ در انجام خواسته های ذیل که خواست فوری و حیاتی تمام طبقات ملت ایران است اقدام کنند و کشور را از موقعیت خطرناک فعلی خارج سازند .

- ۱- آزادی فوری و بدون قید و شرط دکتر محمد مصدق رهبر و پیشوای ملت ایران زیرا دکتر محمد مصدق مظهر ملت ایران و حبس و اسارت - او نشانه حبس و اسارت ملت که بنسالی ایران است . ۲- آزادی فوری و بی قید و شرط رهبران ارجمند و افراد مبارز جبهه ملی ایران ۳- قطع شکنجه ها و وحشیگری زندانها و ماموران دولت نسبت به دهقانان و آزادی هزاران دهقان زندانی که گناهی جز باور کردن تبلیغات تو خالی دستگاه در بازه اصلاحات ارضی ادعائی نداشته اند ۵- انجام فوری انتخابات آزاد ۶- خودداری مقام سلطنت از مداخله در امور کشور و بازگشت به حدود مشخص در قانون اساسی ۷- تقایل هزینه های هنگفت نظامی و مخارج تجملی اداری و تخصیص کلیه عواید نفت بکارهای تولیدی بمنظور ایجاد کار برای بیکاران و تقویت صنایع و بازرگانی کشور و بالا بردن در آمد سرانه مردم

ملت ایران بر تحقق این خواستها و حفظ میراث پر افتخار مشروطیت مصمم است و اگر تجاوز از حدود قانون و اصرار در ادامه حکومت استمدادی فردی و زیر پا نهادن سوگند نگهبانی و حفظ مشروطیت امه و ملت مدعیان مردم منور الفکر خود تکلیف مثنیاق بین ارکان مملکتی و ملت را روشن خواهند کرد در دنیای امروز هیچ نیروی یا وای مناصت در برابر خواست ملت هارا ندارد و اعلیحضرت شاه نیز این معنی را بخوبی درك و شخصأ در کتاب «ماموریت برای وظنم» تأیید کرده اند جای آن دارد که در این لحظات حساس تاریخ ایران و سلطنت ایشان قسمت مر بوط آن کتاب را عیناً نقل و در خاطرشان زنده کنیم :

«مادر گذشته هم پادشاهان بزرگ و هم پادشاهانی داشتیم که یا از قدرت خویش سوء استفاده می نمودند و یا در خدمت مردم قصود می کردند ولی امروز يك چنین وضعی امکان پذیر نخواهد بود در عصر کنونی با توسعه فرهنگ و اتحاد احزاب سیاسی پادشاه خوب می تواند بطریق موثر تر از دوره های گذشته مردم کمک کند ولی شاه بد یا ساهی که لیاقت وی متوسط باشد دیگر وسیله زیان و اضرار مردم کشور خویش را نخواهد داشت زیرا مردم معنرا الفکر کشور زیر بار او نخواهند رفت و ناگزیرش خواهند ساخت که یا خود را اصلاح کند و یا تاج و تخت را ب دیگری واگذارد . . .»

استقرار حکومت قانونی هدف همه ملی ایرانیست

نشریه داخلی

کمیسیون انتشارات

بخوانید و بدیدگان هم بدیدید تا بخوانند

ملت ایران زیر بار مالیات قند و شکر خواهد رفت

تحویل مالیاتهای گمر شکن تازه بر ملت محروم ایران

دستگاه حکومت غیر قانونی و غاصب با تیران کردن قیمت قند و شکر و نفت و تعیین چنین مالیات غیر مستقیم ظالمانه ای بر طبقات کم درآمد ملت یکنبار دیگر ماهیت ضد ملی خود را نشان داد و بر رسوائی های بی شمار گذشته رسوائی تازه ای افزود. دستگاهی که در خلال تبلیغات پروسعت خود با عنوان کردن "اصلاحات ارزی" و "سهیم کردن کارگران در سود کارخانه ها" بدروغ سنگ طبقات محروم را بسینه میزند و با اصطلاح "انقلاب مقدس سفید" براه میاندازد با افزایش قیمت کالاها و مهربانی طبقات کارگر و دهقان نشان داد که نه تنها مرکز فکر تامین رفاه این طبقات نیست بلکه هر روز به بهانه ای باری تازه بر شانه آنها ناتوان مردم تحمیل میکند تا بنحیال خود هم قدرت استبدادی را قوام بیشتری بخشد و هم زیر فشار و سبیه اقتصادی از نیروی مقاومت ملت در برابر ممالک حکومت بگردد. اینک پس از دو سال میامو و جنجال فقط معدودی از دهات آنها در آرزای اقساط بسیار سنگین تقسیم شده است. دهقانان رنجور که از اصلاحات ارزی دستگاه حکومت جز اینکه زورگویی بیشتر ژاندارمها و مأموران دیگر دولتی را تحمل کنند و بر میزان رشوه سنواتی مسموم مبلغی افزوده و تسلیم عمال دولت نمایند چیزی احساس نکرده اند و کارگران زحمتکش که از سهیم شدن در سود کارخانه ها بجزیر از فشار روز افزون سازمانهای پستی و اخراج دسته جمعی از کارگاهها محروم شده اند باید بار مالیات ظالمانه ای را که دولت از طریق افزایش قیمت قند و شکر و نفت به درآمد ناچیز آنان تحمیل کرده است بر دوش کشند. بالا رفتن قیمت قند و شکر در بازار بین المللی بفرسوحیت محوز افزایش قیمت در بازار داخلی ایران نیست چه اولاً در گذشته هیچگاه دولت پایایی تنزی قیمت در بازار بین المللی در بازار داخلی قیمت را پائین نیاورده است تا با عرضه قند و شکر در بازار بین المللی بحدی است که برای جلوگیری از رقابت نامشروع تولید کنندگان و سقوط نام بازار شوک دورها تولید کنند با هم قرار داد محدودیت کشت امضاء کرده اند و هر آینه قیمت شکر در بازار بین المللی زیاد بالا رود هجوم تولید کنندگان بی بازار چنان خواهد بود که قیمتها بسرعت و بیبر از انتظار تنزل مییابد بنا بر این ترقی فعلی بفرسوحیت ادعای وزیر داری حکومت غیر قانونی یک امر موقتی و زود گذر است. دولت که باندازه بین از ۶ ماه امصرف گسور و ذخیره قند و شکر دارد بهیچ عنوان مجاز نیست که هم اکنون که قیمتها موقتا ترقی کرده است دست بخیرید بزند و با این گذرنا موجه مالیات گمر شکن تازه ای بر مردم تحمیل کند ثانیاً بفرسوحیت اینکه قیمت شکر در بازار بین المللی حقیقتاً تنی ۱۸۰ دلار باشد برای دولت هر کیلو گرم ۱۳/۵ ریال تمام میشود و با قیمت سابق یعنی هر کیلو گرم ۲۱ ریال فقط اندکی از میزان استفاده دولت کاسته میشود و ادعای اینکه با حفظ قیمت در داخله دولت تضرر میشود کذب صحت است بنا بر این ما صراحتاً اعلام میکنیم که حکومت غیر قانونی ایران در بالا بردن قیمت قند و شکر و نفت سوء نیت دارد و از این راه عیب و ایراد:

- ۱- درآمد جدیدی برای تامین زینه های بیرونه ای که صرفاً بضرور حاکم دستگاه فرعونیه موجود بصورت میرسد تحمیل نماید.
- ۲- با ناتوان ساختن بیشتر طبقات مولد ثروت مملکتی یعنی دهقان و کارگر سطح تولید را پائین بیاورد و در نتیجه باریابان استعمارگر خود خدمت کند.
- ۳- با تضعیف بنیه مالی مردم نیروی مقاومت و ایستادگی آنانرا در برابر ظلم و جور حکومت استبدادی درهم شنند.

اما آنچه مسلم است نه شدت عص و خشمونت سیاسی و نه فشار مالی و اقتصادی بر مردم مبارزات ملت را برای استقرار حکومت قانونی متوقف نمینماید. مردم شرافتمند ایران هر چه بیشتر تحت فشار قرار بوند در صفوف فشرده تر و با سرسختی بیشتر جهاد مقدس خود را ادامه میدهند و ایمان نام سازند که لحظه پیروزی و غلبه حق بر باطل بسیار نزدیک است.

سرمنگنی در لباس وزارت

((در خلال مدت نهمین چند بار وزیر دادگستری پیوسته فرستاد و تا آنکه کرد پند نفر از نمایندگان بانوان با ایشان ملاقات و مذاکره نمود ولی بانوان تقاضای وزیر را نپذیرفتند زیرا آنان میخواهند با قوه قضائیه مستقلی که باید یکی از ارکان سه گانه مشروطیت باشد سروکار داشته باشند و نه با یک وزیر غیر قانونی یک قوه مجریه قانون نماند. در ساعت ۱۲ دادستان گل تقاضا کرد که دو نفر از بانوان بنمایند که از طرفت مسئمین در باره اعلام مردم بانوان مذاکره کنند این تقاضا پذیرفته شد. ولی آقای دادستان پس از استماع نظرات اصولی خاصها باستناد قانون سازمان امنیت اظهار کرد که هیچ کاری از دستش ساخته نیست و افزود که این عدم توانایی بحدی است که یک سرهنگ سازمان امنیت میتواند خود ایشان را هم از پشت میز دادستانی گل بردارد.))

((بدستور آقای باجری وزیر دادگستری آقای مجلسی معاون پارلمانی وزارت دادگستری به سمت دادستانی گل کشور مذکور منصوب شدند و آقای علی آبادی بسمت مشاور عالی قضائی دادگستری تعیین سمت دادند.)) نقل از جراید پنجم اردیبهشت

"چرا خود قیامت جوانمردی بیشتری از خود نشان نمیدهند و برای دفاع از قانون اساسی و آزادی و عدالت یعنی همان چیزهاییکه برای آنها آن سوگند یا نکرده اند در صفا قرار نمیگیرند؟ و اگر واقعا قانون سازمان امنیت چنان تمام اختیارات را از قوه قضائیه دکتر محمد مهدی مظهر ملت ایران و حبس و اسارت او نشانه حبس و اسارت ملت کهنسال ایران است

سلب کرده است که از آن چیزی جز شیری بی یال و دم و اسکم باقی نمانده است. اما مصلحت این نیست که قبل از آنکه دست سرمنگ سازان امنیت قضات را از پشت میز قضاوتشان با خفت پائین بکشند خود آنان بندها و وجدان را با آبروفندی دست از این "غفلت" بکشند. قانون و عدالت بر دارند و تکلیف مردم را یکسره روشن کنند. ؟

نول از شماره ۴۲ اخبار بهبهه ملی ایوان تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۴۲

چند رقم از چند بودجه

((پرریخت مگال اید یگوراس خونتس بیشتر از رئیس جمهور ایالات متحده امریا حقوق میگیرد و دو هزار دلار بعنوان حقوق و هفتاد و دو هزار دلار دیگر بعنوان حق سفره دریافت میدارد و حقوقش از پرداخت مالیات معاف است رئیس جمهور ایالات متحده امریا صد هزار دلار در سال دریافت میدارد که به آن مالیات سنگینی تعلق میگیرد.))

از بند ۱ کتاب سیاست ریاضه و مع ناکوار و اتا لایس از کودتائی که بنام سازان مرکزی امریا در آشور برقرار پیوست .

((امیر حضرت شاه د بیروز به علم نخست وزیر دستور دادند مقرری والا حضرت شاه از زار را از بودجه دولت تا به رفع تسرب بودجه کمکی شده باشد . . . منابع مطالع د بیروز اظهار داشتند که مستمری سالیانه ولیعهد در بودجه دولتی در حدود بیست و پنج میلیون ریال (معادل ۲۶۰ هزار دلار است))

از صفحه اول روزنامه تیران انگلیسی تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۴۱

وزارت دربار و نمایندگی	۱۱۰۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰	دفتر والا حضرت ولیعهد	۶۰۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰
اداره بیوتات سلطنتی	۲۱۰۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰	قصد ساختن ناخ پذیرائی ماهی	۲۰۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰
کمک مطیع فرزند د خدا	۲۰۰۰ / ۰۰۰ / ۰۰۰	از بودجه سال ۱۳۴۲ دولت	۰

اطلاعیه دانشجویان فارسی

دانشجویان فارسی دانشگاه تهران و دانشسرای عالی و پلی تکنیک هفته گذشته طی اطلاعیه ای اعلام داشتند که : "چنین زتعطیلات نوروزی شده ای و با نقشه ما و قرار ای قبلی هیات ها که بنام دانشجویان فارسی مقیم در بعضی شهرهای بیگانه و مشرب ساختن از ذهن عمومی بخوزستان گسیل داشته و چنین ولمود کردند که دانشجویان فارسی حد ای با آنها و اعطای ننگینشان مخالفت نبوده و احسانا بر اعطال آنها صحه میدارند . دانشجویان فارسی مقیم مرکز اعلام میدارند که این معیت و جامعه ساختگی بوده و دانشجویان فارسی نا ملا از آن بی اطلاع هستند و همدا با سایر دانشجویان مبارزه به پیکار آشنی ناپذیر خود علیه دیکتاتوری و استبداد ادامه میدهند ."

تظاهرات امریکا و اروپا پیاده روی از بالتیمور به واشنگتن

کنفدراسیون دانشجویان ایرانی بدنبال اقداماتی که بمنظور آزادی رهبران و افراد زندانی بهبهه ملی ایوان و سر طلاء ساختن ما بحیث مستبد حکومت غیر قانونی ایران از تاریخ ۲۴ اسفند ماه ۱۳۴۱ شروع نمود در تاریخ هفتم فروردین ماه ۱۳۴۲ بطبوعات جهان اعلام داشت که دولت ایران نه تنها وقتی بدرخواست آنان بمنظور آزادی دانشجویان و استادان و کارکنان و بازاریان و اطباء و سایر مبارزان راه آزادی و استقلال وطن نگذارد بلکه بشدت عطل و مظالم خود هم در سراسر ایران افزون و دیگر اکت ای نیست که از اقدامات ضد بشری دژخیمان حکومت مصون مانده باشد . کنفدراسیون در این اطلاعیه ضمن تجزیه و تحلیل اوضاع ایران گوشه ای زده است که : " ما معتقدیم که هیچ دولتی که عناصر فاسد در تمام شئون آن برار گرفته باشند نمیتواند اصلاحات مستیقی بنماید " و سپس اضافه مینماید که " مبارزه را تا آزادی هموطنان خود از قید استبداد ادامه خواهد داد در اینجا ما اعلان نشان میسازنده هم نشون با مقامات علمی و سیاسی بین الطلی مانند جواهر لعل نهرو و یوتانت لبرگر در متحد و دیگر آلمانیستواترز و برتراند راسل فیلسوف معروف و ژان پل سارتر و سایر شخصیتهای بین الطلی بوسیله نامه ها و تظاهرات متعدد تماس گرفته اند تا آنان از نفوذ کمجوی خود بمنظور آزاد ساختن آزادیخواهان زندانی در ایران استفاده نمایند و تا میگذرد که از روز ۲۶ فروردین ماه دانشجویان ایرانی در سراسر جهان دست بتظاهرات برای آزادی زندانیان فوج خواهند زد . روز چهارشنبه ۲۱ فروردین ماه ۱۳۴۲ جمع کثیری از دانشجویان ایرانی مقیم امریکا بعنوان اعتراض باعطل غیر قانونی و ضد بشری حکومت استبداد بسرقت رگری لوان در نیویورک رفته و سپس بطور دسته جمعی بمنظور تظاهرات بجلو مقر طل متقدم میروند در آنجا نمایندگان دانشجویان آقای دکتر صفری رئیس کمیسیون حقوق بشر طل متحد طلاقات و طوماری را که تهیه شده بود با نامه بسیار مفصل و استدلالی و رایج به نفس حقوق بشر در ایران از طرف هیات دبیران کنفدراسیون دانشجویان ایرانی بوی تسلیم مینمایند در این نامه اشار شده است که "جملات تجاوزات و قبیح و عجیب حکومت فعلی ایران به حقوق بشر در گسوری که نسبت به اعلامیه جهانی حقوق بشر تصدیق کرد ضروری میدانیم که حقایق دلیل را بنظر آن کمیسیون برسانیم و درخواست رسیدگی فوری داریم " پس از شن شدن این اطلاعیه چند ماه اخیر در ایران و اراک نام عده ای از زندانیان و قانون شکنی های دستگاه حکومتی و نحوه سانسور عماید و مردم و خبرنگاری های خارجی و جرایا دانش و شرح بیورش ها و خونریزی های چاقوشان و اوپاش و گماند های حکومت در تبریز و مشهد و غم و شیراز و تیران و هتک حرمت مراکز علمی و تربیتی و جوامع روحانی اغافه مینمایند که " ما دانشجویان ایرانی قطع نظر از جریانات سیاسی و اجتماعی موجود بشدت نسبت به این اقدامات ضد بشری و عطیلات تروریستی دولتی علیه سخته کشی و سر ستمی و تاراج نامه باقدمات اساسی از جانب طل متحد بخسود یک رسیدگی کامل از طرف کمیسیون حقوق بشر داریم . بنام آن دانشجویان اطمینان داده شده که این شکوائیه در گزارش سال آینده دبیر کل به مجمع سالیانه حقوق بشر گنجانده خواهد شد و نیز کنفدراسیون دانشجویان ایرانی روزیست این نامه را برای اطلاع بکلیه جراید مهم امریکا ارسال داشته است . روز ۲۲ فروردین ماه عده ای از دانشجویان در بندر رهبران ارجمند و اعیان فدائار بهبهه ملی و هزاران هزار تن دهقانان و دهقانان را آزاد کنی ."

پروژه‌ها را با تیمور مقابل اداره روزنامه بالتیمور سان اجتماعی نموده و پس از مباحثه های مطبوعاتی با خبرنگاران آن شهر مانند سفر بنمایند که از طرف سایر دانشجویان داوطلب میشوند مسافت بین بالتیمور و واشنگتن پایتخت امریکا را پیاده طی نمایند این راه پیمایی مدت ۲ ساعت طول میکشد و در تمام راه دانشجویان با درست داشتن پلاکتهایی در شهرها و دعوات بین راه روزانه و ماهیت حکومت مستبد ایران را بر ملا میسازند و بدینوسیله بمالیات دانشنگان امریکائی گوشزد میکنند که مالیاتهای را که آنان پرداخت نموده اند بصورت کمک برای تقویت چنین حکومتی بصرف رسیده است و اگر مستقد آزادی و حکومت دموکراسی هستند باید از ادامه چنین کمپانی جلوگیری بنمایند . در طول راه اسکورت پلیس برای حفظ انتظامات و گروه کثیری از خبرنگاران همراه پیاده روندگان بودند تا بالاخره صبح روز بعد یعنی جمعه خارج از شهر واشنگتن با استقبال شورانگیز عده زیادی از دانشجویان ایرانی مقیم آن شهر روبرو میشوند پلیس واشنگتن با استقبال شورانگیز عده زیادی از دانشجویان ایرانی مقیم آن شهر روبرو میشوند پلیس واشنگتن آنان را با احترام تمام از مرکز شهر اسکورت نموده و بالاخره هفت دقیقه به ظهر همگی به مسجد واشنگتن پس از گذاردن نماز تا ساعت دو بعد از ظهر در مسجد باستر احتپرداختند و در طی این مدت مرتب خبرنگاران و عکاسهای جراید برای مصاحبه و کسب خبر با آنان شروع مینمایند ایستگاههای رادیویی تلویزیون مرتب خبر این تظاهرات را بسمع مردم رسانیده و حتی صدای تظاهرات را چندین مرتبه پخش مینمایند . تظاهرات دانشجویان در واشنگتن در طی روزهای شنبه ۲۴ و یکشنبه ۲۵ فروردین ماه در نقاط مختلف شهر و به خصوص جلوی مقر ریاست جمهوری ادامه داشت ولی موقتی با اجتماع در مقابل سفارت ایران نشدند چون بتقاضای مقامات سفارت پلیس واشنگتن از نزدیک شدن مردم دانشجویی به آنجا جلوگیری مینماید و مقر سفارت دائما در صافه پلیس میباشد شهر ۲۵ فروردین ماه نامه ای بعنوان جان کندهی رئیس جمهور امریکا بدفتر ریاست جمهوری تسلیم مینمایند و در اینجائاتظاهرات ۴ روزه پایان مینماید . در طی این نامه دانشجویان اظهار میدارند که اگر واقعا دولت امریکا آنطور که خود شخص رئیس جمهور بارها گفته است خواهان استقرار آزادی و دموکراسی در سراسر جهان است پس بهتر است از پرداخت هر نوع کمک بیک حکومت استبدادی که زندانیان محکوم ملت خود را میسازد در آینده خودداری نماید . در کالیفرنیا نمایندگان دانشجویان ایرانی بمنظور همکاری با زندانیان و دانشجویان دانشگاه تهران دست باعتصاب غذایی زنند و در سایر نقاط امریکا دانشجویان ایرانی در صحن دانشگاههای خود اجتماع و مباحثه های مطبوعاتی تشکیل میدهند در کشور ایتالیا دانشجویان ایرانی در مقر سفارت ایران در رم متحصن میشوند و نیز سراید شهرهای رم و فلورانس و پروجا اخبار مربوطه بصاحبه ای خود را با دانشجویان بتفصیل منتشر مینمایند . در سایر کشورهای اروپا منجمله فرانسه و آلمان و انگلستان و سویس نیز برنامه هایی انجام شده که اخبار مربوط بآنها بعدا باطلاع خوانندگان عزیز خواهد رسید . در اطریش دانشویان ایرانی مقیم شهرهای گراتس - لئون - انسبروک - وین روز ۱۳ مارس ۱۹۶۳ سفارت ایران مراجعه و تقاضای آزادی سران و افراد جبهه ملی و دانشجویان زندانی را مینمایند و سه روز بعد نمایندگان دانشویان مجددا مراجعه و خواستار جواب تقاضای خود میشوند سفیر ایران نه تنها جوابی ننمیدهد بلکه با الفاظ رذیله و ناشایستی بنا دانشویان بر سر کرده و حتی با وقاحت تمام بکنک زدن آقای هوشنگ فدنی میپردازد و از پلیس ^{اطریش} خواست بپروان کردن متحصنین از سفارت میکند و روزنامه ها و رادیو و تلویزیون اطریش متحصن دانشجویان در سفارت و رفتار سفیر کبیر را کاملا منعکس مینمایند سفیر ایران در اطریش شخصی است بنام رحمت اتابکی که در ایران دارای پیوندهای انقلابی است و باستان میباید البته جز این از سفرای حکومت استبداد نمیتوان انتظار داشت .

دومین اعتصاب غذا در زندانها و تظاهرات در تهران

همانطور که در شماره قبل گزارش دادیم رهبران و افراد جبهه ملی ایران که همزمان با فرارندم قلبی ششم بپمن بخاطر آنکه میخواستند روز پنجم بپمن ماه در میدان جلالیه طی متینک بزرگی شعار دید جبهه ملی یعنی " اصلاحات ارضی آری - دیکتاتوری شاه نه " را برای مردم تشریح کنند توقیف شدند از تاریخ ۱۹ فروردین ماه اعتصاب غذا کردند مقام با آنان ۱۴ نفر دانشجویان دانشگاه تهران در دانشسرای عالی و ۳ نفر از دانشجویان پلی تکنیک بنمایندگی از طرف دوستان خود اعتصاب غذا نمودند و در طی این مدت طبقات مختلف مردم و دانشجویان و اقوام زندانیان در نقاط مختلف شهر منجمله گانج دادگستری و مقابل زندانها و دانشگاه و پلی تکنیک دست بتظاهرات زدند دانشگاه در طی این مدت یکپارچه احساسات بود و در طی دو متینک چند هزار نفری همبستگی خود را با زندانیان و سایر مبارزان راه آزادی اعلام داشت اعتصاب غذا بالاخره پس از وعده مقامات دولتی طی مذاکره با رهبران زندانی در آزاد کردن لاقط کلیه دانشجویان زندانی در ظرف یک هفته که پایان آن ۴ شنبه ۲۸ فروردین ماه بود پایان یافت ولی در طرف این مدت فقط ۱۳ نفر از دانشجویان زندانی آزاد شدند ولی در مقابل تعداد کثیری منجمله کسانی که برای ارسال نامه به دبیر گل ملل متحد یونان و تحمین بمقر نمایندگی ملل متحد بتهران رفته بودند بطور غیر قانونی توقیف شدند که اسامی برخی از این همزمان زندانی عبارت است از آقایان ایر - فر هومند - محسن گمالی - علی نام زاده - ایر - معتدی - ابولقاسم خوشنویس - محمد - حاج مهدی - پرویز کیاری - محمد علی پیکان - رضا راستی - رضا ازغدی - محمد جعفری - محمود سیوطی - تقی خلاق - مافی - غلامرضا سلیمانی - محمد بیگدلی - احمد سلامتیان - هاشم سلطانی - عبدالعسین طریفی - و هم اکنون در زندان موقت شهربانی بسر میبرند چون تا چهارشنبه ۲۸ فروردین مقامات مربوطه بوعده خود وفا نکردند زندانیان قزل قلعه مجددا نامه ای بعنوان دادستان گل کشور نوشته و اعلام داشتند که در نتیجه این عهد شکنی ناچارند دوباره اعتصاب غذا نمایند دومین اعتصاب غذا از پنج شنبه ۲۹ فروردین ماه در قزل قلعه شروع شد و زندانیان مقیم زندان موقت شهربانی هم با ارسال نامه بدادستان گل اعلام داشتند که بضرورت همکاری با دوستان خود که مدت مدیدی است بطور غیر قانونی بازداشت

دهمین هزار کارگر - نفت جنوب را بکارهایشان برگردانید

هستند دست باعصاب غذا میزنند و زندانیان مقیم زندان قصر هم مجدداً از اول اردیبهشت ماه شروع باعصاب غذا کردند ولی
عمر هم امروز مقامات مربوطه با رهبران قهرمان جنبه ملی ملاقات و وعده دادند تدریجاً شروع با آزادی زندانیان بنمایند و بدین
ترتیب درصحن اعتصاب غذا پیر از هشتاد ساعت با موفقیت پایان یافت .

حمله و عشیانه پلیس بزنان و کودکان در دادگستری

بدنبال انتشار خبر این اعتصاب غذا دسته دسته خانواده های زندانیان و سایر طبقات در مقابل زندان قزل قلعه همه روزها اجتماع
کرده و با تغییر قانونی فرزندان خود و مجاهدان راه آزادی اعتراض نمودند و نیز صبح شنبه ۳۱ فروردین ماه گروه کثیری از خانوارهای
زندانیان و دوستان آنان با دست داشتن پلاکتهایی در کاخ دادگستری بمنظور اعتراض بر سه ستون مقامات توه قضائیه بخصوص
دادستان کل کشور حضور یافتند و تا آخر وقت اداری موفق بملاقات آقای دادستان کل نشدند لذا تصمیم گرفتند که محدود افرادی
آمروز نیز در کاخ دادگستری اجتماع نموده و اعتراضات خود را بقانون شکنی های حکومت مستبد و غیر قانونی تکرار نمایند . اجتماع
کنندگان قضائی السابق با نظم و ترتیب همه روزه در آنجا حضور یافتند ولی چیزی نگذشت که در حدود ساعت ده صبح تعدادی
از افراد پلشت بدون دلیل بوسیله باتون بانان حمله ور شده و سعی نمودند آنها را از خانه عدالت به بیرون اندازند ولی اجتماع
کنندگان که برای اخذ حقوق از دست رفته ملت ایران به آنجا آمده بودند در زیر ضربات باتون پلیس با شداعت تمام مقاومت کرده
و از جای خود تکان نخوردند تا اینکه دقیقه به دقیقه به تعداد افراد پلیس اضافه گردید و بالاخره افراد گماندوی پلیس هم
بدانان پیوستند و بیرحمانه و وحشیانه بزنان و کودکان بلادفاع و جوانان و پیران و حتی ارباب رجوع عادی دادگستری حمله ور شده
و آنان را به شدت مضر و مبدوم نمودند و در این ماجرای است انگیزی از بانوان که حامله بود و تعدادی دیگر از آنان بر اثر
ضربات پلیس بحالت اعماء افتادند و ماوران حتی از رسانیدن آنان به پزشکی جلوگیری مینمودند . این جریان با سیل اعتراض همه
جانبه و بیرون رفت انگیز مردم ما سر در محل و تعداد کثیری از آقایان مقامات مترم دادگستری مواجه شدند . دانش و بیان دانشگاه
تهران نیز از ظهر امروز با نصب پلاکات بر سر در دانشگاه مراتب همبستگی خود را با اعتصاب کنندگان و تنفرو انزجار خود را بسبب
باعمال وحشیانه و ضد قانونی و ننگین حکومت مستبد اعلام داشتند .

توسط دفتر سازمان ملل متحد
جناب آقای اوتانت دبیر کل سازمان ملل متحد
رونوشت کمیسیون حقوق بشر

بنمایند که از طرف طبقات مختلف اجتماع ایران و بعنوان تنها ملجاء موجود بدفتر سازمان ملل متحد در تهران متوسل شده ایم و
در حال اعتصاب غذا بسر میبریم عده کثیری از دانش و بیان استادان ارجمند دانشگاه معلمین و وکلای دادگستری نویسندگان -
کارگران و طبقات مختلف هم اکنون در زندانها با خطر مرگ دست بگریبان هستند آنها در روز است که اعتصاب غذا نموده اند
از آن جهت تا نرسیدن زندانها برسیم ما دوران صلح ما سره است و از نزدیکان زنان و فرزندان و مادران و پدرانی که برای
جستجوی ملل زندانیان مراجعه مینمایند جلوگیری میشود قوان صلح زنان و کودکان را در جلوی زندان نظامی تهران مورد حمله
قرار دادند و با خشونت و وحشیگری آنان را بعقب راندند ما از سرنوشت استادان و معلمین و دوستان دانشمندی خود بی اطلاعیم
ممیقاً میدانیم که خطر مرگ جمع کثیری را تهدید مینماید اکثر رهبران جنبه ملی ایران که از بهترین و شایسته ترین فرزندان این
آب و خاک هستند با چنین وضعی در داخل زندانها با مرگ روبرو شدند اند جنبه ملی ایران یگانه سازمان مترقی و اصلاح طلب
ایران است که از طرف اکثریت قریب باتفاق مردم و بخصوص از طرف ترقی خواهان حمایت میشود تنها گناه رهبران و اعضای این سازمان
مبارزه بدین روشها توری و فساد دستگاه حکومت است این دستگاه فاسد قریب ده سال است که کلیه آزادیها و حقوق قانونی را از ملت
سلب کرده است و بنحوی سابقه بدجه مملات و درآمد ملی را بیخما برده فساد و زردی و اختلاس و رشوه خواری را رواج داد
و مانند بدهی در برابر اصلاح و ترقی مملکت قرار گرفته است این همان دستگاهی است که ابتدائی ترین حقوق ملت یعنی حق انتخاب
نمایند را از مردم کشور سلب کرده است و با تعطیل پارلمان و جلوگیری از اجتماعات مستبدانه بر مردم حکومت مینماید . آقای دبیر
کل اکنون در کشور ما هیچ مقامی و مرجع قانونی برای رسیدگی بشنایات و اعتراضات مردم وجود ندارد متجاوز از سه ماه است که
اعتصاب کنندگان بدون هیچگونه مجوز قانونی در زندان بسر میبرند در این مدت بکلیه مقامات قضائی مراجعه شده است ولی ترتیب
اثری باین مراجعات داده نمیشود مراجع نظامی و سازمان امنیت و دستگاههای پلیسی مانع از هرگونه رسیدگی هستند و از دخالت
مقامات قضائی جلوگیری مینماید اعلامیه جهانی حقوق بشر و کلیه آزادیها و حقوق اولیه انسانی از مردم سلب شده است امنیت
مسکن امنیت شخصی و امنیت شغلی از بین رفته است سانسور شدید اخبار و مطبوعات و فشار سازمانهای پلیسی مانع نشر
حقایق است اکنون که دوستان و استادان ما در داخل زندانها خطر مرگ را استقبال نموده و با آخرین حربه متوسل شده اند
ما نیز سرنوشت خود را به سرنوشت آنها پیوند میدهیم و بعنوان اعتراض علیه حکومت غیر قانونی و دستگاه دیکتاتوری اعتصاب غذا
اعلام مینماید و از سازمان ملل متحد تقاضا مینمائیم در کوتاه ترین مدت هیاتی از مقامات قضائی ذیصلاحیت برای رسیدگی به نقض
حقوق انسانی در ایران بدشور ما فرستاده شود .

نمایندگان سازمانهای جنبه ملی ایران

۱۲ اردیبهشت سالروز شهادت دکتر خانعلی را بزرگ میداریم و برون پاکش درود میفرستیم
زندانیان غیر جنبه ملی در زندان مشهد از صبح یکشنبه هشتم اردیبهشت اعتصاب غذا کردند . ما همبستگی خود را با این
آزادگان اعلام میداریم .